



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

آیین ارشاد و ہدایت

نسل جوان

مزینہ اولیاء و مربیان»



مہتممہ المصنوعہ حق حق

www.aryan.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین ارشاد و هدایت نسل جوان : ویژه اولیا و مربیان

نویسنده:

محمد حسین حق جو

ناشر چاپی:

نشر فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	آیین ارشاد و هدایت نسل جوان : ویژه اولیا و مربیان
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	مقدمه
۱۷	نگاهی به ارشاد و هدایت و گرایشهای مکتبی «در اولیاء و مربیان»
۱۷	تربیت و مکاتب
۱۷	اشاره
۱۷	۱ - رفاه گرایان
۱۷	اشاره
۱۸	پیروی مربیان از رفاه گرایان
۱۹	بی توجهی به امور تربیتی
۱۹	اصالت در چیست؟
۱۹	اسلام و رفاه مادی
۲۰	۲ - پوچ گرایی (نهلایسم)
۲۰	اشاره
۲۲	آثار منفی
۲۲	اتلاف وقت
۲۲	عدم رشد علمی
۲۲	اعتیاد
۲۳	اعمال غیر قابل قبول
۲۳	اسلام و پوچ گرایی
۲۵	۳ - حسب و نسب گرایی (ناسیونالیسم)
۲۵	اشاره
۲۵	دیدگاههای مربیان

۲۶	دیدگاه اسلام
۲۸	۴ - مکتب سرمایه داری (کاپیتالیسم)
۲۸	اشاره
۲۸	اسلام و سرمایه داری
۲۹	۵ - مکتب بی تفاوتی (اومانیزم)
۲۹	اشاره
۳۰	دیدگاه اسلام
۳۰	۶ - بینش کارگرایی (پراگماتیسم)
۳۰	اشاره
۳۱	دیدگاه اسلام
۳۲	۷ - ظاهرنگری (رفورمیست)
۳۲	اشاره
۳۲	آفات پیروی از ظواهر
۳۳	دیدگاه اسلام
۳۳	انتخاب زیبا
۳۵	بهداشت و نظافت
۳۶	توجه به ظواهر و زیباییهای طبیعت
۳۶	۸ - استبداد (فاشیستی)
۳۶	اشاره
۳۸	پیروان استبداد
۳۸	دستاوردهای استبداد
۳۹	دیدگاه اسلام
۴۰	۹ - آزادی مطلق (لیبرالیسم)
۴۰	اشاره
۴۰	دیدگاه اسلام
۴۱	محدودیت در آزادی

- ۴۱ آزادی در انتخاب دین
- ۴۱ محدودیت آزادی در عبادت
- ۴۳ محدودیت آزادی در زندگی
- ۴۳ ۱۰ - خودنگری (امپریالیسم)
- ۴۳ اشاره
- ۴۴ ۱ - خود سازی
- ۴۴ ۲ - حرص
- ۴۴ اشاره
- ۴۴ دیدگاه اسلام
- ۴۵ اسلام و خدمات اجتماعی
- ۴۵ ۱۱ - واقع گرایی (رئالیسم)
- ۴۵ اشاره
- ۴۷ دیدگاه اسلام
- ۴۷ ۱۲ - بی بند و باری جنسی (مکتب فروید)
- ۴۷ اشاره
- ۴۹ دیدگاه اسلام
- ۵۰ کنترل غریزه جنسی
- ۵۰ ۱۳ - اعتراض (مکتب لاتیسم)
- ۵۰ اشاره
- ۵۰ دیدگاه اسلام
- ۵۲ اسلام، ارشاد و هدایت
- ۵۲ واژه شناسی تربیت، معروف و منکر
- ۵۲ اشاره
- ۵۲ شناخت معروف و منکر
- ۵۲ امر به معروف وظیفه عقلی است یا تعبدی؟
- ۵۳ شرایط امر به معروف و نهی از منکر

- مراحل نهی از منکر ۵۳
- انکار قلبی ۵۴
- امر به معروف و نهی از منکر وظیفه کیست؟ ۵۶
- اشاره ۵۶
- ۱ - مرحله فردی و عمومی ۵۶
- ۲ - مرحله گروهی و تشکیلاتی ۵۶
- برخورد با گناه و گناهکار ۵۶
- تأثر قلبی از گناه ۶۰
- جبران گناه با عبادت (ترک مکان گناه) ۶۰
- تغییر زمینه گناه ۶۱
- ترک محفل گناه ۶۱
- اهمیت تربیت ۶۱
- اشاره ۶۱
- ۱ - تربیت پوشش ارزشمندی است ۶۳
- ۲ - تربیت از هر ارثی بالاتر است ۶۳
- ۳ - تربیت از جمال و زیبایی بالاتر است ۶۳
- مقام مربی ۶۶
- مربی کیست؟ ۶۶
- تربیت و تخصص تربیتی ۶۶
- اشاره ۶۶
- ۱ - مربی پیرو راه انبیاء ۶۸
- ۲ - مربی جانشین و نماینده خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۸
- ۳ - تربیت افراد نشانه ایمان است ۶۹
- ۴ - تربیت ثواب و اجر و تأیید الهی را در پی دارد ۶۹
- ۵ - تربیت افراد موجب رحمت خدا می شود ۷۰
- اشاره ۷۰

- ۷۰ نمونه ای از تربیت و رحمت خداوند
- ۷۰ ۶ - مربی بهترین مردم است
- ۷۲ ۷ - مربی از آتش نجات پیدا می کند
- ۷۲ ۸ - مربی اجتماع را اصلاح می کند
- ۷۳ ۹ - مربی احیاگر است
- ۷۳ ۱۰ - شریک در عمل نیک
- ۷۴ بی توجهی به تربیت
- ۷۴ اشاره
- ۷۴ ۱ - اشاعه فحشاء و منکر
- ۷۴ ۲ - تنفر و بی توجهی خداوند
- ۷۶ ۳ - موجب نزول بلا می شود
- ۷۸ ۴ - شریک در گناه افراد
- ۷۸ اشاره
- ۷۸ جرم راضی شدن به گناه دیگران
- ۸۰ ۵ - حاکمیت بدان و عدم استجاب دعا
- ۸۰ ۶ - لعنت خدا را به همراه دارد
- ۸۱ ۷ - انسان حیات واقعی ندارد
- ۸۱ ۸ - نشانه بی دینی و بی عقلی
- ۸۱ ۹ - رحمت خدا را دور می کند
- ۸۳ ویژگیهای گفتاری آمرین به معروف و ناهین از منکر
- ۸۳ نقش بیان در ارشاد
- ۸۳ اشاره
- ۸۳ ۱ - با نام خدا شروع شود
- ۸۳ ۲ - با فرهنگ اسلام منطبق باشد
- ۸۵ ۳ - سخن حق باشد
- ۸۵ ۴ - پاک و دلپسند باشد

- ۵ - هدایت کننده باشد ۸۵
- ۶ - فرقان باشد ۸۷
- ۷ - سخن نیک باشد ۸۷
- ۸ - همراه با دلیل و برهان باشد ۸۸
- ۹ - سخن حساب شده و سنجیده ۸۸
- ۱۰ - سخن رشد دهنده باشد ۹۰
- ۱۱ - سخن همراه با تشویق و ترغیب باشد ۹۰
- ۱۲ - عامل تشویق یا تنبیه مشخص باشد ۹۰
- ۱۳ - سخن مأیوس کننده نباشد ۹۱
- ۱۴ - سرزنش آمیز نباشد ۹۱
- ۱۵ - عیب جویی نباشد ۹۲
- ۱۶ - سخن در توان افراد باشد ۹۲
- ۱۷ - سخن جامع باشد ۹۳
- ۱۸ - سخن هشدار دهنده و موعظه کننده باشد ۹۴
- اشاره ۹۴
- نمونه ای از عبرت گرفتن گناهکار ۹۴
- ۱۹ - سخن باید صریح باشد ۹۵
- ۲۰ - سخن مطابق با فهم و عقل افراد باشد ۹۵
- ۲۱ - اشتیاق و آمادگی افراد ۹۵
- ۲۲ - سخن مناسب سن افراد باشد ۹۷
- ۲۳ - سخن ساده باشد ۹۷
- ۲۴ - سخن نرم باشد ۹۸
- اشاره ۹۸
- نمونه ای از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ارشاد ۹۸
- ۲۵ - سخن مختصر و مفید باشد ۹۸
- ۲۶ - در سخن تکرار باشد ۱۰۰

- ۲۷ - به نکات مثبت فرد اشاره شود ----- ۱۰۰
- ۲۸ - تلقین خوبیها ----- ۱۰۲
- تلقین لفظی ----- ۱۰۲
- تلقین عملی ----- ۱۰۲
- صفات مرتبی ----- ۱۰۳
- آموختن روشهای تربیت ----- ۱۰۳
- اشاره ----- ۱۰۳
- ۱ - هدایت را از خدا بدانند. ----- ۱۰۳
- ۲ - ایمان به هدف ----- ۱۰۴
- ۳ - صبر و استقامت داشته باشد. ----- ۱۰۶
- ۴ - مددجویی از خداوند ----- ۱۰۷
- ۵ - اخلاص داشته باشد. ----- ۱۰۷
- ۶ - سعه صدر داشته باشد. ----- ۱۰۹
- نمونه ای از سعه صدر در ارشاد ----- ۱۰۹
- ۷ - شهامت داشته باشد. ----- ۱۱۰
- اشاره ----- ۱۱۰
- نمونه ای از شهامت در مقابل ستمگر ----- ۱۱۰
- مقابله به مثل ----- ۱۱۲
- ۸ - انتقاد پذیر باشد. ----- ۱۱۲
- ۹ - تعادل روحی داشته باشد. ----- ۱۱۲
- ۱۰ - عجله نکند ----- ۱۱۴
- ۱۱ - سختگیری نکند ----- ۱۱۴
- ۱۲ - استبداد نداشته باشد. ----- ۱۱۶
- ۱۳ - آبروی افراد را حفظ کند. ----- ۱۱۶
- ۱۴ - شخصیت افراد را خرد نکند. ----- ۱۱۸
- ۱۵ - مهربان و دلسوز باشد ----- ۱۱۸

- ۱۱۸ - تیزهوش و زرنگ باشد. -----
- ۱۲۰ - به افراد احساس مسئولیت دهد. -----
- ۱۲۱ - عزت نفس -----
- ۱۲۱ - مأیوس نشود. -----
- ۱۲۳ - افراد گناهکار نزد او یکسان باشند. -----
- ۱۲۳ - اگر سؤالی را نمی دانست بگوید نمی دانم. -----
- ۱۲۵ - عمل به گفتار -----
- ۱۲۵ - علم و آگاهی کافی -----
- ۱۲۷ - شناخت مرز احکام شرعی -----
- ۱۲۷ - اشاره -----
- ۱۲۹ - شناخت اعمال -----
- ۱۲۹ - گناه کبیره -----
- ۱۲۹ - گناه صغیره -----
- ۱۲۹ - مکروه -----
- ۱۲۹ - مستحب -----
- ۱۲۹ - بی اعتنایی به مستحبات -----
- ۱۳۱ - حق الله -----
- ۱۳۱ - حقوق اجتماعی (حق الناس) -----
- ۱۳۱ - ظلم به نفس -----
- ۱۳۲ - مشورت کند -----
- ۱۳۲ - پالایش و بدیها جایگزینی امور مثبت -----
- ۱۳۳ - روشهای تنبیه صحیح -----
- ۱۳۳ - جبران و توبه را توصیه کند. -----
- ۱۳۳ - اشاره -----
- ۱۳۴ - مراحل توبه و جبران -----
- ۱۳۶ - مراحل توبه در مکتب علی علیه السلام -----

- ۱۳۸ ----- ۲۹ - از روشهای غیر مستقیم استفاده کند.
- ۱۳۸ ----- ۳۰ - اگر ارشاد مؤثر نیست، افراد را رها کند.
- ۱۴۰ ----- ۳۱ - همنشینی با افراد گناهکار را ترک کند.
- ۱۴۱ ----- ۳۲ - از خداوند عاقبت خیر بخواهد.
- ۱۴۱ ----- ۳۳ - رعایت زمینه های روحی متریبی
- ۱۴۱ ----- نقش تعادل در پذیرش
- ۱۴۱ ----- درحالت غم و اندوه نباشد.
- ۱۴۱ ----- در حال ترس نباشد.
- ۱۴۱ ----- مضطرب نباشد.
- ۱۴۲ ----- عجله نداشته باشد.
- ۱۴۳ ----- مأیوس و ناامید نباشد
- ۱۴۳ ----- احساس امنیت
- ۱۴۳ ----- تعادل جسمی داشته باشد
- ۱۴۳ ----- مکان مناسب باشد
- ۱۴۴ ----- شناسایی عوامل گناه
- ۱۴۴ ----- شناخت انگیزه های گناه
- ۱۴۴ ----- اشاره
- ۱۴۴ ----- ۱ - ناآگاهی
- ۱۴۴ ----- اشاره
- ۱۴۴ ----- جاهل قاصر
- ۱۴۵ ----- جاهل مقصر
- ۱۴۵ ----- ۲ - کینه و عناد
- ۱۴۵ ----- ۳ - فراموشی احکام
- ۱۴۶ ----- ۴ - اجبار و اکراه
- ۱۴۶ ----- ۵ - سختگیری مریبی
- ۱۴۶ ----- ۶ - اضطراب

- ۷ - عدم شناخت نسبت به مرز احکام ۱۴۶
- ۸ - خطا و اشتباه ۱۴۷
- ۹ - آموزشهای غلط، یادگیری غلط ۱۴۷
- اشاره ۱۴۷
- آموزش خانواده ۱۴۸
- ۱۰ - خلأ روحی و معنوی ۱۴۸
- ۱۱ - مشکلات اجتماعی ۱۵۰
- جدا کردن افراد از عامل گناه ۱۵۰
- ۱۲ - کنجکاو ۱۵۰
- تفاوت خرابکاری و کنجکاو ۱۵۰
- عوامل مقطعی ۱۵۱
- منابع مورد بهره ۱۵۲
- درباره مرکز ۱۵۴

آیین ارشاد و هدایت نسل جوان : ویژه اولیا و مربیان

مشخصات کتاب

سرشناسه: حق جو، محمدحسین، 1333 -

عنوان و نام پدیدآور: آیین ارشاد و هدایت نسل جوان : ویژه اولیا و مربیان / محمدحسین حقجو.

مشخصات نشر: قم: فاطمه الزهرا (س)، 1379.

مشخصات ظاهری: 97 ص.

فروست: معارفی از قرآن و عترت؛ 44.

شابک: 5500 ریال 7-43-5968-964 :

یادداشت: کتابنامه: ص. [165]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر -- احادیث

تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

تربیت اخلاقی

جوانان مسلمان

رده بندی کنگره: 6/BP196/ح 97 1379

رده بندی دیویی: 297/3775

شماره کتابشناسی ملی: م 80-6072

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: 1

مقدمه

به نام خدا، بیاد امام مهدی

خدای را شاکرم که توفیق عنایت نمود، در آستانه ولادت امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش اثر دیگری را که در راستای اندیشه های

ملکوتی و انگیزه نهضت آن حضرت می باشد به زیور چاپ آراسته و در زمره آثار فرهنگی وارد گردد.

از حضرات معصومین علیهم السلام سپاسگزارم که یاری کردند تا بتوانم در رابطه با دو حکم مهم الهی یعنی: «امر به معروف و نهی از منکر» قلم به دست گرفته و از لابلاي معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام آمیخته ای از مبانی دینی و روانشناسی ارزشمند برای جامعه اسلامی بویژه مربیان و اولیاء گرامی تدوین نمایم.

فکر و قلم ناتوان است از این که در برابر عنایت خدای متعال به این حقیر قدرشناسی نماید.

به روح مطهر شهداء و مدافعین فرهنگ اسلام درود بی پایان باد که با ایثار جان خود این گنجینه های گرانمایه را به دست این عصر رساندند تا با خوشه چینی آنها بتوان مجموعه ای این گونه تقدیم داشت. روح مطهر اولیاء و اساتید گرانقدر در ملکوت اعلی روزیمنند و در جوار خدای متعال و اولیائشان متنعم باد که زمینه پرورش مرا به این سمت و سوی ایجاد کردند.

در موضوع امر به معروف و نهی از منکر تلاش فراوان شده ولی بنده معتقد هستم هر چه کار در تبیین معارف الهی شود کم است، لذا درصدد برآمدم بدنبال انتشار معارف احکامی (نماز و روزه)⁽¹⁾ سومین اثر خود را در این دو موضوع قرار دهم زیرا آثار بنده بیشتر در رابطه با نسل جوان است این کتاب بیشتر برای اولیاء و مربیان می تواند مفید باشد که در ارتباط با جوانان عزیز می باشند.

ناگفته نماند کلیات این مباحث برای دانشجویان حوزه قم و فرهنگیان عزیز چندبار مطرح شده است که توسط برخی از دوستان به این صورت درآمد و اصرار دوستان مرا بر آن داشت که به این صورت تقدیم عزیزان نمایم.

عقیده بنده این است که یکی از عوامل مهم مفاسد و بزهکاریهای جوامع بشری ناآشنایی با روشهای صحیح برخورد با آنهاست، لذا در این مجموعه به ارکان مهمی از این امور پرداخته شده است، امید است مورد رضایت خدای متعال و حضرات معصومین علیهم السلام قرار گیرد و اثری چشمگیر و کاربردی برای نجات جوانان عزیزمان داشته باشد.

آرزومندم که این نوشتار چون از نورانیت قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام بهره مند است در قلوب

ص: 1

لطیف و نورانی اولیاء و مربیان عزیز جای گیرد و توفیق اجرای نکات مفید آن در خارج از سوی خدای متعال عایدشان گردد.

لازم به یادآوری است که تذکرات و پیشنهادات سروران عزیز بعنوان بهترین هدیه پذیرفته می شود.

امید است از ارسال بهترین هدیه خود دریغ نفرمایید. قبلاً از بذل عنایت و لطفتان سپاسگزارم.

حوزه علمیه قم

محمد حسین حق جو

زمستان 1378

نگاهی به ارشاد و هدایت و گرایشهای مکتبی «در اولیاء و مربیان»

تربیت و مکاتب

اشاره

بدون شك خط سیر زندگی هر انسانی متأثر از عوامل درونی و بیرونی می باشد، از آنجا که دشمن پیوسته در صدد بوده تا امت اسلام را از سرچشمه گوارای وحی و مکتب اهل بیت علیهم السلام دور نگه دارد و گرد و غبار اندیشه های باطل خود را تحت عنوان مد، روشنفکری، تمدن و... روی افکار و عقاید نورانی، الهی آنها تثبیت کند به امید آنکه بتواند تأثیر نورانی ارزشهای الهی را کم فروغ گرداند.

در این بخش گذری به برخی دیدگاههای مکاتب مادی و غیر الهی و کاربرد آن در امور تربیت داریم، باشد که در بینش های مربیان امتمان مؤثر افتد و بتوانند از دست آوردهای مثبت آنها بهره جویند.

1 - رفاه گراییان

اشاره

یکی از انواع نگرشها، پیرامون امر تربیت، رفاه طلبی است. طرفداران این مکتب اصالت را در تربیت افراد و به تأمین امور مادی می دانند.

اگر در جامعه آنها مردم از نظر مادی در رفاه باشند، چنان جامعه ای را ایده آل می دانند و آن را به عنوان جامعه نمونه و حرکت آفرین تأیید می نمایند.

ص: 2

بسیاری از اولیا و مریبان جامعه اسلامی ما آگاهانه یا ناآگاهانه پیرو چنین مکتبی هستند و تنها به این مسیر می اندیشند که افراد تحت تربیت خود را از نظر مسکن، غذا، لباس، و سایر مایحتاج مادی و فکری، در رفاه قرار دهند.

این گونه افراد تنها به فکر تنوع جسمی متریان خود هستند و برای این تنوعات وقت صرف می کنند، برنامه ریزی می نمایند و در فکر و اندیشه رفاه مادی آنها هستند و اصالت را به این امور می دهند. پیروان مکتب رفاه گرایی چون اصالت را در رفاه مادی می دانند، حاضر نیستند، افراد تحت پوشش آنها، لحظه ای در تنگنای مادی قرار گیرند و اگر احیاناً مشکلی هم بروز کند، با تمام سعی و کوشش، سعی در از بین بردن این تنگنا دارند.

اگر ببینند فردی در جامعه از گرسنگی می میرد، بسیار ناراحت می شوند و احساس وظیفه شان موجب می شود که برای پر کردن خلأ افراد از نظر مادی، ایثار کنند، از رفاه خود بگذرند، تا دیگران از این لحاظ دچار کمبود نباشند.

در این رابطه گاه متوسل به تشکیل جلسات، استفاده از حمایت‌های افراد ثروتمند، تمرکز سرمایه ها در از بین بردن محرومیت مادی می شوند و مدتها وقت صرف می کنند تا این خلأ مادی از بین برود. در مساجد، جلسات اولیاء و مریبان، در ادارات و مراکزی که در رابطه با افراد تحت پوشش و جوان تشکیل می شود، محور اکثر این جلسات توجه به رفاه مادی افراد می باشد و مریبان و اولیائی که اصالت را به رفاه مادی می دانند در این جلسات سعی دارند، توجه افراد مسئول را به حمایت مادی جلب کنند. اولیائی که تنها به رفاه مادی فرزند خود می اندیشند، تمام فرصت‌های زندگی را برای دست یابی به پول بیشتر صرف می کنند. متوسل به وام و قرض می شوند، ساعت‌های متوالی کار می کنند تا افراد تحت پوشش آنها از نظر مادی در رفاه باشند.

از آنجا که رفاه طلبان تنها در پی رسیدن به رفاه مادی هستند، لذا پایه های تربیتی اتخاذ شده از طرف آنها بی ارزش است. زیرا آنان تنها به بعد جسمی متریان توجه دارند.

تأمین رفاه همیشه ارزشمند نیست، بلکه برای رشد و تعالی افراد، گاهی تحمل سختی و فراز و نشیب زندگی لازم و ضروری است. چنانکه یکی از فلسفه های احکام روزه این است که: انسانها با تحمل گرسنگی و تشنگی به یاد فقرا و نیازمندان و به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت بیفتند.

بی توجهی به امور تربیتی

چنین افرادی که اصالت را در رفاه مادی می دانند و تمام کوشش خود را برای رسیدن به این رفاه صرف می کنند، به مسائل تربیتی چندان اهمیت نمی دهند.

اگر کسی از نظر تربیتی دچار مشکل شود، مشکلات روحی پیدا کند، دچار خلأ معنوی و روحی شود، برایشان زیاد اهمیت ندارد، گرچه این افراد در مقابل گرسنگان مادی بسیار حساس هستند، اما در رابطه با گرسنگان روحی و تربیتی حساسیتی از خود نشان نمی دهند. به مسائلی که موجب گرسنگی روحی فردی می شود، بی توجه هستند و به دنبال چاره جویی و پیدا کردن عوامل گرسنگی تربیتی نمی باشند. این افراد، آنقدر که به رفاه مادی اهمیت می دهند، توجهی به مسائل معنوی، اخلاقی و تربیتی افراد تحت حمایت خود ندارند.

اصالت در چیست؟

این مسئله قابل قبول است که انسان از نظر مادی باید در رفاه نسبی باشد و از مواهب و نعمتهایی که خداوند برای او فراهم کرده است، استفاده کند. اما همه ابعاد زندگی يك انسان بعد مادی و رفاه مادی او نیست. بلکه اسلام به ابعاد دیگر انسان نیز می پردازد و برای آنها اهمیت قائل است.

اسلام اصل را در رفاه مادی نمی داند و این فکر را تأیید نمی کند که انسان به همه جوانب زندگی خود بی توجه باشد، اما از هر راه ممکن به رفاه مادی برسد. مادیات وسیله ای برای رسیدن به رشد معنوی است و از آنجا که انسان هیچگاه از نظر مادی احساس رفاه کامل نمی کند، لذا اسلام اصالت را به تربیت و مقامات معنوی می دهد و مادیات را برای رفع احتیاجات ضروری نفی نمی کند. در اینجا بحث این نیست که مادیات ضرورت ندارد، بلکه بحث آن است که تکیه انسان در زندگی رسیدن به مسائل مادی و رفاه در زندگی از نظر لباس، مسکن، خوراک، نباشد اینها ابزار است و اصل نیست.

بلکه اصالت در بُعد معنوی و روحی و فکری انسان است.

اسلام و رفاه مادی

از نظر اسلام تمامی مواهب دنیا برای انسان آفریده شده است و انسان برای رسیدن به کمال به رفاه نسبی نیاز دارد و نمی تواند نسبت به آن بی توجه باشد. در این رابطه قرآن و سنت رهنمودهایی دارند که دیدگاه انسان مسلمان نسبت به رفاه مادی باید چگونه باشد:

قرآن می فرماید:

«خداوند کسی است که برای (رفاه) شما جمیع آنچه در زمین است آفرید».(1)

نعمات خداوند در دنیا بسیار زیاد است به نحوی که قابل شمارش نیست. قرآن می فرماید:

«اگر بخواهید که نعمتهای بی حد و حصر خدا را شماره کنید هرگز نتوانید که خدا در حق بندگان بسیار غفور و مهربان است».(2)

و انسان موظف است که برای رسیدن به کمال معنوی از مادیات به عنوان پل و برای رفع نیاز و ضرورت استفاده کند، قرآن سفارش می فرماید:

«و با هر چیزی که خدا به تو عنایت کرده بکوش تا ثواب و سعادت در آخرت را تحصیل کنی و بهره ات را هم از دنیا فراموش مکن، تا توانی به خلق نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکویی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد ایجاد نکن که خدا مفسدان را دوست ندارد».(3)

انسان باید از مواهب مادی استفاده کند. اسلام با رهبانیت و تارك دنیا مخالف است و استفاده از مواهب مادی نیز باید در مسیر رسیدن به قرب الهی و نیکی به مردم باشد و انسان به حقوق دیگران احترام بگذارد، حقوق الهیه را از مال خود بپردازد و با پول خود گناه نکند و فساد ننماید و اسراف نکند، بلکه مردم دیگر را نیز از مواهبی که در اختیار دارد، بهره مند سازد. انسانی وارسته است که در عین احتیاج خود، ایثار کند و به اندک قانع باشد گرچه پول فراوان نیز در اختیار داشته باشد.

رسیدن به رفاه مادی نباید انسان را وادار به ظلم، حرص، طمع، بی توجهی به حقوق الهیه و...

کند. در هر حال اگر انسان از توسل به این راهها به رفاه مادی برسد، ارزش الهی ندارد و از نظر شرع مقدّس انسان رستگاری نیست.

هر کدام از این سرفصلها دارای نکات و آیات فراوانی است اما برای اینکه بحث مفصل نشود از ذکر آنها خودداری می شود.(4)

2- پوچ گرایی (نهلیسم)

اشاره

یکی دیگر از نگرشهای تربیتی القای پوچ گرایی در روحیه افراد به ویژه جوانان است. این مکتب و نگرش افراد را در حالتی قرار می دهد که به سوی بی هدفی و یک زندگی بدون تحرك گام بردارند.

از درس خواندن، زندگی کردن، هدف مشخص و ثابتی ندارند و یا اهداف آنها محدود و کوتاه و بی ثمر است و آینده نگر نیستند. اهداف پوچ گرایان، اهداف بلندی نیست. انگیزه آنها در زندگی

ص: 5

1- «هو الذی خلق لكم»؛ سورة بقره / 29.

2- «وان تعدوا نعمة الله»؛ سورة نحل / 18.

3- . «وابتغ فيما اتيك»؛ سورة قصص / 76.

4- . به کتابهای خودسازی و سرمایه کلاسداری مراجعه شود.

واقع گرایانه نمی باشد و نمی توانند مجموعه ای قابل قبول از زندگی، تحصیل، علم و... ارائه دهند.

بیشتر افکار آنان پنداری و خیالی است و در زندگی به کمال انسانی بی توجه بوده و تنها با انگاره ها دل خوش هستند.

بسیاری از اولیا و مربیان نیز خواسته یا ناخواسته چنین فرهنگی را در جوانان القاء می کنند و آن را تأیید می نمایند. نگرش آنها این است که عیبی ندارد، اینها جوان هستند، وقت زیاد دارند، بگذار هر کار دلشان خواست انجام دهند، خوش باشند. حال این مبانی تربیتی چه عواقبی را برای جوان در پی داشته باشد، برای آن ارزشی قائل نیستند و به آن فکر نمی کنند.

آثار منفی

افرادی که چنین روشی را در زندگی پیشه خود می سازند، دچار عواقب شومی از آثار عملکرد خود می شوند.

اتلاف وقت

گاه دیده می شود جوانانی که ساعتها بر سر کوی و برزن ایستاده و چشم چرانی می کنند یا با دوستان خود صحبت‌های بی پایه می نمایند، در نشستها و میهمانیها، هدفی جز وقت گُشی ندارند.

در کلاس درس به جای تحصیل علم وقت کشی می کنند و گاه سالها در يك کلاس می مانند و در جلسات امتحان وقت را هدر می دهند و به جای پاسخگویی به امتحان به دنبال افکار پوچ و خالی از حقیقت خود هستند.

عدم رشد علمی

این گونه افراد چون زندگی را پوچ و بی ارزش می دانند، لذا وقت خود را صرف تحصیل علم و تجربه نمی کنند، به دنبال کشف و اختراع و مطالعه نمی روند، زیرا ارتقاء علمی در جایی محقق می شود که انسان اهداف بلندی داشته باشد و بخواهد رشد مادی و معنوی کند. اما وقتی انسان هدفش محدود باشد، تلاش او هم محدود و کوتاه خواهد بود.

اعتیاد

اعتیاد به انواع مواد مخدر، از جمله آثار شوم پوچ گرایی است، زیرا در حال خماری، این گونه افراد با حقایق زندگی بیگانه اند و نسبت به آن حتی فکر هم نمی کنند و بسیاری از این افراد حتی

حاضر به ترك اعتياد خود نیز نیستند. زیرا نمی خواهند از توهمات و خیالات خود دست بردارند.

اعمال غیر قابل قبول

افرادی که دچار پوچ گرایی و فرار از واقعیتها هستند، اعمال غیر قابل قبولی دارند. گاه ساعتها روی مسئله ای کار می کنند و چون هدف والایی ندارند، آن را رها می سازند.

زندگی این افراد، دارای نقطه روشن و ثابتی نیست. اعضای مختلف بدن آنها، دچار اعمالی می شود که اگر علت آن را از این افراد بپرسی، دلیل ارتکاب عمل را نمی دانند. چرا دیدی؟ نمی داند.

چرا شنیدی؟ دلیل ثابتی ندارد. چرا رفتی؟ نمی داند و...

حرکات و رفتار هر انسان، حکایت از افکار او دارد، محرك هر فرد اندیشه و فکر اوست. وقتی فکر دارای هدف نباشد، اعمال انسان نیز پایه و اساس درست و خاصی ندارد.

اسلام و پوچ گرایی

شرع مقدس اسلام، پوچ گرایی را نفی می کند و آن را پایه درستی در تربیت نمی شمارد. از نظر مکتب و شرع مقدس اسلام جهان بیهوده و عبث خلق نشده است، قرآن می فرماید:

«آیا می پندارید که شما را عبث و بیهوده خلق کردیم و به سوی ما باز نمی گردید». (1)

خلقت جهان عبث نیست و انسان موجود کامل و عصاره هستی است و همه موجودات برای ایجاد سلامت و راحتی و کمال او خلق شده است، نباید در اندیشه و انگاره هایش عبث باشد. این جهان، مقدمه جهان آخرت است و خداوند می فرماید:

«ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای اینکه عبادت کنند». (2)

عبادت خداوند و هدف ارزشمند و والای زندگی راحت در جهان آخرت به انسان این انگیزه خوب را می دهد که کلیه اعضا و جوارح او در خدمت اهداف عالی و الهی باشد. زیرا قرآن می فرماید:

«همانا چشم و گوش و دلها در پیشگاه خداوند، مسئول می باشند». (3)

اگر انسان بخواهد پیکره جسمی او سالم و در مسیر رضای الهی باشد، باید ابتدا فکر و اندیشه اش را سالم نماید و انگیزه الهی پیدا کند، تا اعضای جسمی او نیز در این مسیر گام بردارند و زندگی او دارای اهداف عالی باشد.

ص: 7

2- . «وما خلقت الجن»؛ سورة ذاريات / 56.

3- . «ان السمع و البصر»؛ سورة اسراء / 36.

خداوند کمال مطلق است و جمیع صفات جمال و جلال را داراست و کاستی در وجود او نیست.

اگر فردی به طرف خداوند که کمال مطلق است حرکت کند، اعمال و رفتار او با افراد پوچ گرا کاملاً متفاوت است.

چنین فردی حتی خوابیدن، خوردن، راه رفتن و سایر اعمال عادی او نیز عبادت بشمار می رود چون در مسیر خداست و در راه رضای او گام برمی دارد و این افراد چنان ارزشمند هستند که خداوند عنایات خاصه خود را نیز شامل حال آنها می کند.

از این رو علی علیه السلام در دعای شریف کمیل از خداوند چنین می خواهد:

«خدایا اعضا و جوارح (اعضای جسمی) مرا در خدمت به خودت تقویت فرما و جوانح (اعضای روحی) مرا در مسیر خود شدت و تقویت بخش» (1).

3- حسب و نسب گرایی (ناسیونالیسم)

اشاره

یکی دیگر از نگرشها پیرامون تربیت، توجه به حسب و نسب افراد است. این نگرش القاء می کند که افراد بوسیله ملیت و نسب خود شناخته شده و افتخار آنها انتساب به یک قشر و گروه خاصی می باشد.

بسیاری از قدرتمندان عالم نیز بر اساس پیروی از همین فکر است که در پی سلطه و استیلای سیاسی، فرهنگی، نظامی بر سایر ملل دیگر می شوند و سعی می کنند که حرف اول سیاست دنیا را همیشه آنها بیان کنند و هیچگاه پیرو و تابع نباشند.

افتخار پیروان این نگرش تربیتی اجداد والا مقام و ثروتمند و پولدار و قدرتمند آنهاست.

این گونه افراد سایر مردم را دارای احترام و شخصیت نمی دانند و تنها خود را انسانهای والا مقامی می پندارند.

دیدگاههای مریبان

بسیاری از مریبان ناآگاهانه پیرو چنین مکتبی هستند. بطور مثال تدریس در مدارس خاصی را می پسندند، جوانان دوستی با افراد خاصی را که دارای حسب و نسب بالا باشند ترجیح می دهند، هرچند این افراد شرایط دوستی سالم را نداشته باشند.

اولیاء نیز وقتی می خواهند برای فرزندشان همسر انتخاب کنند اگر مخیر باشند در انتخاب فردی متدین اما فقیر، یا فردی لابلالی اما دارای تشخص اجتماعی، همیشه دومی را برمی گزینند.

ص: 8

1- . دعای شریف کمیل، «قوّ علی خدمتک جوارحی».

زیرا تشخص اجتماعی و حسب و نسب را اصل می دانند و از پیوند با چنین افرادی افتخار می کنند.

عوام مردم نیز اکثراً پیرو افرادی هستند که دارای مقامهای اجتماعی باشند، گرچه متعهد و متدین نباشند. پیروی از این طرز تفکر پیامدهای ناگواری را در جامعه بر جای می گذارد. زیرا اگر اصل، توجه به حسب و نسب باشد، دین و تربیت و اخلاق فراموش می شود و ملاک عمل نیست. لذا ضربه های جبران ناپذیری نیز در روابط به وجود خواهد آمد.

این مکتب، مکتب باطلی است و دیدگاهی است که اسلام صریحاً با آن مقابله می کند.

دیدگاه اسلام

از نظر اسلام همه مردم با هم مساوی هستند. ملاک برتری را خداوند در قرآن چنین بیان می دارد:

«همانا گرامیترین شما، با تقوی ترین شماست»⁽¹⁾.

ملاک برتری تقوی و دین افراد است. هر کس بیشتر از خدا بترسد و پیرو خدا باشد، گرامیتر است هر چند دارای پول و ثروت و یا حسب و نسب بالایی نباشد. هر کس دیندار است شایسته دوستی، رفاقت، رهبری، مقامهای اجتماعی و سیاسی است زیرا در سایه دین است که سایر ارزشهای انسانی و اخلاقی و اجتماعی محفوظ می ماند.

علی علیه السلام طی روایتی می فرماید:

«ادب نیکو و زیبا، بالاترین حسب و نسب است»⁽²⁾.

ادبی که بر پایه فرهنگ اسلام باشد قابل ارزش است. تربیت اگر مبنای الهی داشته باشد، انسان را از نظر معنوی قدرتمند می کند و در سایر عرصه ها نیز موفق می شود. چنانکه در قرآن داستانهای زیادی پیرامون این افراد آمده است. از جمله جنگ حضرت داود علیه السلام با جالوت است که قرآن می فرماید:

«چه بسیار شده که به یاری خداوند گروهی اندک بر سپاهی بسیار غالب آمده و خداوند یار و معین صابران است»⁽³⁾.

اگر عده ای کم و محدود باشند، اما از جهات فکری، روحی و معنوی، قوی باشند، بر جمعیت زیاد اما بدون هدف و قدرت فکری پیروز خواهند شد.

این مسئله را ایرانیان در جریان جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی، با چشم دل و با حقیقت، مشاهده کردند و دنیا به این مسئله اذعان کرد که گرچه ایران تنها بود و در محاصره کامل اقتصادی به

ص: 9

1- «ان اکر مکم عندالله اتقیکم»؛ سورة حجرات / 13.

2- «حسن الادب افضل نسب و اشرف سبب»؛ سورة غررالحکم.

سر می برد اما بر جمعیت متحد دنیا و سلاحهای پیشرفته آنها غلبه کرد و بالاخره دین بر دنیاداران پیروز شد و البته ایران و رهبران مذهبی ایران پیرو مکتب عاشورايند که امام حسين عليه السلام در نهايت قَلت عدد و سلاح بر آن دشمن زبون و پست و سر تا پا مسلح پیروز شد گرچه به ظاهر متحمل شکست شد، اما مکتب اسلام را با خون خود پایدار و مستحکم ساخت و بر دنیاطلبان پیروز شد.

4 - مکتب سرمایه داری (کاپیتالیسم)

اشاره

یکی دیگر از نگرشها پیرامون تربیت، سوق دادن جوانان به سوی سرمایه داری و اندوختن مال و ثروت است این تکاثر مال و ثروت، از راه حلال بدست نمی آید و از هر طرف و با هر هدف و وسیله ای برای رسیدن به پول و سرمایه استفاده می کنند.

برخی از مریبان نیز اندوختن سرمایه مادی را برای جوان اصل می دانند و او را به طرف تشکّل سرمایه ها سوق می دهند.

این گونه افراد فکر می کنند که اگر کسی سرمایه داشته باشد، یعنی منزل و ماشین و مغازه و سرمایه کار او فراهم باشد، انسان خوشبختی است.

اکثراً دیده می شود که همّت خانواده ها در این است که آینده جوان خود را از نظر مال و سرمایه تأمین کنند، اما تأمین سرمایه از کجا و به چه وسیله و هدفی برای آنها مهم نیست.

بسیار روشن است که اگر در کنار سرمایه، عامل کنترل کننده معنوی و اخلاقی نباشد، سرمایه انسان را به خوشبختی نمی رساند. لذا اسلام با چنین طرز فکری موافق نیست و آن را مطرود می داند.

اسلام و سرمایه داری

از نظر شرع مقدس اسلام تربیت افراد به سوی سرمایه داری، فکر باطلی است و انسان را خوشبخت نمی کند، بلکه سرمایه باید در کنار عامل کنترل باشد و عامل کنترل، قوی تر از فکر سرمایه داری باشد در این صورت هم، سرمایه به وجود می آید و هم انسان از نظر ارزشهای دینی و فکری سقوط نمی کند.

اسلام با مظاهر رفاه مادی و سرمایه داری مخالف نیست. اما ثروت و سرمایه ای را که از راه باطل به وجود بیاید و انسان عامل کنترل کننده در خود نداشته باشد را محکوم می کند.

اگر عامل کنترل کننده یعنی معنویت در انسان تقویت شود، روح انسان سالم می شود و می تواند از سرمایه های اقتصادی، علم و زندگی مادی خود در مسیر صحیح استفاده کند.

اما اگر روح سالم نباشد، سرمایه های اقتصادی و برتریهای مالی انسان را به تباهی و رکود می کشاند. اسلام پیروان خود را به تعلیم و تربیت همراه با تزکیه فراخوانده است و در قرآن پیرامون هدف رسالت انبیاء می فرماید:

«خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آلیش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت را بیاموزد هر چند از آن پیش گمراهی آنان آشکار بود»⁽¹⁾.

و امام صادق علیه السلام طی روایتی فرمودند:

«به دست آوردن ادب بالاتر از طلب کردن طلا می باشد»⁽²⁾.

اگر فردی می خواهد برای فرزند خود چیزی ذخیره کند، ادب و راه درست زندگی کردن بهتر از جمع کردن طلا، برای او می باشد.

کمال روحی انسان و افزایش ادب در او بهتر از زیادی مال است. زیرا زیادی مال عامل و زمینه ساز رکود است، اگر معنویت در کنار افزایش مال نباشد چنانکه قرآن نیز می فرماید:

«همانا انسان اگر بی نیاز شود، طغیان می کند»⁽³⁾.

در روایت دیگر علی علیه السلام می فرماید:

«کسی که در کاوش و یافتن ادب و تقویت بعد روحی است، از کسی که در طلب مال و طلاست سر بلندتر است»⁽⁴⁾.

مربیان بهتر است به جای صرف کردن فکر، وقت و امکانات خود برای جمع آوری سرمایه های مالی در پی افزایش بعد روحی متریان خود باشند، در این صورت اگر معنویت فردی قوی باشد، با کاستیهای مادی نیز عاقلانه برخورد می کند و در گرداب گناه غوطه ور نمی شود و تحمل او در برابر مشکلات زیاد می گردد.

5 - مکتب بی تفاوتی (اومانسیم)

اشاره

یکی دیگر از نگرشهای تربیتی القای بی تفاوتی در افراد است. این مکتب شعارهایی هم دارد که کم و بیش افراد آگاهانه یا ناآگاهانه از این شعارها در زندگی خود استفاده می کنند و از آن پیروی می نمایند.

ص: 11

1- . «لقد منّ الله علی...»؛ سورة آل عمران / 163.

2- . طلب الادب اولی من طلب الذهب. تحف العقول.

3- . «ان الانسان لیطغی»؛ سورة علق / 6.

4- . طالب الادب اهضم من طالب الذهب. تحف العقول.

بطور مثال: موسی به دین خود، عیسی به دین خود از جمله این شعارهاست. یا ما را که در قبر کسی دیگر نمی گذارند، یا اگر ما مرد باشیم، فرش خود را از آب در آوریم. زندگی خود را تأمین کنیم، مشکلات خود را حل نماییم، ما به دیگران چه کار داریم.

این نگرش اصالت را به خود انسان می دهد و به این معنا می باشد که هر کس به فکر خود باشد، در فکر تأمین سلامت جسم و تأمین مایحتاج مادی خود باشد و به دیگران نیز کاری نداشته باشد و به غیر از خود نیندیشد و همه چیز را برای خود بخواهد.

این نگرش عامل رکود فردی و اجتماعی است و هر کس، با هر زبان و منطق و پیامی به این روش عمل کند و دیگران را به آن ترغیب نماید، فرد و مکتب متعادلی نیست و این مسیر باطل می باشد.

دیدگاه اسلام

از نظر شرع مقدس اسلام، انسان باید فعال و کوشا باشد و در اجتماع به خود و جامعه خدمت کند و همیشه به نیازهای خودش فکر نکند، بلکه در فکر تأمین نیازهای اجتماعی که در آن زندگی می کند باشد. وقتی جامعه متعادل و سالم باشد و همکاری بین افراد آن برقرار باشد، افراد جامعه نیز متعادل و سالم خواهند بود.

اسلام نسبت به خدمات اجتماعی سفارشات فراوانی دارد. از جمله هدیه، عیادت مریض، نظارت عمومی، ایثار، گذشت، احسان و نیکوکاری، تعاون و همکاری در کارها، قرض الحسنه و...

که در مورد هر کدام از این مباحث بطور مفصل می توان بحث کرد.⁽¹⁾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طی روایتی مسلمین را چنان نسبت به اجتماع و مردم مسئول نمودند که فرمودند:

«کسی که لحظه ای را بگذراند و به فکر مسلمانان دیگر نباشد، مسلمان نیست».⁽²⁾

انسان متعادل و مسلمان کسی است که در اجتماع نسبت به امور مسلمین بی توجه نباشد. کسی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد، مکتب الهی در او تأثیر نکرده و او را متحول ننموده است.

پس تربیتی که بر مبنای بی تفاوتی نسبت به اجتماع و افراد آن باشد، ریشه و بنیاد اسلامی ندارد و مطرود است.

6 - بیش کارگرایی (پراگماتیسم)

اشاره

ص: 12

1- . طالبان به کتاب خودسازی و سرمایه کلاسرداری مراجعه فرمایند.

2- . «من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم»؛ اخلاق شبر، ص 107.

یکی دیگر از بینشها پیرامون تربیت افراد پراگماتیسم یا اصالت دادن به

کار است. این مکتب عقیده دارد که هر حرکت انسان باید پیرامون بعد فیزیکی او بوده و سودی را در پی داشته باشد و اصالت در کار است.

پیروان این مکتب، به امور عاطفی، خویشاوندی، مسائل تنوع آفرین و تفریحات سالم بی توجه هستند و به این مسائل که زمینه ساز تجدید قوا در سیستمهای مختلف بدن است اعتقاد ندارند و اصل را کارهای فیزیکی می دانند، گرچه این کار به مبانی انسانی و حقوق دیگران و اجتماع ضربه وارد کند. بسیاری از اولیاء و مربیان نیز خواسته یا ناخواسته متریبان را تحت این شرایط تربیت می کنند و در اصل تنها به فکر تقویت بعد کار در جوان هستند و به ابعاد دیگر وجودی او توجه ندارند.

از نظر آنها جوان اگر کارگر خوبی باشد، فرد خوبی است. اما اگر همین جوان به معنویت، مسائل عاطفی، اخلاقی و روحی بی تفاوت بود، از نظر آنان، اشکالی ندارد.

بطور مثال مربی در مدرسه برای تنبیه دانش آموز، جریمه نوشتنی را مطرح می کند و گاه دانش آموزی را مجبور به نوشتن دهها بار از يك درس می کند و بی توجه است که این نوشتن چه ثمری در پی دارد؟

جریمه نوشتاری در صورتی مفید است که جنبه سازندگی و شکوفایی داشته باشد. اما اگر جریمه زمینه بدبینی و انزجار نسبت به درس و علم و مدرسه را فراهم کند نه تنها مفید نیست بلکه مضر می باشد.

در خانواده نیز معمولاً اولیاء به فرزندان بهیچ وجهی که کارهای فیزیکی انجام می دهند و مرتب کار می کنند گرچه از نظر معنوی و علمی نیز ضعف داشته باشند آنها به این ضعف اهمیت نمی دهند و همین خانواده ها با نگرش کارگرایی برای فرزندان که اهل مطالعه باشند و کارهای فکری انجام دهند، ارزش چندانی قائل نیستند، زیرا ارزش و اصالت را در کار فیزیکی می دانند.

دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، اصالت در کار نیست. هدف از زندگی انسان کار کردن و تقویت بعد مادی نمی باشد. بلکه کار برای رسیدن به مرزهای کمال امری لازم است. حرکتها و فعالیتهای فیزیکی باید سکوی پرش و زمینه ساز تحولات روحی و فکری باشد و شکوفایی استعدادهاى روحی را به همراه آورد، معنویت را در انسان تقویت کند، زیرا خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«ای انسان همانا تو هر کاری کنی، عاقبت به سوی پروردگارت خواهی رفت و به ملاقات او نایل

از آنجا که انسان عاقبت به محضر خدا خواهد شتافت لذا تلاش و کوشش او هم باید در مسیر رضای خداوند باشد و هر انگیزه و روش و کاری که در مسیر رضای حق نباشد، بی ارزش و غیر قابل توجه است. عملی ارزش دارد و به آن بها داده می شود که مورد رضای حق باشد.

اسلام از تبلی و تن پروری بیزار است، اما کار و تلاش فیزیکی و در آمد بیشتر را نیز ارزشمند نمی داند و در هر حال به حفظ تعادل سفارش می فرماید.

7 - ظاهرنگری (رفورمیست)

اشاره

یکی دیگر از بینشها پیرامون تربیت، پرداختن به ظواهر و ظاهرنگری می باشد. این مکتب اصالت در تربیت را به ظاهر افراد می دهد و هر کس خوش تیپ تر، خوش لباس تر، زیباتر، خوش بیان تر باشد، از نظر آنان فرد برتری است. از نظر پیروان این نگرش، برتریهای وجودی يك فرد جز ظواهر او، ارزشی ندارد.

آفات پیروی از ظواهر

بسیاری از اولیاء و مربیان دچار آفت ظاهرنگری هستند. برخی از اولیاء و مربیان، به دانش آموزانی توجه دارند که زیباتر، خوش بیان تر و خوش تیپ تر از دیگران باشند و در کلاس درس توجهشان به آنهاست و مربیانی که این گونه افکار ظاهراندیش را در ذهن دارند، به دانش آموزان خوش فهم اما با ظاهری ساده توجه چندانی ندارند.

برخی عوام اجتماع نیز به هر کس خوش تیپ تر باشد، کیف سام سونت، کت و شلوار فلان مدل، ماشین فلان مدل و... داشته باشد توجه بیشتری می کنند، هر چند دارای پست و مقام نبوده یا دارای سواد و مدرک و معنویت قابل توجهی نیز نباشد.

در برخی ادارات به مراجعین خوش تیپ بیشتر توجه می شود و کارشان زودتر به جریان می افتد. برخی اولیاء نیز نسبت به فرزندان زیبای خود توجه بیشتری نشان می دهند. هر کدام از فرزندانشان که خوش زبان تر و زیباتر باشد، طرفدار او هستند. او را تحویل می گیرند، دوستش دارند و از او پذیرایی می کنند و گاه با این عمل خود بین فرزندانشان تبعیض قائل می شوند که این کار پیامدهای منفی فراوانی در پی خواهد داشت و به خاطر همین ظاهرگرایی اولیاء است که اگر فرزندان از نظر جسمی نقص و بیماری داشته باشد، در پی مداوا و رفع آن نقص هستند اما به

ص: 14

بیماریها و خلأهای روحی چندان اهمیتی نمی دهند.

به هر حال ظاهر اندیشی و پرداختن به ظواهر در خانواده ها، گاه باعث تجمل گرایی، مصرف زدگی، اسراف و تبذیر و در نتیجه اختلافات خانوادگی می شود.

در اجتماعی هم که مردم آن ظاهر بین باشند، قدرت علم و معنویت نادیده گرفته شده و افراد آن به دنبال آرایش ظاهر مادی خود از قبیل لباس و منزل و ماشین و وسایل مصرفی خانه خواهند بود و در اینجاست که این گونه افکار، جامعه را به سوی تباهی سوق خواهد داد، زیرا این اندیشه ها غیر الهی است.

دیدگاه اسلام

مکتب اسلام اصل را ظاهر افراد نمی داند، بلکه اسلام روی نیت و باطن افراد حساب قائل است.

هر کس نیت و باطن سالم داشته باشد، مورد تأیید است گرچه دارای مال و مقام و زیبایی نیز نباشد.

در روایت می خوانیم: «عملهای انسان با نیتهای پاک او قبول خواهد شد» (1).

نیت انسان باید خیر باشد، خالی از شك و ریا و شبهه باشد و به این ترتیب است که اگر صورت ظاهر عملی خوب و پسندیده باشد، اما عامل، نیت ریایی داشته باشد، آن عمل باطل است و ارزشی ندارد و این حکم در اعمالی چون انفاق، احسان، عبادت و... صدق می کند.

در تأیید این مطلب قرآن می فرماید:

«همانا خداوند عمل را از پرهیزکاران و اهل تقوی قبول خواهد کرد» (2).

انگیزه انجام عمل اگر تقوی باشد، آن عمل مورد قبول حق تعالی است. زیرا اسلام تنها به این دنیا معتقد نیست و زندگی آخرت را برای انسان زیباتر و نیکوتر می داند و زندگی زیبای آخرت در کنار تقوی محقق می شود.

قرآن می فرماید:

«زندگی آخرت، زیباتر و بهتر و ماندگارتر است» (3).

انتخاب زیبا

گرچه از نظر مکتب تربیتی اسلام اصل، پرورش روح انسان است، اما در کنار پرورش روح و نیت سالم، اسلام به ظواهر نه به عنوان يك اصل، بلکه به عنوان استفاده از زیباییها به نحو درست،

- 1- . «الاعمال بالنيّات». بحار، ج 76، ص 212.
- 2- . «أثما يتقبّل الله من المتّقين»؛ سورة مائده / 27.
- 3- . «والاخرة خير و ابقى»؛ سورة اعلى / 17.

نیز توجه دارد.

بطور مثال: در انتخاب همسر اسلام بعد از توجه به دینداری و اخلاق، به زیبایی نیز توجه دارد، انسان همسری انتخاب کند که اندامش چه مشخصاتی داشته باشد یا موی او چگونه باشد و یا خانم باردار چه کند که فرزند او زیبا متولد شود. (1)

این سفارشات نشان می دهد که اسلام تنها به پرورش بعد مذهبی و معنوی نمی پردازد، بلکه به ظواهر زیبا نیز در کنار معنویت اهمیت می دهد، توجه در انتخاب همسر نباید فقط زیبایی ظاهری باشد که در بسیاری موارد موجب بدبختی انسان می شود. بلکه در کنار زیبایی همسر، توجه به ادب و تربیت و تدبیر او نیز امری لازم است و ضامن سعادت انسان به شمار می رود.

در مورد انتخاب منزل، لباس، مرکب و... نیز سفارش فراوان است که نشانگر آن است که اسلام نسبت به ظواهر بی اعتنا هم نیست. اما هدف اصلی آن زیبایی و ظاهر نیست.

بهداشت و نظافت

در مورد رعایت بهداشت و نظافت نیز در اسلام، سفارشات فراوانی وجود دارد از کوچکترین مسئله زندگی تا پر اهمیت ترین آن در اسلام، نکات بهداشتی وارد شده است. راجع به مباحثی چون مسواک، لباس، بدن، وسایل زندگی، تمیزی خانه، تخلی و دستشویی، روابط زناشویی، بارداری، زایمان و... در اسلام دستورات خاص و ویژه ای وجود دارد که همه آنها نشانگر دقت و توجه دقیق و ظریف اسلام، راجع به زیبایی و بهداشت و نظافت محیط است. (2)

در روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین وارد شده است: «نظافت، نشانه ایمان است». (3)

پیامبر صلی الله علیه و آله نظافت يك مسلمان را نشانه ایمان او به خدا می داند. اسلام راجع به تمام مسائل زندگی تأکید به نظافت دارد اما از مصرف گرایی و تجمل گرایی بیزار است و توصیه بر ترك آن دارد. (4)

ارزش يك مؤمن به لباس گرانقیمت او نیست. بلکه مؤمن است که به لباس ارزش می دهد. اما مؤمن نباید لباسش کثیف و آلوده باشد و در عین حال خود را مسلمان بداند و تصور کند که خلاف تجمل گرایی عمل کرده است.

مؤمن باید تمیز باشد و تمیز زندگی کند. اگر مال حلال و پاک داشت، پرهیز از آن نیز لازم نیست بلکه در حد متعادل و طبیعی انسان باید از لباس مناسب و وسایل زندگی مناسب استفاده کند.

ص: 16

1- توضیح در کتاب آئین خانه داری.

2- موارد بیشتر را در اثر دیگر مؤلف به نام برنامه بهداشتی مطالعه کنید.

3- «النظافة من الایمان»؛ اصول کافی، ج 1، ص 22.

4- توضیح بیشتر در بحث های اسراف، تبذیر، بیهوده گرایی در کتابهای «خودسازی» و «سرمایه کلاسداری» مطالعه فرمایید.

توجه به ظواهر و زیباییهای طبیعت

در مکتب مقدس اسلام سفارش فراوانی نسبت به استفاده از گلها و زیباییهای طبیعت شده است و این نشانگر آن است که زیباییهای طبیعی، با روح و روان آدمی سازگاری دارد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«نگاه به گل‌های رنگارنگ، شکوفه‌های زیبا و درختان سرسبز و خرم چنان لذتی به انسان می بخشد که هیچ لذتی را با آن نمی توان برابر کرد.»⁽¹⁾

و امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

«نگاه به گیاهان خرم و سرسبز چشم را جلا می دهد و بر روشنایی آن می افزاید.»⁽²⁾

و ابن عباس در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیامبر صلی الله علیه و آله گیاهان سبز و خرم و آب را بسیار دوست داشت.»⁽³⁾

باغ و بوستان و گل و گیاه از زیباییهای طبیعتند که برای انسان شادی و شور به ارمغان می آورند و این زیباییها از آیات زیبای الهی به شمار رفته اند و قرآن در این مورد آیات زیادی ذکر کرده است، از جمله می فرماید:

«زمین را مرده و افسرده می بینی و چون آب باران بر آن بفرستیم، بجنبند و بردمد و انواع گیاهان زیبا و شادی آفرین را برویاند.»⁽⁴⁾

از این مطالب استفاده می شود که بهترین زیباییها، طبیعت زیباست و استفاده از آن به انسان شور و نشاط می بخشد.

8 - استبداد (فاشیستی)

اشاره

یکی دیگر از نگرشهای تربیتی، استبداد و زورگویی است. پیروان این تربیت، فقط حرف خود را قبول دارند و برای حرف و حق دیگران ارزشی قائل نیستند و آنچه در دنیاست برای خود می خواهند و انتظار دارند دیگران از آنان پیروی نمایند و هیچ اعتراضی علیه آنان مطرح نکنند.

این دیدگاه، در رهبران مستکبر دنیا وجود دارد و ابرقدرتهای شرقی یا غربی در کشورهای تحت سلطه به خاطر این دیدگاه مشکلات فراوانی را به وجود می آورند. انگیزه اغلب تجاوزات به

ص: 17

2- . بحار، ج 10، ص 246.

3- . الفوائد المجموعة، ص 241.

4- . «وترى الارض هامدة»؛ سورة حج / 63.

کشورهای دیگر، آدمکشی ها، خونریزیها، ترورهای فکری و علمی، انسانی، قتل و غارت اموال، تجاوز به حقوق دیگران، همین دیدگاه قلدری و استکباری است.

پیروان استبداد

متأسفانه در بسیاری از رفتارهای مریبان دیدگاه استبداد و اعمال قدرت و زور وجود دارد. برخی مریبان فکرشان استکباری است و تربیتی که اعمال می کنند، ناشی از قلدری آنهاست.

اگر پدر و مادری در رفتار، کردار و گفتار خود نسبت به فرزند استبداد داشته باشد، جزء مستکبرین است. استکبار در حد دنیا، قلدری و ظلم می کند و اینها در محیط خانه این کار را انجام می دهند. آمریکا در دنیا می گوید حرف، حرف من و سیاست سیاست من است و اینها در منزل همان استکبار را در حق اعضاء خانواده خود انجام می دهند و در حقیقت اینها هم يك آمریکا، در محیط خانه هستند.

اگر معلمی هم با انتقاد درست و به جای دانش آموزی با روش استکباری برخورد کند، او را جریمه کند، از کلاس بیرون کند، به او نمره ندهد و فکرش آن باشد که حق را از دانش آموزی که کوچکتر از اوست نپذیرد، و تا می تواند به جبران توهینی که به او شده دانش آموز را تحت فشار و ظلم قرار دهد، او هم يك استکبار و يك آمریکا در محیط مدرسه است.

افکار این قبیل افراد استکباری است و نمی خواهند حق را بپذیرند، طرفدار حق باشند و به ارزشها بها دهند. چنانچه قدرت به دست اینها بیفتد کمتر از آمریکا ظلم و جنایت نخواهند کرد.

دستاوردهای استبداد

معمولاً استبداد، عامل انفجار در خانواده و جامعه است. استبداد عامل سازندگی نیست لذا تربیت استبدادگونه، دستاوردهای وخیمی در پی دارد.

بسیاری از فرزندان که دارای اولیایی مستبد هستند و جرأت ابراز عقیده در منزل را ندارند دچار انحرافات و بیماریهای روحی و روانی می شوند. اکثر این افراد تا وقتی که تحت کنترل هستند، از قوانین مربی خود پیروی می کنند اما همین که از عامل تربیت دور شوند، افرادی لابلایی، جسور، هرزه و بزهکار خواهند شد. عقده های روانی موجب افسردگی، انزواطلبی، گریز از خانه، عدم موفقیت در درس و کلاس و اجتماع و خانواده می شود.

گریز و فرار بسیاری از فرزندان از محیط خانه به خاطر استبداد اولیای آنهاست. وقتی فرزند در خانه اسیر استبداد باشد چون پرنده می خواهد از قفس فرار کند. يك روز به بهانه خرید، گاه به بهانه

خانه دوست، گاه شرکت در جلسات و... از منزل گریزان است. این گریختن از خانه، دستاوردهای شومی برای جوان به همراه خواهد داشت و او را دچار انحرافات اخلاقی، جنسی و مشکلات اجتماعی خواهد کرد.

استبداد برخی همسران نیز محیط خانه را از آرامش تهی ساخته و به سوی بی ثباتی پیش می برد.

مردی که از دست استبداد همسر به ستوه می آید، با دیر آمدن به خانه و بی توجهی به وضع همسر و فرزند، ناراحتی خود را بروز می دهد. زنی که از استبداد همسر ناراحت باشد، نمی تواند خانه را محیط امن و آسایش قرار دهد و استبداد روحیه او را تضعیف می کند. در چنین مکانی فرزندان صالح تربیت نخواهند شد، بلکه آنان نیز افرادی مستبد خواهند شد.

البته اسلام در مقابل این استبدادها راه حل هایی قرار داده است و به طرف مقابل انسان مستبد توصیه هایی دارد که در اینجا جای بحث آن نیست.

دیدگاه اسلام

از نظر بینش اسلامی، تربیتی که بر پایه استبداد استوار شود، روش تربیتی درستی نیست و از نظر روانشناسان اسلامی تربیت با زور امکان پذیر نخواهد بود و با حالت استبداد هیچ نکته تربیتی قابل انتقال به سایر افراد نیست.

گاهی برخی افراد با فرهنگ اسلام و مکتب قرآن تعارض دارند و حاضر نیستند از مکتب الهی در همه امور پیروی کنند و در مقابل خدا، پیامبر و قرآن جبهه تشکیل می دهند.

این گونه افراد در مقابل خداوند استکبار می ورزند و چنین افرادی اگر اصلاح نشوند، هلاکت و نابودی در دنیا و عذاب خداوند در آخرت در انتظار آنها می باشد. نمونه چنین افرادی فرعون بود که در قرآن نمونه ای از استکبار او چنین آمده است:

فرعون به قوم بنی اسرائیل می گفت: «من پروردگار برتر و بالاتر شما هستم».(1)

نمونه دیگری از استبداد فرعون در قرآن چنین آمده است:

«همانا فرعون در زمین تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند و طایفه بنی اسرائیل را سخت ضعیف و ذلیل کرد، پسرانشان را می کشت و زنانشان را زنده می گذاشت، همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بداندیش بود».(2)

در این آیه پیامدهای شوم استبداد فرعون چون تفرقه، استضعاف ملتها، کشتار مردم، فساد و

ص: 19

1- «انا ربکم الاعلی»؛ سورة نازعات / 24.

2- «ان فرعون علا فی الارض»؛ سورة قصص / 4.

تباهی در زمین، روشن است و اسلام به این جهت استکبار و استبداد را نفی می کند که ملت مسلمان دچار چنین پیامدهای شومی از طرف استکبار نشوند.

فرهنگ اسلام با شعار «لا اله الا الله»، تمام مستکبرین را نفی کرد و به انسان مسلمان آموخت که فقط خدا را پرستد و از دیگران اطاعت نکند. در این حال مسلمان واقعی پیرو هیچ طاغوتی نخواهد بود.

افرادی هم که در منزل، مدرسه، اداره یا اجتماع استبداد به خرج دهند، افرادی هستند که از فرهنگ اسلام پیروی نکرده اند. در این موارد افراد تحت تربیت آنها نیز اصولی درمان و تربیت نمی شوند و بعد از مدتی آموخته ها را فراموش و از آن پیروی نمی کنند.

اسلام در مورد تربیت افراد توصیه های فراوانی دارد که به جای خود بحث خواهد شد. فرهنگ اسلام همواره به روشهای آرام و متین و سنجیده تأکید دارد و مربیان را از خشونت برحذر داشته است. ملاک مربیان در فرهنگ اسلام، روش اولیای الهی در تربیت است که نمونه های فراوانی از این نوع در تاریخ اسلام آمده است.

9 - آزادی مطلق (لیبرالیسم)

اشاره

نگرشی دیگر پیرامون امر تربیت، دادن آزادی مطلق به افراد است. این نوع نگرش افراد را در انجام کلیه امور آزاد می داند. وجود قوانین، دین و مذهب، حقوق ملتها و سایر مواردی که به عنوان عامل کنترل به شمار می روند، برای این افراد ارزشی ندارند و آنان خود را مقید به انجام قوانین نمی کنند.

حقوق انسانی را رعایت نمی کنند، به قوانین جامعه احترام نمی گذارند و از قوانین الهی نیز پیروی و تبعیت ندارند، بلکه به آزادی مطلق در عمل، فکر و اعتقاد عقیده دارند.

دیدگاه اسلام

از نظر مکتب مقدس اسلام آزادی به معنای واقعی ارزشمند است و اسلام آنقدر به آزادی اهمیت می دهد که پیرامون آزادی آیات زیادی هم دارد. اما آزادی فکر و اندیشه و انتخاب انسان در اسلام تحت شرایطی محترم است.

گرچه اسلام به آزادی به عنوان ارزش نگاه می کند اما آزادی مطلق در اسلام مورد تأیید نیست بلکه آزادی در محدوده مواضع شرعی، عقلی و قانونی محترم است در مورد حقوق دیگران انسان

آزادی مطلق ندارد. همسر نسبت به خانواده، معلم نسبت به دانش آموز، رئیس نسبت به کارمند، اولیاء نسبت به فرزندان، مردم جامعه نسبت به یکدیگر، آزادی مطلق ندارند.

مثلاً پدر نمی تواند بگوید چون این طفل فرزند من است، هر کاری در مورد او خواستم می توانم انجام دهم. او را تنبیه کنم، غذا ندهم، نگذارم از نعمت سواد بهره مند شود و... گرچه طفل فرزند اولیاست اما بر گردن اولیاء حقوقی دارد. چنانکه اولیاء بر گردن فرزند حقوقی دارند.

در هیچ کجای فرهنگ اسلام، آزادی مطلق مطرح نیست. بلکه تحت شرایط و ضوابط خاصی آزادی مطرح است.

محدودیت در آزادی

فرهنگ اسلام نسبت به آزادی مطالب، آیات و روایات فراوانی دارد. اجمال بحث این است که اسلام در عین حال که انسان را صاحب اختیار و انتخاب می داند اما برای این آزادی نیز دستوراتی دارد.

آزادی در انتخاب دین

اسلام انسان را در انتخاب دین آزاد می داند و می فرماید:

«در انتخاب دین اکراه نیست».(1)

در عین حال راه خدا و اولیای الهی را راه درست و مایه رستگاری انسان می شمارد و می فرماید:

«پس کسی که ایمان به خدا بیاورد به ریسمان محکمی چنگ زده است».(2)

و همین ریسمان الهی است که انسان را نجات می بخشد. اما آنان که از نعمت پرستش خداوند محروم باشند، پیرو طواغیت خواهند شد، قرآن می فرماید:

«و کسانی که کفر ورزیدند، رهبران و اولیای آنها طاغوتها خواهند بود. از نور خارج و به ظلمت کشیده می شوند، آنها اهل آتش هستند و در آن جاودان می مانند».(3)

انسان در انتخاب دین آزاد است اما ایمان مایه نجات و کفر موجب خلد در آتش خواهد بود.

انتخاب آتش و رستگاری به دست خود انسان است.

محدودیت آزادی در عبادت

1- . «لا اكره فى الدين»؛ سورة بقره / 256.

2- . «فمن يؤمن بالله»؛ سورة بقره / 256.

3- . «فمن يكفر بالله»؛ سورة بقره / 256.

خداوند به انسان فرمود:

«ما جن و انس را نیافریدیم مگر آنکه عبادت کنند» (1).

در مورد عبادت و انجام فرایض نیز انسان گرچه آزاد است اما این آزادی محدودیت و محورهایی دارد.

مثلاً برای نماز خواندن انسان موظف است وضو بگیرد یا تیمم کند و نمی تواند بدون طهارت نماز بخواند.

در آنجایی که آب برای انسان ضرر دارد، وضو باطل است و این طور نیست که کسی بگوید من به دلم نمی چسبم، که با تیمم نماز بخوانم. اگر آب ضرر داشت لازم است تیمم کند. در مورد روزه نیز چنین است همچنان که روزه گرفتن واجب است اگر روزه برای انسان ضرر دارد، حرام می شود.

در هر يك از احکام الهی این چنین است. باید محور عمل، خداوند و احکام شرع باشد. خواهش دل انسان ارزش ندارد و در این مورد انسان باید در محدودیت عقل و شرع، به احکام الهی عمل کند.

محدودیت آزادی در زندگی

اسلام راجع به همسر، فرزند، همسایه، فامیل، همکلاسی، مراجعه کننده ها، اولیای اجتماع و خلاصه دیگرانی که در ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با انسان هستند، حقوق خاص و ویژه ای قائل است و هر مسلمان باید به وظایف خود در مقابل دیگران آشنا شود و به آن عمل کند.

مثلاً این طور نیست که انسان در محدوده خانه خود آزاد باشد، صدای تلویزیون یا رادیو را زیاد کند، سر و صدا راه بیندازد، برای همسایه ایجاد درد سر کند، به خانه همسایه نگاه کند و... کارهایی انجام دهد که حقوق همسایه از بین برود.

این شعار مورد تأیید اسلام نیست که برخی می گویند: چهار دیواری، اختیاری. گرچه خانه در ملک انسان باشد، اما انسان نسبت به دیگران نیز وظایفی دارد. تحت عنوان آزادی نباید به دیگران ظلم کند.

و یا بطور مثال: دانش آموز امانتی در اختیار مربی است. مربی در مورد روح، عقیده، دین و فکر دانش آموز مسئول است و چون به عنوان مربی برای دانش آموز الگو می باشد باید مراقب اعمال و رفتار خود باشد و فکر و عقیده دانش آموز خود را منحرف نکند.

10 - خودنگری (امیرالایم)

اشاره

ص: 22

یکی دیگر از مبانی تربیت در بین جوامع خودنگری یا امپریالیسم است. هواداران این عقیده تنها در محدوده و شعاع منافع خود گام برمی دارند، از اجتماع گریزان و نسبت به سود و زیان آن بی تفاوت هستند. از خدمات اجتماعی روی گردان هستند و احساس مسئولیتی نسبت به دیگران ندارند.

در بین برخی از مردم مسلمان، اعم از اولیاء یا مریبان نیز این طرز فکر وجود دارد و اینان، خودنگری را پایهٔ تربیتی متریبان خود قرار می دهند و این روش تربیتی را به آنان القاء می نمایند، خودنگران با دو بینش، رفتار می کنند.

1 - خود سازی

برخی افراد به بهانهٔ خودسازی یا ریاضت از جامعه فاصله می گیرند و در بین جوامع دیگر به عنوان راهب و تارك دنیا هستند.

در بین مسلمین نیز این طرز فکر وجود دارد و برخی افراد برای اینکه به نظر خود فاسد و یا منحرف نشوند از جامعه فاصله می گیرند و در لاک خود فرو می روند و فکر می کنند که با این روش می توانند خود را بسازند.

2 - حرص

اشاره

انگیزهٔ برخی افراد در فاصله گیری از مردم و اجتماع، حرص و طمع زیاد است. این گونه افراد برای آن که از نظر علمی، مالی، ثروت و... تکاثر کرده و رشد پیدا کنند از جامعه جدا می شوند، خدمتی به اطرافیان خود ارائه نمی دهند و مردم را مزاحم رشد خود می دانند.

دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، خودنگری و بریدن از اجتماع امر درستی نیست. فرهنگ اسلام در این مورد مطالب فراوانی دارد.

این نکته حائز اهمیت است که اسلام با رهبانیت مخالف است و تارك دنیا را تأیید نمی کند.

خداوند نعمتهای بیشمار دنیا را برای استفاده بشر آفرید و فرمود:

«اگر بخواهید نعمتهای خداوند را بشمارید هرگز قادر نخواهید بود» (1).

ص: 23

و در آیه دیگر به انسانها توصیه فرمود: «قسمت و نصیب خود از دنیا را فراموش نکنید».(1)

انسان برای زندگی و حیات خود نیازمند به مسائل مادی است، اما توصیه اسلام این است که انسان نسبت به دنیا زاهد باشد. یعنی علاقمند به مال دنیا و مظاهر مادی نشود و دلبستگی به ثروت پیدا نکند که سبب هلاکت او می شود.

علی علیه السلام در بیان زهد فرمودند: «زهد در دنیا، کوتاهی آرزو و شکر نعمتها و پرهیز از کارهای حرام است».(2)

اسلام و خدمات اجتماعی

از نظر اسلام انسان نسبت به جامعه وظایفی دارد و باید نسبت به این وظایف بی اعتنا نباشد.

قرآن می فرماید:

«ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگهدارید».(3)

کافی نیست که انسان خودش را بسازد، باید بعد از ساختن خود به فکر خانواده نیز باشد، وقتی خانواده ساخته شد، کم کم جامعه نیز تحت الشعاع پالایش از رذایل و آرایش به فضایل قرار می گیرد.

انسان اگر بخواهد خود را بسازد، باید در جامعه باشد و با میکروبیهای مختلف برخورد داشته باشد، تا بتواند به پالایش رذایل خود برسد.

هنر در این است که انسان با میکروبیها مواجه شود و پیروز گردد. اما اگر از میکروب جدا باشد و بیمار نشود، هنر نکرده است.

زمینه گناه باید باشد و انسان مواظب باشد که گناه نکند اگر زمینه گناه در اجتماع به وجود آمد و گناه نکرد نشانه ایمان اوست.

در اسلام پیامون خدمات اجتماعی چون، نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر، ایثار، تعاون و همکاری، گذشت، جهاد، رسیدگی به محرومین، فعالیتهای مالی چون خمس، زکات، صدقه، احسان، نیکوکاری و... مطالب بسیار زیاد است.(4)

11 - واقع گرایی (رنالیزم)

اشاره

یکی دیگر از نگرشهای تربیتی واقع گرایی است. این مکتب سعی دارد به افراد القاء کند که به

ص: 24

1- . «ولاتنس نصیبك»؛ سورة قصص / 77.

2- . معانی الاخبار، ص 251.

3- . «یا ایّها الذین آمنوا قوا انفسکم»؛ تحریم / 6.

4- . توضیح در کتاب خودسازی و سرمایه کلاسداری.

دنبال واقعیت باشند و در هر مسئله ای با واقعیت روبه رو شوند.

واقع گرایی تا حدودی قابل توجه و تأکید است که انسان باید در مسیر واقعیات زندگی قرار بگیرد. اما این مسئله قابل تأمل است که در همه موارد رسیدن به واقعیت، قابل قبول نیست.

دیدگاه اسلام

از نظر روانشناسی اسلامی، واقعیت مطلب خوبی است اما محدودیت تربیتی دارد، به طور مثال در امر تربیت گاهی اوقات اصل واقعیت نیست، بلکه تربیت از راه تغافل حاصل می شود.

مثلاً دو کودک سرگرم کتک کاری هستند، و با هم مجادله می کنند. گاهی اوقات راه صحیح این است که اگر مربی می بیند که مسئله زیاد بغرنج نیست و ساده می باشد، با تغافل و مسامحه رفتار کند، تا آن دو از هم جدا شوند. زیرا در برخی موارد دخالت مربی، تشنج آفرین می شود و کار بالا می گیرد.

در برخی مسائل دیگر نیز در فرهنگ اسلام تجسس روا نیست و انسان اجازه ندارد تجسس کند تا به واقعیت برسد. ظاهر قضیه را باید قبول کند.

بطور مثال در بسیاری از مسائل چون نجاست و شبهات، تجسس لازم نیست که انسان به حقیقت برسد. چنان که یکی از مطهرات غایب شدن مسلمان است. (1)

12 - بی بند و باری جنسی (مکتب فروید)

اشاره

یکی دیگر از بینشهای تربیتی، بی بند و باری در امور جنسی است. پایه این مکتب و تئوری را فروید در قرن نوزدهم گذاشت. در ابتدا غوغایی پیرامون این تئوری برپا شد و بسیاری از مربیان امر تربیت جوانان آن را امری پسندیده تلقی کردند اما بعد از گذشت سالها مفسد این تئوری نمایان شد.

این تئوری به هواداران خود چنین القاء می کرد که انسانها در هر زمان و مکان که مایل باشند باید از غریزه جنسی استفاده کنند، چنان که اگر کسی گرسنه شود، غذا می خورد، همانگونه هم هر وقت، هر کس، در هر سن و سال که بود، میل به اطفاء شهوت پیدا کرد، آن را ارضاء کند.

هواداران این مکتب، موازین عقل و شرع و قوانین جامعه را نیز رعایت نمی کردند و همه قوانین و مقررات را در چهارچوبه تئوری خود قبول داشتند و بدینسان بود که کورتاژ آزاد شد و در اینجا تنها به يك آمار اشاره می شود که سازمان بهداشت جهانی حدس می زند که سالیانه در جهان 250 میلیون نفر به سوزاک و 50 میلیون نفر به سفلیس دچار می شوند.

1- . توضیح در رساله های عملیه.

حال بعد از گذشت سالها تجربه و عواقب شوم این تئوری روی جوانان روانشناسان به این نتیجه رسیده اند که عمل به این تئوری چقدر برای جوامع مضر بوده است.

برخی از روشنفکران نیز ناخواسته از چنین تئوری برای تربیت جوانان استفاده می کنند و بر این عقیده اند که جوان باید با مسائل جنسی، چنانکه با سایر مسائل آشنا می شود، مأنوس باشد، حتی به کودکان یا نوجوانان نیز این مسائل آموزش داده شود.

این طرز فکر بسیار خطرناک است. زیرا اصولاً کودک 6 تا 10 ساله غریزه پنهان دارد و آمادگی شنیدن مسائل جنسی را ندارد و آموزش زودتر از موعد، نوجوان را با مسائل و مشکلات جنسی مواجه می کند.

از جمله شایعترین این بیماریها در مورد کودکانی که زودتر از موعد مقرر به مسائل جنسی آشنا شده اند، استمناء، میل و علاقه به همجنس، روابط نامشروع و... می باشد که هرکدام از این بیماریها می تواند آینده روشن جوان را از بین ببرد و او را از رشد بازدارد.

بیماری استمناء که اغلب نوجوانان با آن روبه رو هستند، عوارض وخیمی در پی دارد. (1) از جمله جوانی که مبتلا به استمناء است و به وسیله آن اطفاء شهوت می کند دچار مشکلاتی از قبیل: سرکوب شدن استعدادها، لطمه به سیر فکری مطالعه و درس، ضعف و اختلال جسمانی، ضعف و نابودی سرمایه های معنوی و روحی، بی میلی به ازدواج می شود.

دیدگاه اسلام

از نظر فرهنگ اسلام، غریزه جنسی امری طبیعی و لازم است که باید تحت کنترل باشد و زمانی که انسان از تمام جهات به بلوغ رسید و زمینه ازدواج مناسب برای او به وجود آمد، به وسیله ازدواج غریزه جنسی بطور طبیعی ارضاء شود.

روانشناسان اسلامی آموزش مسائل جنسی به کودک را بیش از حد معمول و خارج از فهم کودک توصیه نمی کنند. بلکه لازم است آموزش در سطح فکر کودک باشد و بیش از آنچه احتیاج ندارد و لازم نیست به او آموزش داده نشود و آموزش، قابل فهم کودک باشد.

آموزش باید توسط اولیای آگاه انجام شود و کودک از کودکان دیگر یا از طریق مطالعات کتب منحرف با این مسائل آشنا نشود، زیرا در این صورت، اگر روابط کودک کنترل نشود، آموزشهای زودتر از موعد مقرر و غیر ضروری کودک را به طرف انحراف سوق خواهد داد.

ص: 26

1- . به اثر دیگر مؤلف، جوانان و غریزه جنسی مراجعه فرمایید.

از نظر اسلام، غریزه جنسی باید تحت کنترل باشد و برای کنترل غریزه جنسی، از ابتدای تولد تا سنین جوانی برای اولیاء توصیه هایی شده است.

برای قبل از سنین 6 سال که کودک هنوز به حد تمیز نرسیده است توصیه این است: اولیاء با اعضای تناسلی کودک بازی نکنند و به آن دست نزنند. زیرا باعث تحریک کودک می شود. دختر با پدر و پسر با مادر به حمام نرود و کودکان اولیای خود را لخت مشاهده نکنند.

پدر و مادر در اتاقی که کودک خوابیده است، عمل زناشویی انجام ندهند که موجب فسق و فجور کودک خواهد شد.

از سنین 6 سال به بالا تا زمان بلوغ، غریزه کودک باید در حال خاموشی و اختفا باشد و اولیاء و مربیان مواظب باشند که اعمالی مرتکب نشوند که غریزه کودک بیدار شود و تحریک برای او صورت بگیرد.

لذا روایات تأکید دارند: بعد از 6 سال بستر خواب کودکان از هم جدا شوند و دو کودک هرگز در زیر یک رختخواب ن خوابند. (1)

در این مورد روایات فراوان و مباحث بسیار است و مجموعه این مباحث این نکته را روشن می کند که پیشگیری راحت تر از درمان است.

13 - اعتراض (مکتب لائسیم)

اشاره

یکی دیگر از بینشهای تربیتی، ایجاد روحیه اعتراض و انتقاد در جوان است. این مکتب به هواداران خود می آموزد که در مقابل مظاهر اجتماع در هر بعد، روحیه اعتراض داشته باشند و تسلیم نشوند.

روشن است که پیروی از این نوع تربیت عواقب شومی برای جوان در پی دارد. وقتی جوان یاد بگیرد که در مقابل نصیحت، ارشاد و هدایت دیگران نه بگوید، هرگز به هدایت واقعی نمی رسد و ملعبه دست شیطان صفتان خواهد شد.

بسیاری از منحرفین، مشرکین و منافقین کسانی هستند که پیرو این مکتب بوده اند و در مقابل ارشاد همیشه موضع منفی گرفته اند.

دیدگاه اسلام

ص: 27

1- توضیح در کتاب «بلوغ»، اثر دیگر مؤلف.

از نظر فرهنگ اسلام، «انسان در همه حال باید متعادل باشد».(1)

انتقاد و اعتراض بجا و درست در اسلام مطرح است و در این مورد بحث فراوان است.(2)

انتقاد سازنده و مفید مورد تأکید اسلام است و روایتی در این باره می فرماید:

«بهترین برادران من، کسانی هستند که عیوب مرا به من گوشزد و هدیه نمایند».(3)

اینجا انتقاد سازنده است و وقتی فردی از عیوب خود آگاه شود به دنبال از بین بردن آن عیب بر می آید و انسانی وارسته می شود.

اما اگر انسان بخواهد در مقابل هدایت، خوبیها، راه درست و صحیح همیشه موضع منفی بگیرد، خودش در نهایت ضربه خواهد خورد. لذا باید روش انتقاد کردن درست را بیاموزیم.

حال که به این مکاتب گذری نمودیم و آثار منفی این نگرشها مورد ارزیابی کوتاه قرار گرفت به هدف اصلی این اثر که بررسی شیوه و روش تربیت اسلامی است پردازیم.

امید است که راهگشای اولیاء و مربیان گرامی امت اسلامی باشد و مورد استفاده آنان قرار گیرد.2.

ص: 28

1- . «و جعلناکم ائمة وسطا»؛ بقره / 143.

2- . توضیح در کتاب افسردگی بحث انتقاد.

3- . «احب اخوانی من اهدی الی عیوبی»؛ بحار، ج 74، ص 282.

اشاره

ابتدا لازم است اشاره شود که تربیت در فرهنگ اسلام به چه معنا می‌باشد. آنچه پیرامون لغت تربیت در روایات، آیات و لغت نامه‌ها مطرح شده است، تربیت را به معنای پروراندن، یاد دادن اخلاق و دین به فردی، دانسته‌اند.

در برخی لغتها تربیت را به معنای شناخت زمینه‌های رشد و شناخت موانع و آفات رشد بیان کرده‌اند.

لغت معروف به معنای شناخته شده و منکر به معنی ناشناس است و به این ترتیب کارهای نیک، اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند امور ناشناس معرفی شده‌اند. زیرا فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دسته دوم ناآشناست.

پس هر عملی که در عرف متدینین ارزش تلقی شود معروف و هر چیز که ضد ارزش باشد منکر می‌باشد.

شناخت معروف و منکر

بهترین راه شناخت مصداقهای معروف و منکر مراجعه به شرع مقدس است که همان عقل خارجی می‌باشد.

هر چیز را که شرع به آن امر فرموده و مردم را به انجام آن تشویق نموده است معروف می‌باشد و هر چیزی را که شرع مقدس، از آن نهی فرموده و مردم را از انجام دادن آن نهی و سرزنش نموده، آن چیز منکر می‌باشد.

امام خمینی قدس سره می‌فرمایند: «آنچه عقلاً یا شرعاً واجب است، امر به معروف آن واجب است و آنچه که عقلاً زشت و شرعاً حرام است، نهی از منکر واجب می‌باشد و آنچه مستحب است امر به آن مستحب و آنچه مکروه است، نهی از آن مکروه می‌باشد»⁽¹⁾.

امر به معروف و وظیفه عقلی است یا تعبدی؟

برخی بر این عقیده‌اند که ضرر کار هر فرد متوجه خود اوست و به دیگران ربطی ندارد که او را

ص: 29

1- . تحریر الوسیله، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، ص 463.

ارشاد کنند.

اما با توجه به پیوندهای اجتماعی و عقیده بر اینکه هیچ کار بدی محدود به يك فرد نمی شود، بلکه هر چه باشد مانند آتشی است که ممکن است به دیگران نیز سرایت کند، لذا عقل حکم می کند که همه افراد به خاطر جلوگیری از خطرات احتمالی امر به معروف نمایند.

به عبارت دیگر: در اجتماع چیزی به عنوان (ضرر فردی) وجود ندارد و زیان هر فرد ممکن است به صورت زیان اجتماعی در آید. به همین دلیل منطقی و عقلی به افراد اجتماع اجازه می دهد که در پاك نگه داشتن محیط زیست خود از هرگونه تلاش و کوششی خودداری نکنند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که حضرت فرمودند:

يك فرد گنهكار در میان مردم مانند کسی است که با جمعی سوار کشتی می شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار می گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است پردازد و هرگاه به او اعتراض کنند در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می کنم، اگر دیگران او را از این عمل خطرناك بازدارند، طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می شوند. (1)

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

از نظر علما شرایط امر به معروف و نهی از منکر چهار چیز است:

1 - امر به معروف و نهی از منکر کننده، به معروف (نیکی) و منکر (بدی) از دیدگاه شرع مقدس آگاهی داشته باشد.

2 - احتمال بدهد که امر و نهی او تأثیر می کند.

3 - بداند که گنهکار بنای تکرار گناه را دارد (و توبه نکرده است).

4 - بداند که در امر و نهی، مفسده و ضرر جانی و مالی و عرضی بر خود یا بر مؤمنین وجود ندارد.

مراحل نهی از منکر

برخورد با گناهکار چند مرحله دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که از شما گناهی را دید، اگر توان داشت عملاً از آن جلوگیری کند. اگر چنین توانایی را نداشت، با زبان نهی کند و اگر با زبان نیز نتوانست، با قلب خود آن را انکار نماید. در

ص: 30

مورد انکار قلبی همین قدر کافی است که خداوند بداند که او قلباً از آن گناه ناخشنود است» (1).

مراحل نهی از منکر چنین شد:

1 - انکار عملی.

2 - انکار زبانی.

3 - انکار قلبی.

علی علیه السلام فرمود: «همانا کسی که ستمی را انجام می دهد و گناهی را که به سوی آن خوانده می شود بنگرد، هر گاه با قلبش آن ستم و گناه را ناپسند بداند، به سلامتی نائل شده و از آن ستم و گناه دور مانده است و اگر با زبانش آن را انکار کند، جزا داده می شود و او برتر از همراهش (انکار قلبی) می باشد. اما کسی که با شمشیر از آن ستم و گناه جلوگیری نماید، به این هدف که کلمه خدا را بالا ببرد و کلمه ستمگران را پست گرداند، چنین کسی به راه هدایت نایل شده و به راه حق ایستاده و دلش به نور یقین روشن شده است» (2).

در این روایت مراحل را چنین بیان می کند:

1 - انکار قلبی.

2 - انکار زبانی.

3 - انکار عملی و مقابله و ستیز در هنگامی که شرایط لازم مقابله وجود داشته باشد.

انکار قلبی

علی علیه السلام در روایت دیگری فرمودند: «پایین ترین درجه نهی از منکر، آن است که با چهره گرفته و خشم آلود، با گنهکار ملاقات کنی» (3).

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: «هرگاه قدرت نداشت، پس با قلبش (یعنی اگر قدرت بر نهی از منکر با زبان نداشت، با قلبش نهی از منکر نماید) و همین مقدار کافی است که خداوند بداند که قلب او از گناه گنهکار ناراضی است» (4).

و در روایت دیگر فرمودند: «برای مؤمن این عزت کافی است که وقتی کار بدی را دید، خدا به تبت او آگاه است که او در تبتش از آن بدی ناخشنود است» (5).

ص: 31

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 407.

2- مشکاة الانوار، ص 130.

- 3- . وسائل الشيعة، ج 11، ص 413.
- 4- . وسائل الشيعة، ج 11، باب 3، ح 12.
- 5- . وسائل الشيعة، ج 11، باب 5، ح 1.

اشاره

گاه سؤال می شود که برآستی آیا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه گروه خاصی است؟ یا همه مردم وظیفه دارند که این کار را انجام دهند؟

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد.

1 - مرحله فردی و عمومی

هر کس موظف است به تنهایی ناظر بر اعمال دیگران باشد و تا آنجا که توانایی دارد این کار را انجام دهد. در این مرحله، شعاع عمل محدود است و شامل تذکر دادن، اندرز دادن، اعتراض، انتقاد و مانند اینهاست. در يك اجتماع زنده باید تمام نقراتش در برابر مفسد دارای چنین مسئولیتی باشند.

2 - مرحله گروهی و تشکیلاتی

در این مرحله امت موظف هستند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند. در این قسمت مسئله شکل واجب کفایی به خود می گیرد و گروهی معین با قدرت وسیعی که از حکومت اسلامی در اختیار خود دارند، به امر به معروف و نهی از منکر می پردازند. این گروه اگر نیاز به شدت عمل و حتی قصاص و اجرای حدود داشته باشند، اختیار دارند که زیر نظر حاکم شرع و متصدیان حکومت اسلامی انجام وظیفه کنند. هرگاه چنین افرادی به وظایف خود عمل کنند تکلیف از دیگران برداشته می شود.

برخورد با گناه و گناهکار

اعضای جامعه نسبت به یکدیگر نباید بی تفاوت باشند. چنان که بیان شد بی تفاوتی و بی توجهی به گناه و گناهکار جامعه را به سوی نیستی و هلاکت سوق خواهد داد.

لذا در فرهنگ اسلام، توصیه شده است که افراد نسبت به گناه بی تفاوت نباشند.

علی علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما فرمان داد تا با چهره های در هم گرفته با گناهکاران روبه رو شویم»⁽¹⁾.

حارث بن مغیره می گوید: «يك شب در یکی از راههای مدینه با امام صادق علیه السلام ملاقات کردم.

به من فرمود: ای حارث! عرض کردم: بلی.

فرمود: بدان که بار گناهان بی خردان شما بر دوش علمای شما قرار می گیرد. سپس از آنجا رفتند.

من مدتی بعد به محضر آن حضرت رفتم و عرض کردم: فدایت گردم، راز آن سخن چه بود که فرمودی؟ که در این مورد بسیار دگرگون و نگران شده ام.

فرمود: آری چه چیز مانع شده که هرگاه به شما خبر برسد که مردی از شما گناهی نموده که انجام آن گناه موجب رنجیدگی ما و عیب و سرزنش دیگران می شود، نزد او بروید و او را هشدار داده و موعظه کنید و با سخن رسا او را نهی از منکر نمایید.

عرض کردم: ما اگر به او تذکر بدهیم و او را نهی نماییم، نمی پذیرد.

فرمود: در این صورت، از او دوری کنید و از همنشینی با او پرهیزید». (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند دو فرشته را به سوی شهری فرستاد تا آن را واژگون کرده و اهل آن را به هلاکت برسانند آن دو فرشته به سوی آن شهر روانه شدند، وقتی که به آن شهر رسیدند، یکی از آنها مردی را دید که در حال دعا و تضرع است، به فرشته همراهش گفت: آیا این عابد را در حال عبادت و تضرع نمی بینی؟

فرشته همراه پاسخ داد: چرا، او را می بینم ولی فرمان خدا را جاری کن و به عبادت او نگاه نکن.

فرشته اولی گفت: من چنین کاری نمی کنم تا به سوی درگاه خدا بروم و اجازه مجدد بطلبم.

آن فرشته به درگاه الهی بازگشت و عرض کرد: خدایا من به سوی آن شهر رفتم در آنجا فلان بنده تورا در حال عبادت و دعا و راز و نیاز دیدم (آیا او را نیز به هلاکت برسانیم)؟

خداوند فرمود: آنچه را به تو فرمان دادم، انجام بده، حتی آن عابد را نیز به هلاکت برسان، زیرا او مردی است که هرگز به خاطر خشم من، چهره اش را نسبت به گناه و گناهکار، دگرگون ننموده است». (2)

امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند به حضرت شعیب پیامبر علیه السلام وحی کرد که من صد هزار نفر از امت تو را (به بلا) عذاب خواهم کرد که چهل هزار نفر از بدان و شصت هزار نفر از خوبان آنها هستند.

شعیب علیه السلام عرض کرد: بدان به خاطر کارهای بد باید مجازات شوند، ولی خوبان چرا؟

خداوند به او چنین وحی کرد: به خاطر آنکه آن نیکان با بدان مماشات و معاشرت می کردند و به خاطر خشم من، نسبت به آنها خشمگین نمی شدند». (3)

در تاریخ آمده است: 9.

-
- 1- . بحار، ج 100، ص 86.
 - 2- . بحار الانوار، ج 100، ص 86.
 - 3- . مشكاة الانوار، ص 49.

دو کودک خروسی را گرفته و او را اذیت کرده و پره‌های او را می‌کنند. پیرمرد عابدی در آنجا حاضر و مشغول عبادت و نماز بود ولی آن کودکان را نهی از منکر نکرد. خداوند بر عابد خشم نمود و به زمین فرمان داد تا او را در کام خود فروبرد. (1)

اینک به چند نمونه از مقابله علمای بزرگ اسلام با گناهکاران، اشاره می‌شود:

تأثر قلبی از گناه

در مورد عالم و عابد مرحوم آقای میرزا محمد حسین یزدی رحمه الله می‌نویسند: در زمان این عالم بزرگ مجلس ضیافت و جشن مفصلی برپا شد و در آن مجلس جمعی از تجار که در آن زمان لباس روحانیت پوشیده بودند، دعوت داشتند. در آن مجلس انواع فسق و فجور که از آن جمله نواختن و رقصیدن مطرب کلیمی بود فراهم کرده بودند.

جریان این مجلس را به خدمت مرحوم میرزا رساندند. ایشان سخت ناراحت و بی‌قرار شدند و روز جمعه در مسجد وکیل شیراز پس از نماز عصر به منبر رفته و گریه بسیاری نمود و پس از ذکر چند جمله موعظه فرمود:

ای تجاری که فجار شدید، شما همیشه پشت سر علما و روحانیون بودید، در مجلس فسق و گناهی که آشکارا محرمات الهی را مرتکب می‌شدند رفتید و به جای آنکه آنها را نهی کنید با آنها شرکت نمودید. جگر مرا سوراخ کردید و دل مرا آتش زدید، خون من بر گردن شماست.

پس از منبر به زیر آمد و به خانه تشریف برد. شب برای نماز حاضر نشد و به مردم خبر دادند که میرزا در بستر بیماری است و روز به روز حالش بدتر شد تا بالاخره سرشش ماه از دنیا رفت. (2)

جبران گناه با عبادت (ترك مكان گناه)

در باره صاحب حاشیه مرحوم ملا عبدالله یزدی آمده است:

ایشان روزی وارد اصفهان شد و چون ساعتی از شب گذشت به همراهانش فرمود: بارها را ببندید تا با عجله از این شهر خارج شویم. زیرا چندین بساط شراب می‌بینم که در این شهر چیده شده و خدای متعال اگر عذابی نازل کند ما هم می‌سوزیم.

همراهان شیخ بارهای خود را بستند و از شهر خارج شدند. چون موقع سحر رسید، شیخ فرمود:

برگردید، زیرا چندین هزار سجاده می‌بینم که پهن شده و نماز شب می‌خوانند و این جبران آن

ص: 34

1- . بحار الانوار، ج 100، ص 82.

2- . داستانهای شگفت، داستان 67.

تغییر زمینه گناه

از اموری که در بین شاگردان نزدیک حضرت امام رحمه الله مشهور است این مطلب می باشد: امام رحمه الله مطلقاً غیبت نمی کردند، از همان ایام جوانی در مجلسی که نشسته بودند به هیچ وجه اجازه نمی دادند کسی غیبت کند. اگر کسی صحبت می کرد و می خواست غیبت کند فوراً ایشان مطلب را برمی گرداندند و رشته سخن را تغییر می دادند. (2)

ترك محفل گناه

محدث قمی رحمه الله در شرح حال مرحوم سید صدرالدین عاملی اصفهانی می نویسد:

در امر به معروف و نهی از منکر، بسیار ساعی بود و در اصفهان اقامه حدود می نمود و آنقدر گناه در نظر او بزرگ بود که می گویند:

مجلسی برای عزای امام حسین علیه السلام تشکیل شده بود و عده ای از اعیان و اشراف در آن مجلس جمع بودند.

ایشان ناگاه وارد مجلس شدند، وقتی چشم ایشان به شاهزاده ای که ریشش را تراشیده بود افتاد، فرمود:

تراشیدن ریش از شعار گبران و عمل اهل گناه است و این مرد ریش خود را تراشیده و به این مجلس آمده که برای عزای سیدالشهدا علیه السلام اقامه شده است من می ترسم که هرگاه روضه خوان بالای منبر رود و این مرد در این جا باشد سقف فرود آید.

پس در آن مجلس نماند و بیرون رفت. (3)

اهمیت تربیت

اشاره

در فرهنگ اسلام نسبت به تربیت تأکید خاصی شده است و از مطالعه متون اسلامی به اهمیت تربیت در نزد خداوند به خوبی می توان پی برد.

«اسلام از آنجا که به زبان قرآن دین کاملی است» (4)، جمیع شرایط را در مورد انسان در نظر گرفته

ص: 35

1- . قصص العلماء.

2- . سیمای فرزندانگان، ص 104.

3- . منتهی الامال، ج 5، ص 63.

4- . «اليوم اكملت لكم دينكم»؛ مائده / 3.

است و با اشراف و نظر بلندی که نسبت به انسان دارد، مسائل تربیتی انسان را به نحوی بیان کرده است که به تمام ابعاد وجودی انسان دقت و نظر کافی نموده است.

اسلام به تربیت تنها در يك بعد نمی نگرد، بلکه ابعاد مهم وجود انسان را در مسئله تربیت در نظر گرفته است و عمل کردن به دستورات اسلام، انسانها را در همه زمینه ها به موفقیت لازم و کامل خواهد رساند و هیچگاه تربیت مانع رشد انسان و رکود او به شمار نمی رود.

1 - تربیت پوشش ارزشمندی است

تربیت برای انسان از همه ارزشها بالاتر است. اگر انسان از نظر حسب و نسب و لباس و مقام در سطح پایینی باشد اما ادب و تربیت داشته باشد، جبران کمبودهای او به وسیله تربیت می شود.

علی علیه السلام می فرمایند: «ادب لباس ارزشمندی است».(1)

لباس ساتر بدیها و عیوب انسان است و تربیت نیز حکم لباس برای تن انسان را دارد.

2 - تربیت از هر ارثی بالاتر است

از نظر اسلام ادب و تربیت در صدر مقامات و ارزشهای مادی و معنوی است. در این مورد روایات فراوانی وجود دارد.

از جمله علی علیه السلام فرمودند: «هیچ ارثی ارزشمندتر از ادب برای انسان نیست».(2)

اگر پدر و مادری برای فرزند خود مالی به ارث نگذارند اما کودک خود را خوب تربیت کرده باشند، فرزند آنها در سایه تربیت به مال هم خواهد رسید و از آن خوب استفاده خواهد کرد. اما اگر مال فراوان داشت ولی تربیت نشده بود، از آن مال و ثروت نیز نمی تواند خوب استفاده کند.

3 - تربیت از جمال و زیبایی بالاتر است

تربیت از نظر دین مقدس اسلام از جمال و زیباییهای فرد بالاتر است. لذا به مسلمین تأکید شده است که ابتدا تربیت افراد را در انتخاب بهترین آنها در نظر بگیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله طی روایتی به اصحاب فرمودند: «از سبزه ای که در زباله دان یا باتلاق می روید بپرهیزید! پرسیدند: آن سبزه کدام است؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده پست فطرت و رذل تربیت شده باشد».(3)

- 1- . «الادب حلل مجددة»، غررالحكم.
- 2- . «لاميراث كالادب»، نهج البلاغه كلمات قصار.
- 3- . وسائل الشيعة، ابواب مقدمات نكاح، باب 7.

اگر انسانی از نظر سیما بسیار زیبا باشد، ولی از نظر روح و ادب و تربیت ضعیف باشد زیبایی رو عامل رکود و فلاکت و بدبختی اوست.

ص: 37

مربی کیست؟

منظور از مربی چه کسی است؟ آیا به فرد خاصی مانند معلم در مدرسه مربی گفته می شود؟ و دیگران در امر تربیت در مقام مربی نیستند؟ و وظیفه ای نسبت به دیگران ندارند؟

از نظر فرهنگ اسلام، مربی عام است و شامل همه افراد می شود. یعنی به هر فردی که سرپرستی افرادی در جامعه را به عهده دارد مربی گفته می شود. اولیاء و مربیان مدارس، رؤسای ادارات، وکلاء، وزراء، بزرگان فامیل، خواهران و برادران بزرگتر و... به نوعی مربی هستند. لذا امر تربیت شامل همه افراد در هر سن و قشر و گروه اجتماعی که باشند می شود.

قرآن کریم نیز می فرماید:

«شما مسلمانان بهترین امت می باشید که به نفع مردم قیام کردید و از متن توده مردم برخاسته اید و مردم را به نیکیها دعوت می نمایید و از بدیها باز می دارید» (1).

تکلیف امر تربیت بر همه مردم است و لازم است به محض مشاهده منکر، افراد جامعه جلوی آن را بگیرند تا جامعه سعادت مند شود.

چنانچه قرآن می فرماید:

«باید از شما مسلمانان گروهی مردم را به خیر و صلاح دعوت نمایند و مردم را به نیکوکاری فرمان دهند و از کارهای ناروا بازدارند و اینان کسانی می باشند که راه سعادت را پیموده اند» (2).

تربیت و تخصص تربیتی

اشاره

امر تربیت کار بسیار حساس و ظریف و لطیفی است. معمولاً 99% مردم با امر تربیت سرو کار دارند، برخی پدر و مادرند، برخی مربی مدرسه هستند، برخی رئیس اداره اند، برخی خواهر و برادر بزرگترند و... به هر حال هر کدام به نحوی نقش مربی را در اجتماع ایفا می کنند.

لذا امر تربیت احتیاج به یک مدیریت صحیح دارد.

ممکن است افرادی در علم و سواد و هنری که دارند متخصص باشند، اما این افراد شاید نتوانند مربی خوبی باشند.

ص: 38

فردی پزشکی متخصص است، مهندس حادثی است، استاد دانشگاه است، صنعتگر خوبی است، هنرمند است، مادری آشپز خوبی است، خانه دار است، با سلیقه و مهربان است و به هر حال همه افراد تخصصها و هنرهایی دارند. اما اینها موجب این نمی شود که این افراد، در امر تربیت مربی خوبی هم باشند.

امر تربیت بسیار ظریف است و هر کس مربی خوبی نمی تواند باشد مگر اینکه به امر تربیت اهمیت دهد و نسبت به آن آگاهی داشته باشد.

در اینجا لام است به مقام مربی در اسلام اشاره ای داشته باشیم.

1 - مربی پیرو راه انبیاء

خداوند بالاترین مربی انسان است و مهمترین هدف رسالت انبیاء را تزکیه و تعلیم بشر بیان داشته است و می فرماید:

«خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت تا برای آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آرایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد، هر چند از آن پیش گمراهی آنان آشکار بود». (1) و مربی کسی است که از هدف انبیاء پیروی می کند.

و امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیاء، روش شایستگان و واجبی بزرگ است». (2)

و علی علیه السلام در ضمن وصیت خود به فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «سخن حق بگویند و برای پاداش آخرت عمل کنید، دشمن سرسخت ظالم و یاور مظلوم باشید». (3)

2 - مربی جانشین و نماینده خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله

از آنجا که هدف خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و قرآن هدایت انسانها و نجات و پیروزی آنها در پرتو هدایت است و هدف از امر به معروف و نهی از منکر نیز هدایت انسانها و پیروی آنها در پرتو آن می باشد، بنابراین می توان گفت: چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در گفتاری چنین فرمود:

«کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین و نماینده خدا در زمین و جانشین و نماینده

ص: 39

1- . «لقد منّ الله...»؛ سورة آل عمران، 164.

2- . جامع السعادات، ج 2، ص 84.

3- . نهج البلاغه، نامه 47.

رسول خدا و قرآن می باشد.»(1)

3 - تربیت افراد نشانه ایمان است

يك فرد مسلمان باید به تمام فرامین الهی عمل کند در آن صورت است که به او مؤمن گفته می شود.

قرآن در نشانه های مؤمن می فرماید:

«مؤمنین کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و حدود خدا را حفظ می نمایند.»(2)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «دین دار واقعی نیست کسی که خدا را به وسیله امر به معروف و نهی از منکر اطاعت ننماید.»(3)

4 - تربیت ثواب و اجر و تأیید الهی را در پی دارد

همه اعمال انسان، مورد داوری و اجر و پاداش از طرف خداوند متعال قرار می گیرد.

قرآن می فرماید:

«کسی که در مقام خدای خویش اندیشه کند و نفس اماره را از کجروی بازدارد، بهشت جایگاهش خواهد بود.»(4)

در آیه دیگر قرآن می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و حفظ کنندگان فرامین الهی را به بهره و ثواب و سعادت بشارت بده.»(5)

و امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند: «کسی که به سوی زمامدار ستمگری برود و او را به تقوا و پرهیزکاری، دعوت و موعظه کند و به

او هشدار دهد، برای او مانند پاداش همه جنّ و انس و مانند کارهای نیک همه آنهاست.»(6)

دعوت کردن مردم به خوبیها موجب بهره گیری از تأییدات الهی خواهد شد.

ص: 40

1- . مجمع البیان، ج 2، ص 484.

2- . «الامرون بالمعروف...»؛ سورة توبه / 112.

3- . بحار الانوار، ج 100، ص 86.

4- . «و اما من خاف مقام...»؛ سورة نازعات / 20.

5- . «الامرون بالمعروف...»؛ سورة توبه / 112.

6- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 406.

اشاره

اگر پدر و مادر یا مربی در تربیت فرزند بکوشند و او را صالح تحویل جامعه دهند، در اعمال صالح او شریک خواهند بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند رحمت می کند پدر و مادری را که فرزندشان را به شایستگی تربیت کرده اند». (1)

و در روایت دیگری فرمودند: «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را با ادب بار بیاورید، خدا گناهانتان را می بخشد». (2)

نمونه ای از تربیت و رحمت خداوند

در تاریخ از امام صادق علیه السلام آمده است:

«شیطان با نیرنگ مخصوصی، عابدی از بنی اسرائیل را فریب داد و او را برای زنا کردن با زنی ناپاک روانه نمود. وقتی که آن عابد نزد آن زن بدکاره آمد و تقاضای همبستر شدن با او را نمود، آن زن دریافت که عابد گول خورده است.

به او گفت: این را بدان که ترك گناه آسان تر از توبه کردن است، وانگهی هر توبه ای قبول نخواهد شد، از این کار بگذر.

این چند جمله نهی از منکر زن موجب شد که عابد از ارتکاب گناه زنا، منصرف شود.

از قضا همان شب زن از دنیا رفت. مردم دیدند بر روی در خانه او چنین نوشته شده:

برای تشییع جنازه این زن اجتماع کنید، زیرا که او اهل بهشت است.

مردم در شك و تردید به سر می بردند (زیرا همه او را زنی ناپاک می دانستند) پس از سه روز، خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد:

کنار جنازه فلان زن برو و بر او نماز بخوان و به مردم امر کن که آنها نیز بر او نماز بخوانند. من او را آمرزیدم و بهشت را برای او واجب کردم به خاطر آنکه او فلان بنده مرا از گناه نمودن برحذر داشت». (3)

6 - مربی بهترین مردم است

کسی که عیوب افراد را به آنها تذکر می دهد و آنها را به خیر و نیکی دعوت و از بدی باز می دارد، بهترین و دوست داشتنی ترین مردم است.

- 1- . مكارم الاخلاق، ص 443.
- 2- . مكارم الاخلاق، ص 222.
- 3- . وسائل الشيعة، ج 11، ص 404.

چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست داشتنی ترین برادرانم، کسی است که عیبهای مرا به من اهدا کند».(1)

البته قابل ذکر است که هدیه عیوب باید شرایط لازم را داشته باشد تا عیب جویی و انتقاد گزنده به حساب نیاید و فردی که عیبش به او تذکر داده می شود بتواند آن را بپذیرد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوگند به خداوندی که جانم در دست قدرت اوست، چیزی انفاق نشده که دوست داشتنی تر از سخن نیک باشد».(2)

7- مربی از آتش نجات پیدا می کند

امر به معروف و نهی از منکر در پیشگاه خداوند بسیار ارجمند و عزیزند و باطن آنها قوی و زیباست اگر انسانی آنها را در دنیا به خوبی انجام دهد، همین دو فریضه در عالم برزخ و قیامت موجب نجات انسان شده و صاحبش را از عذابهای سخت الهی نجات می دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در عالم خواب دیدم، شعله آتش از هر سو، مردی از امتم را فرا گرفته است.

در همین هنگام امر به معروف و نهی از منکر او آمدند و او را از میان آتش نجات داده و همراه فرشتگان قرار دادند».(3)

8- مربی اجتماع را اصلاح می کند

امر به معروف و نهی از منکر آثار اجتماعی فراوانی دارد، از جمله امام صادق علیه السلام طی روایتی فرمود:

«امر به معروف و نهی از منکر روش پیامبران و شیوه صالحان و دو فریضه بزرگ الهی است که سایر فرایض و واجبات به وسیله آن بر پا می شوند و در پرتو آن، راهها امن می گردد، کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تأمین می شود، زمینها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و همه کارها رو به راه می گردد».(4)

علی علیه السلام نیز در روایتی فرمودند: «خداوند ایمان را به خاطر پاکسازی انسان از هرگونه شرک واجب فرمود و امر به معروف را به خاطر اصلاح توده مردم و نهی از منکر را به خاطر بازداشتن بی خبران از

ص: 42

1- اصول کافی، ج 2، ص 639.

2- مشکاة الانوار، ص 132.

3- مشکاة الانوار، ص 132.

4- وسائل الشیعة، ج 11، ص 395.

کارهای زشت واجب ساخت» (1).

امر به معروف و نهی از منکر، به منزله پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت مردم است، زیرا اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، عوامل مختلف گناه، ریشه های اجتماع را از درون می خورد و اجتماع را از هم متلاشی می سازند. بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.

قرآن در این باره می فرماید:

«باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند» (2).

9 - مربی احیاگر است

هر کس بتواند به عنوان مربی، فردی را تربیت کند و او را به راه راست سوق دهد، در عمل چنان است که تمام دنیا را زنده کرده باشد.

قرآن در این مورد می فرماید:

«هرکس نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است» (3).

حیات بخشیدن به نفوس در بعضی روایات به معنای زنده کردن روح مرده افراد به آداب تربیت است که با زنده کردن همه افراد در دنیا برابری می کند.

از امام علی علیه السلام روایت شده که حضرت فرمود: «هرکس که امر به معروف کند، مؤمنین را توانا و نیرومند گردانیده است» (4).

10 - شریک در عمل نیک

مربی اگر فردی را به کار خیر دعوت کند خود نیز در عملی که متربی انجام می دهد شریک است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند و مردم را به سوی خیر و نیکی راهنمایی و تربیت کند و یا به آن اشاره نماید در عمل، شریک ثواب است و کسی که به کار ناشایسته سفارش کند و یا به آن راهنمایی کند، شریک گناه است» (5).

ص: 43

1- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار، شماره 252.

2- «ولتکن منکم...» سوره بقره / 104.

3- «من احیایها فکانما...»، سوره مائده / 32.

4- نهج البلاغه، حکمت 31.

5- خصال صدوق رحمه الله، ج 1، ص 138.

مقام مربی مقام والایی است. گاهی مربی مطلب یا کلامی را به فردی می آموزد و او را هدایت می کند. هدایت این فرد (حتی پس از مرگ نیز) برای مربی ثواب و اجر به دنبال دارد و پرونده مربی بسته نمی شود و پس از مرگ ثواب کارهای نیک افرادی که به دست او هدایت شده اند به وی خواهد رسید و او را سعادتمند خواهد کرد.

بی توجهی به تربیت

اشاره

چنان که بیان شد، تربیت نزد خداوند متعال بسیار ارزشمند است و انگیزه تربیت انسانهاست که رسالت انبیاء را در پی دارد و پیامبران الهی برای تربیت انسانها متحمل زحمات طاقت فرسا می شدند.

بی توجهی به امر تربیت افراد جامعه از نظر فرهنگ اسلام امری ناپسند است و عوارضی برای افراد جامعه در پی خواهد داشت.

1 - اشاعه فحشاء و منکر

اگر افراد یک جامعه، تربیت نشوند، پیرو شیطان می شوند و فحشاء و منکر بین آنها رایج می شود و افراد جامعه شیطانی، هرگز هدایت نخواهند شد.

قرآن می فرماید:

«کسی که راههای شیطانی را تعقیب کند، شیطان به فحشاء و کارهای ناشایسته سفارش می کند».(1)

و در آیه دیگر می فرماید:

«شیطان شما را از فقر می ترساند (که به کار خیر کمک نکنید) و شما را به فحشاء سفارش می کند».(2)

2 - تنفر و بی توجهی خداوند

بی توجهی به امر تربیت جامعه اسلامی موجب عدم رضایت الهی از مریدان خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای عزیز از مؤمن ضعیفی که دین ندارد عصبانی است و از او نفرت دارد. عرض کردند چه مؤمنی است که دین ندارد؟»

حضرت فرمود: نهی از منکر نمی کند».(3)

و امام باقر علیه السلام فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر دو فرد از مخلوق خدای عزیزند. کسی که آنها را

1- . «و من يتبع خطوات الشيطان...»؛ سورة نور، 21.

2- . «الشيطان يعدكم الفقر...»؛ سورة بقره، 268.

3- . فروع كافي، ج 5، ص 59.

نادیده گرفت، خداوند هم او را ذلیل و رها می سازد».(1)

و علی علیه السلام طی روایتی فرمودند: «خداوند بزرگ از دوستانش خشنود نیست که در زمین معصیت خدا شود و آنان ساکت باشند و اعتراف به گناه دیگران نمایند و امر به معروف و نهی از منکر ننمایند من جنگ را با کفار آسانتر از غل و زنجیرهای جهنم یافتم».(2)

3 - موجب نزول بلا می شود

بی توجهی به تربیت و ترك امر به معروف و نهی از منکر موجب نزول انواع بلاها و مصیبتها و حوادث می شود.

امام رضا علیه السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل فرمودند که فرمود: «وقتی ملت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر حواله دادند، باید در انتظار نزول بلا از طرف خداوند باشند».(3)

در روایتی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بلا را به ترك کنندگان بشارت دادند و فرمودند:

«همواره مسلمانان در سعادت و خوشبختی هستند، تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و همدیگر را به کارهای نیک کمک می نمایند. هر گاه چنین نکردند (سه بلا بر آنان نازل می شود).

1 - برکتها از آنها گرفته می شود.

2 - گروهی بر گروهی دیگر مسلط می شوند.

3 - برای آنها در زمین و آسمان، یآوری نخواهد بود».(4)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه خداوند شما را به مصائب بزرگ و کمبودهای بسیار گرفتار می سازد، همانند این عصای من که از شاخه و برگ، عریان شده است».(5)

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «خداوند به جبرئیل وحی کرد و به او فرمان داد شهری را که اهلش کافر و گنهکارند ویران کن تا همه به هلاکت برسند.

جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا همه را جز فلان عابد پارسا را به هلاکت برسانم؟ (جبرئیل می خواست بداند که چرا آن عابد پارسا نیز به هلاکت برسد)؟

خداوند فرمود: آن عابد پارسا را قبل از دیگران به هلاکت برسان.

عرض کرد: خدایا عابد را چرا هلاک کنم؟ با اینکه عبادت کننده و پارساست؟

ص: 45

- 2- . جامع السعادات، ج 2، ص 226.
- 3- . فروع كافي، ج 5، ص 59.
- 4- . وسائل الشيعة، ج 11، ص 398.
- 5- . المجازات النبويه، ص 228.

خداوند فرمود: به او امکانات و قدرت دادم ولی او امر به معروف و نهی از منکر نکرد و با گنهکاران دوستی و رفت و آمد بسیار داشت، با اینکه در راه خشم من بود». (1)

4 - شريك در گناه افراد

اشاره

بی توجهی به گناه دیگران و ترك امر به معروف و نهی از منکر موجب شرکت افراد در گناه دیگران می شود.

علی علیه السلام در روایتی فرمود: «انجام دهنده به ظلم و راضی بودن به آن ظلم و یاری کردن به ظلم از نظر گناه مشترك هستند». (2)

و امام جواد علیه السلام در روایتی فرمودند: «کسی که کار نیک یا بدی را بنگرد و نسبت به آن اظهار ناخشنودی کند، مانند کسی است که از آن دور است، ولی کسی که از آن کار، دور و غایب است، اما به انجام آن راضی است، مانند کسی است که در محل انجام آن حاضر است». (3)

قرآن نیز در آیه ای می فرماید:

«کسی که تشویق به کار نیکی کند نصیبی از آن برای او خواهد بود و کسی که تشویق به کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت و خداوند حساب هر چیز را دارد و آن را حفظ می کند». (4)

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس به کار نیکی دعوت یا نهی از منکری کند و یا مردم را راهنمایی به عمل خیر نماید و یا به نحوی موجبات تشویق آنها را فراهم سازد در آن عمل سهیم و شريك است و همچنین هر کس دعوت به کار بد یا راهنمایی و تشویق نماید او نیز شريك است». (5)

از مجموع این روایات مشخص می شود:

رضایت، یاری دادن، انجام دادن، تشویق کردن، راهنمایی، دعوت کردن، امر افراد به گناه یا ثواب، موجب می شود که انسان در آن کار شريك شود.

جرم راضی شدن به گناه دیگران

محمد بن ارقط گوید: به حضور امام صادق علیه السلام رفتم، به من فرمود: به کوفه رفت و آمد می کنی؟ گفتم: آری. فرمود: آیا قاتلهای امام حسین علیه السلام را در کوفه می نگری؟

- 1- . وسائل الشيعة، ج 11، ص 406.
- 2- . وسائل الشيعة، ج 11، ص 410.
- 3- . تحف العقول، ص 240.
- 4- . «من يشفع شفاعته...»؛ سورة نساء / 85.
- 5- . تفسير نمونه، ج 4، ص 39.

عرض کردم: از آنها هیچ کس باقی نمانده است، همه مرده اند.

فرمود: در این صورت نظر تو این است که تنها قاتل کسی است که شخصی را بکشد و یا باعث و متصدی قتل او گردد. آیا سخن خداوند را در قرآن نشنیده ای که به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می کند، به یهود عصر خودش بگوید:

«بگو پیامبرانی پیش از من دلائلی روشن و آنچه را گفتید آوردند، پس چرا آنها را به قتل رساندید، اگر راست می گوید».(1)

در صورتی که یهودیان معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله پیامبری را نکشته بودند، چرا که از زمان حضرت عیسی علیه السلام تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیامبری وجود نداشت و اینکه قرآن در آیه فوق یهودیان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را قاتل معرفی می کند، از این روست که راضی به روش آباء و اجداد خود هستند. بنابراین افرادی که در کوفه راضی به روش اجداد خود در مورد قتل امام حسین علیه السلام هستند خود قاتل به حساب می آیند.(2)

پس رضایت به گناه غیر، انسان را شریک آن خواهد کرد و یکی از درجات نهی از منکر آن است که انسان راضی به گناه غیر نباشد و امام صادق علیه السلام در روایت دیگری صریحاً فرمود:

«هرگاه مرد (بی گناهی) را در مشرق بکشند و انسان در مغرب زمین بشنود و به آن راضی باشد، در پیشگاه خدا، قاتل به حساب می آید».(3)

5 - حاکمیت بدان و عدم استجاب دعا

بی توجهی به امر تربیت برای جامعه خطرناک است و ترك امر به معروف و نهی از منکر موجب می شود که جامعه به دست اشرار بیفتد. علی علیه السلام می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید که در نتیجه ترك آنها، خداوند بدان شما را رهبر امور زندگی شما کند، سپس هر چه دعا کنید، به استجابت نمی رسد».(4)

6 - لعنت خدا را به همراه دارد

علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

ص: 47

1- . «قل قد جائکم...»؛ سوره آل عمران / 183.

2- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 412.

3- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 410.

4- . امالی طوسی رحمه الله، ج 2، ص 136.

«همانا خداوند پیشینیان را از رحمت خود دور نساخت مگر به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر نکردند، خداوند افراد بی خرد را به خاطر گناه و افراد خردمند را به خاطر ترك نهی از منکر، لعنت فرمود».(1)

و در روایتی دیگر فرمودند:

«همانا دانشمندی که علمش را می پوشاند (او در برابر منکرات، با سکوت و خاموشی رد می شود) در قیامت در حالی که دارای زشت ترین بود در میان مردم است محشور می گردد و همه جنبنندگان کوچک، او را لعنت می کنند».(2)

7 - انسان حیات واقعی ندارد

مسلمانی که امر به معروف و نهی از منکر نکند و به هیچ کدام از مراحل آن عمل ننماید، از حیات واقعی محروم است.

علی علیه السلام می فرماید:

«کسی که نهی از منکر را با قلب و زبان و عمل ترك کند، چنین کسی مرده ای در میان زندگان است».(3)

8 - نشانه بی دینی و بی عقلی

ترك امر به معروف و نهی از منکر، نشانگر آن است که فرد مؤمن واقعی نبوده و از عقل سلیم نیز برخوردار نیست.

امام صادق علیه السلام از پدران خود تا پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند حتماً دشمن دارد مؤمن ضعیف النفس را که عقل ندارد و آن کسی است که نهی از منکر نمی کند».(4)

و در روایت دیگر فرمودند: «خداوند دشمن دارد و مؤمن ضعیفی را که دین ندارد، شخصی از آن حضرت پرسید: چنین کسی کیست؟ فرمود: او که نهی از منکر نمی کند».(5)

9 - رحمت خدا را دور می کند

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند:

ص: 48

1- . نهج البلاغه، خطبه 192.

2- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 510.

3- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 44.

4- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 399.

5- . وسائل الشیعه، ج 1، ص 397.

«حتماً باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست افراد نادان را بگیرید و به سوی حق دعوت نمایید وگرنه خداوند قلوب شما را همانند یکدیگر می کند و شما را از رحمت خود دور می سازد همانطور که آنها را از رحمت خویش دور ساخت». [\(1\)9](#).

ص: 49

1- . تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه «کانوا لایتناھون عن منکر...»؛ سورۃ مائدہ / 79.

اشاره

یکی از راههای ارشاد، استفاده از زبان و بیان امر به معروف و نهی از منکر است.

مربی باید شرایطی را در بیان رعایت کند تا بتواند به وسیلهٔ زبان افراد را ارشاد و تربیت کند.

دقت در شرایطی که فرهنگ اسلام پیرامون تبلیغ با زبان و استفاده از بیان در هدایت افراد، مطرح کرده است، مربیان را با اهمیت این وسیلهٔ تبلیغ آشناتر می سازد.

اگر مربی بخواهد فردی را ارشاد کند باید به شرایط بیان توجه داشته باشد تا بتواند افکار مخاطب خود را به خویش جلب کند و او را ارشاد نماید.

1 - با نام خدا شروع شود

توکل و توسل به ذات مقدس ربوبی به انسان کمک می کند در راه هدفی که دارد پیروز شود و از این روست که خداوند نیز اولین القاء و دستوری که به پیامبر داد چنین بود:

«بخوان به نام پروردگارت که آفرید». (1)

و پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته در طول زمان ارشاد و رسالت خود بسم الله الرحمن الرحیم را فراموش نمی کردند و در روایتی فرمودند:

«هر کار مهمی که با نام خدا شروع نشود، به هدف الهی خود نخواهد رسید». (2)

2 - با فرهنگ اسلام منطبق باشد

مربی باید در ارشادات و سخن خود به کلام وحی متصل باشد. آنچه می گوید منطبق با شرع مقدس اسلام باشد. اگر چنین شد، به صراط مستقیم الهی تمسک کرده است و در غیر این صورت خطر انحراف در کمین خواهد بود.

قرآن می فرماید:

ص: 50

1- «اقرأ باسم...»؛ سورة علق / 1.

2- تفسیر المیزان، ج 1، ص 16.

«پس ای رسول، به قرآنی که به تو وحی شده است تمسک کن، که تو در راه راست هستی».⁽¹⁾

راه راست، آن است که انسان پایه سخنش هوی و هوس نباشد، بلکه هدف ارشاد و مبنای کلام سخن حق و وحی و کتاب باشد.

مربی باید بداند که برداشت و خواست او از احکام ملائک عمل برای افراد نباشد. ببیند اسلام در مسائل مختلف چه نظری دارد، نظر اسلام را بیان کند.

ملائک عمل و بیان باید فقه و حکم اسلام باشد نه ملاکات شخصی و برداشت افراد از اسلام مطرح شود اینجاست که این بیان مشخص می شود:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست در مسلمانی ماست

بسیاری از بدینی ها نسبت به اسلام از آنجا سرچشمه می گیرد که افراد، نظر خود را در مسائل، بنام دین و اسلام ابراز می دارند.

کلام مربی باید بر مبنای فرهنگ اسلام باشد. از خرافات، بدعتها، تحریفها، تفسیر به رأی ها محفوظ و مصون باشد.

استفاده مربی از متن فرهنگ اسلام و متکی به قرآن و روایات باشد. از منابع اصلی و موثق مکتب اسلام استفاده کند.

مبنای حرف و ارشاد مربی نباید حرف مردم، گوینده ها، برداشت از کتاب یا فیلم و... باشد، زیرا این گونه برداشت، انسان را دچار لغزش و خطا در گزینش احکام الهی می کند. ریشه بسیاری از خرافات، بدعتها و تفسیر به رأی ها این است که مربیان از منابع موثق در ارشاد استفاده نمی کنند.

اگر مربی حرف خلاف و کلام ناحقی را در ذهن مردم جای دهد، بیرون آوردن این حرف از اذهان بسیار مشکل است.

مربی باید علوم و آگاهی خود را بر اساس مکتب اسلام و متون وحی بالا ببرد. تکیه مربی نباید منابع غربی و مکاتب غیر الهی باشد. تنها مکتب اسلام است که به کلیه احتیاجات بشر، توجه نموده است.

فرزندان امت اسلامی را نمی توان بر اساس مکاتبی تربیت کرد که بعد از مدتی نظرات آنان تغییر کرده و اشکال و ایرادات آن نمود و بروز پیدا می کند.

اگر اساس تربیت روانشناسی غرب باشد و مربی مردم را بر اساس نظرات آنان تربیت کند، بعد از آنکه اشکالات آن روشها مشخص شد، بسیار مشکل است که مردم را از آن تربیت دور کرد.

لذا اصالت با مکتب اسلام است و روش تربیتی صحیح، همان روش اسلام و سیره³.

ص: 51

معصومین علیهم السلام می باشد.

3 - سخن حق باشد

مربی باید توجه داشته باشد که در ارشاد و امر به معروف سخن حق بگوید، هر چند این سخن بر ضرر او باشد.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«حق را بگو، گرچه نابودی تو در آن باشد».(1)

4 - پاك و دلپسند باشد

سخن مربی باید از آلودگیهای گفتاری پاك باشد. زیرا سخن پاك مورد رضایت خداوند نیز هست.

قرآن می فرماید:

«مؤمنان به سخنان پاك و به راه خدای ستایش شده هدایت شده اند».(2)

آلودگی گفتار موجب می شود که افراد به هدایت جذب نشوند و از مربی گریزان شوند.

از نظر روانشناسی ثابت شده است که گفتار آلوده نمی تواند مردم را به حق ارشاد کند.

بیان مربی باید از هر زشتی گفتاری پاك باشد، خالی از توهین و سرزنش باشد، صحبت‌های مربی وقتی مؤثر است که پاك و مورد پسند دیگران باشد.

نیکوست که مربی سعی کند به آنچه که می گوید خود نیز عمل نماید ولی در صورت ناممکن بودن حداقل در آن زمان، مکان و حالتی که می خواهد تذکر دهد مرتکب گناه نشود و یا در حد توان آن عمل زشت را خود انجام ندهد و کار نیک را نیز با توجه و دقت انجام دهد.

5 - هدایت کننده باشد

چنان که هدف از بعثت انبیاء و نبی اکرم صلی الله علیه و آله هدایت مردم به سوی خدا بوده است، مربی نیز باید هدایتگر مردم از تاریکیها به سوی نور باشد.

قرآن می فرماید:

«این قرآن کتابی است که ما برای تو فرستادیم تا مردم را به اذن پروردگارش از تاریکیها به سوی

ص: 52

2- . «وهدوا الى الطيب...»؛ سورة حج / 24.

نور، خارج سازی» (1).

سخن مربی زمانی به سوی نور هدایت می کند که خود نور باشد و سخن خدا نوری است که تاریکیهای جهل و نادانی را از بین می برد و مردم را با احکام الهی آشنا می سازد.

6 - فرقان باشد

از جمله ویژگیهای سخن مربی در ارشاد فرقان است. چنان که سخن خداوند نور است و روشنی دارد و حق و باطل را از هم جدا می کند، سخن مربی نیز باید همراه با فرقان باشد.

از این رو سخنی می تواند مردم را ارشاد کند که بتواند راه حق و باطل را برای مردم از هم جدا کند.

قرآن می فرماید:

«بزرگوار است خداوندی که قرآن یعنی جدا کننده حق و باطل را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا ترساننده عالمیان از عذاب الهی باشد.» (2)

منظور این است که گاه بیان فرایند حق و باطل به طور غیر مستقیم مردم را هدایت می کند و نیاز به تذکر صریح ندارد و تذکر لازم نیست همیشه همراه با امر و نهی، تند و خشن باشد. بلکه شناساندن راه حق و باطل مهم است.

7 - سخن نیک باشد

نیکو بودن سخن، یکی از صفات بیان مربی است. از نظر فرهنگ اسلام بهترین سخن، سخن نیک است و خداوند به پیامبر سفارش فرمود:

«ای رسول ما! مردم را با دلیل محکم و پند و اندرز نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن.» (3)

و به بندگان سفارش فرمود: «و ای محمد! به بندگانم بگو که همیشه نیکوترین سخن را بر زبان بیاورند.» (4)

حتی در مقابله با دشمنان اسلام و کفار نیز خداوند دستور به سخن نیک فرموده است. زیرا گفتن سخنان زشت و ناپسند و دشنام به کفار سبب می شود که آنان نیز به مقدسات اسلام توهین کنند و دشنام دهند.

ص: 53

1- «الر کتاب انزلناه...»؛ سورة ابراهیم / 1.

2- «تبارک الذی...»؛ سورة فرقان / 1.

3- «ادع الی سبیل ربک...»؛ سورة نحل / 125.

4- «وقل لعبادی...»؛ سورة اسراء / 53.

«شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، تا مبدا آنان نیز از روی جهالت و دشمنی خدا را دشنام دهند».(1)

8 - همراه با دلیل و برهان باشد

سخن مربی باید مستدل باشد و برای افراد دلیل و برهان کافی در سخن وجود داشته باشد.

قرآن کریم از مؤمنان می خواهد که سخنانشان محکم و استوار باشد.(2)

سخنان مربی باید به گونه ای محکم و استوار و پایه و اساس شرعی، عقلی و علمی آن محکم باشد که جلو امواج فساد را بگیرد و اگر کسی اعتراض کرد و دلیل و برهان خواست، بتواند از حرف خود دفاع کند.

سخن مربی نباید بر اساس شنیده ها باشد. بلکه باید از متون اصلی و محکم فرهنگ اسلام استفاده کند تا بتواند در هنگامی که احتیاج به دادن مدرک پیدا می کند، مدارک لازم را ارائه دهد.

9 - سخن حساب شده و سنجیده

سخنان مربی باید حساب شده و از هرگونه نقص و عیب دور باشد.

قرآن که فرهنگ اصیل يك مسلمان است چنین است و خداوند می فرماید:

«این کتاب الهی، قرآن عربی است که در آن هیچ کجی و حکم نادرست (در آن) نیست».(3)

مربی باید سطح علم و آگاهی خود را پیرامون مسائل و احکام بالا ببرد، پیوسته مطالعه کند و حرفی که می زند از روی بی اطلاعی و ناآگاهی نباشد، زیرا برخورد این گونهای به شخصیت مربی لطمه می زند و حرفهای او را زیر سؤال می برد.

کلام مربی باید درست و صحیح باشد و به قول اهل فن بلیغ باشد.

قرآن نیز می فرماید:

«ای پیامبر به آنها نصیحت کن و به گفتار بلیغ و دلنشین و مؤثر با ایشان سخن بگو».(4)

کلام مربی باید از جامعیت کافی برخوردار بوده و به ابعاد امر و به مدار و مرز مسائل کاملاً مطلع باشد.

1- «لاتسبوا الذین...»؛ سوره انعام / 108.

2- «وقولوا قولاً سدیداً»؛ سوره احزاب / 70.

3- . «قرآنًا عربيًا غير...»؛ سورة زمر / 28.

4- . «وعظهم وقل لهم...»؛ سورة نساء / 63.

سخن مربی باید مردم را رشد دهد. اگر مربی حرفهایی بزند که ذهن افراد را از اطلاعات بدون رشد و کمال پر کند، کار مهمی انجام نداده است. از این روست که در دعا می خوانیم: «خداوندا از علم بی فایده به تو پناه می برم» (1).

و از جمله صفات آیات قرآن این است که خداوند در قرآن می فرماید:

«این قرآن، خلق را به راه خیر و صلاح هدایت می کند» (2).

لازم است مربی بداند گاه خیر و رشد در این نیست که امر او کاملاً اطاعت شود و نهی او ترك شود بلکه گاه زمینه این دو مسئله که مهیا شود خود يك مرحله رشد است. ولی اگر دقت کافی به عمل نیاید ممکن است نتیجه منفی در بر داشته باشد.

11 - سخن همراه با تشویق و ترغیب باشد

سخن مربی باید پیوسته همراه با تشویق خوبیها و ترغیب به اعمال صالح باشد و افراد نسبت به عاقبت اعمال خود آگاه شوند.

یکی از روشهای قرآن نیز در ترغیب افراد نسبت به انجام عمل صالح، آگاهی دادن و تشویق آنها نسبت به عاقبت کار است. در این مورد آیات زیادی در قرآن عاقبت کار خیر و عمل صالح را مشخص می کند.

قرآن در آیه ای می فرماید:

«همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، اقامه نماز کرده و زکات پرداخت نمودند، اجرشان نزد پروردگارشان محفوظ است و نه غمگین می شوند و نه از چیزی می ترسند» (3).

توجه و تذکر نسبت به کارهای خوب فرد یکی از مهمترین راههای پذیرش و بیداری متربی می باشد.

12 - عامل تشویق یا تنبیه مشخص باشد

لازم است مربی در ارشاد خود روی يك عامل مشخص کار کند. اگر می خواهد فردی را تشویق کند و به وسیله تشویق او را ارشاد نماید، متربی بداند که برای چه عاملی تشویق می شود؟ چه کار

ص: 55

1- . اللهم اِنِّ اعوذ بك من علم لا ينفع. (مفاتیح الجنان)

2- . «یهدی الی الرشد»؛ سورة جن / 2.

3- . «ان الذین آمنوا و عملوا...»؛ سورة بقره / 277.

مثبتی انجام داده، که لایق تشویق مربی گردیده است.

اگر مربی می خواهد تنبیه کند، باز عامل مشخصی را در نظر بگیرد و به مربی گوشزد کند که برای چه کاری او را تنبیه می کند.

اگر مربی بخواهد چندین مورد خلاف فرد را، در يك جلسه به او گوشزد کند و روی موارد مختلف انگشت بگذارد، فکر مربی را مغشوش می کند و نتیجه لازم از ارشاد حاصل نمی شود.

ارشاد همیشه تدریجی و به مرور انجام می شود.

چنان که نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز چنین عمل می کردند، در سالهای ابتدایی تبلیغ اسلام روی مسائل اعتقادی کار می کردند، هنگامی که عقیده و ایمان مسلمین کامل شد، کم کم روی مسائل کشورداری و... ارشاد و تبلیغ را شروع کردند.

13 - سخن مایوس کننده نباشد

یکی از شرایط آداب سخن این است که مربی در ارشاد باید سعی کند که افراد را از رحمت خدا مایوس نکند.

اگر فردی از رشد و تعالی مایوس شود و خود را بی پناه ببیند، طغیان می کند و جسارت گناه علنی در او پدیدار می شود و حالت انزجار از معارف و ارزشها پیدا می کند طرفداران این شعار که: «آب از سرت گذشت چه يك نی چه صد نی»، افرادی هستند که در ارتکاب گناه جسور و طغیانگرند و منشأ این تفکر آنان یأس و نومیدی از درگاه الهی است.

خدا در قرآن برای از بین بردن یأس گناهکاران می فرماید:

«به بندگانی که بر نفس خود اسراف کردند، بگو، هرگز از رحمت خدا ناامید نباشید البته خدا همه گناهان را (چون توبه کنید) خواهد بخشید که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است» (1).

و مربی نباید مردم را از رحمت خدا مایوس کند.

روایت می فرماید:

«فقیه کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند» (2).

14 - سرزنش آمیز نباشد

مربی نباید فرد گناهکار را پس از توبه و جبران گناهانش سرزنش کند. اگر فردی در حال ارتکاب

ص: 56

1- «قل یا عبادى الذین...»؛ سوره زمر / 53.

2- اصول کافی، ج 1، ص 36.

جرم باشد، برای آگاه کردن او از زشتی اعمالش توبیخ و سرزنش اشکال ندارد.

چنانکه قرآن می فرماید:

«هر کس از مسلمانان عمل ناشایسته مرتکب شود، چه زن و چه مرد، آنان را به سرزنش و توبیخ بیازارید. اما اگر توبه کردند دیگر متعرض آنان نشوید که خدا توبه خلق را می پذیرد و نسبت به آنها مهربان است» (1).

بعد از آنکه فردی از گناهان توبه می کند، دیگر کسی حق ندارد به خاطر گذشته ها او را سرزنش کند. زیرا خداوند با همه کبریایی و بزرگی اش گناهکار را می بخشد و به مسلمانان نیز سفارش می کند که بعد از توبه متعرض افراد نشوند.

15 - عیب جویی نباشد

از جمله ویژگیهای بیان در ارشاد این است که سخن مری عیب جویی نباشد. زیرا در قرآن نیز از عیب جویی نهی شده است.

قرآن می فرماید:

«وای بر هر عیب جوی طعنه زننده» (2).

عیب جویی نمی تواند مری را به هدف درست که ارشاد خطاکار است برساند. به جای عیب جویی و تحقیر و سرزنش خطاکار، بهتر است مری با بهترین صورت یعنی هدیه دادن او را به عیب آگاه سازد.

روایت نیز می فرماید:

«بهترین برادران من کسانی هستند که عیوبم را به من هدیه می کنند» (3).

هدیه دادن شرایطی دارد. هدیه عیوب نیز اگر ویژگیهای هدیه را داشته باشد مؤثر است و فرد را به خطا و گناهش آگاه می سازد.

اما عیب جویی ممکن است افراد را بدبین کرده و در کار خود جری تر سازد.

16 - سخن در توان افراد باشد

سخن مری به گونه ای باشد که فرد بتواند از آن استفاده کند. حرف مری باید مورد قبول متربی قرار گیرد و اجرای حرفهای مری همراه با سختی و مشقت نباشد و توان افراد در ارشاد مورد دقت

ص: 57

1- . «و اللذان یأتیانها...»؛ سورة نساء / 16.

2- . «ویل لكل همزة لمزة»؛ سورة همزة / 1.

3- . بحار، ج 74، ص 282.

قرار گیرد.

خداوند در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«به مردم بگو که من اهل تکلف نیستم» (1).

و در آیه دیگر می فرماید:

«خداوند هر کس را به اندازه توان او تکلیف فرموده است» (2).

متأسفانه مشاهده می شود برخی از مریبان بدون در نظر گرفتن توان افراد چیزهایی از آنان می خواهند و به آنان تکلیف می کنند که این اعمال گاه ضررهایی جبران ناپذیری برای آنها در پی دارد.

انجام اعمال مستحبی بیش از حد و بطور ناگهانی مثل روزه گرفتن زیاد، غذا نخوردن، پرهیز از معاشرتهای معقول و... از این نوع کارها هستند.

توصیه های مریب باید در حدّ توان و در وسع متریبی باشد تا ثمر و فایده دینی و دنیوی در کنار انجام اعمال مشاهده شود و این اعمال سخت و طاقت فرسا نباشد.

مریبی باید توجه داشته باشد که توان روحی افراد یکسان نیست. چنان که همه افراد از نظر بعد جسمی در یک سطح نیستند.

همانگونه که دکتر در مداوای بیماریهای جسم، به یک میزان دارو برای افراد تجویز نمی کند و به هر کس به اندازه احتیاج او دارو می دهد، در بعد روحی نیز تجویز دارو و درمان باید متناسب با میزان آمادگی و ظرفیت افراد باشد.

17 - سخن جامع باشد

مریبی باید سعی کند که سخن او جامع باشد. در هر مسئله ای که مریب بیان می کند با جمیع جهات و جوانب امر آشنا باشد.

طرح یک جنبه مسئله و نگفتن ابعاد دیگر آن ممکن است انحرافات در پی داشته باشد و مشکلاتی را برای مردم فراهم سازد.

بطور مثال: غیبت در همه جا حرام نیست. گاه غیبت واجب می شود و گاه غیبت مجاز است.

شناسایی مرز اعمال و گناهان امری است که بر مریب فرض و لازم است.

ص: 58

1- «و ما انا من المتکلفین»؛ سوره ص / 86.

2- «لا یكلف الله نفساً...»؛ سوره انعام / 152.

اشاره

مربی باید در ارشاد و هدایت دیگران جنبه انذار و موعظه را فراموش نکند. یکی از روشهای قرآن کریم در هدایت افراد گناهکار این است که به آنان به خاطر گناهشان وعده عذاب می دهد و همین مسئله باعث می شود که فرد گناهکار توبه کند و یا اصلاً گناه نکند. لذا مربی باید افراد را از عاقبت عمل زشت و ناپسندشان آگاه کند و برای آنان روشن کند که هر عملی در محضر الهی حسابرسی شده و عقوبت و مکافات اعمال امری حتمی است.

قرآن می فرماید:

«هر کس ذره ای عمل خیر انجام دهد ثمره آن را می بیند و هر کس ذره ای عمل بد و زشت انجام دهد کیفر آن را خواهد دید».(1)

و در آیه دیگر می فرماید:

«ای رسول ما! خدای تو در کمینگاه ستمکاران است».(2)

موعظه کردن گناهکار و ترساندن آنان از عاقبت زشت گناه، می تواند آنان را به راه راست ارشاد و هدایت کند.

نمونه ای از عبرت گرفتن گناهکار

شخصی به نام «عتبه» که معروف به مالک دینار بود، همواره با گناه و انحراف و جنایت سر و کار داشت. این شخص مجرم و گنهکار، روزی در حین عبور، چشمش به سر گوسفندی افتاد که آن را بریان کرده بودند، دید لبهای آن گوسفند بر اثر حرارت آتش، از هم جدا شده و برگشته و دندانهایش آشکار گردیده و...

این منظره او را به یاد دوزخیان انداخت که آنها در میان آتش جهنم این گونه (بلکه هزاران برابر بدتر) بریان می شوند.(3)

از خوف خدا، نعره جانسوز کشید و بیهوش شد و به زمین افتاد. وقتی که به هوش آمد، توبه حقیقی کرد و دیگر هرگز گناه نکرد و در راه خدا قدم برداشت و از صالحان و عابدان بزرگ زمانش گردید.(4)

ص: 59

1- . «فمن يعمل مثقال...»؛ سورة زلزال / 7.

2- . «انّ ربك لبالمرصاد»؛ سورة فجر / 14.

3- . «تلفح وجوههم...»؛ سورة مؤمنون / 104.

4- . «مناهج الشارعیین»؛ سورة ص / 654.

19 - سخن باید صریح باشد

سخن مربی باید از محافظه کاری و سازشکاری دور بوده و صریح باشد. مربی باید مصلحت اندیشی های بی مورد را کنار بگذارد.

علی علیه السلام می فرماید:

«زیانکارترین مردم کسی است که بتواند حق را بگوید و نگوید».(1)

مربی نباید به خاطر مصالح و منافع شخصی خود و ترس از خدشه دار شدن موقعیت اجتماعی - سیاسی اش از گفتن حق چشم پوشی کند و مطابق هوا و هوس مردم سخن بگوید.

البته رعایت حالت متری امر دیگری است، گاه زمان، مکان، حالت مربی یا متری می طلبد که مسئله را تذکر ندهد، این امر از عنوان بحث فعلاً خارج خواهد بود.

20 - سخن مطابق با فهم و عقل افراد باشد

مربی باید توجه داشته باشد که میزان علم و ایمان افراد با هم متفاوت است. لذا حرف مربی باید مطابق با فهم و عقل افراد باشد.

انسان عالم و جاهل از نظر گفتار و موعظه با هم تفاوت دارند.

روایت می فرماید:

«با انسانهای نادان، استدلالی و برهانی سخن نگویند».(2)

و روایتی دیگر می فرماید:

«خداوند متعال از انسانها در روز قیامت به اندازه عقلهایشان حساب کشی می کند».(3)

21 - اشتیاق و آمادگی افراد

مربی باید توجه داشته باشد که متری را در هنگامی که مشتاق است به هدایت و نور فراخواند و او را ارشاد کند.

انسان حالتهای متفاوتی دارد و حالات روحی افراد با هم متفاوت است.

علی علیه السلام می فرماید:

«قلبها اشتیاق روی آوردن و پشت کردن دارند، بنابراین از حالات اشتیاق آنها بهره برداری کنید».(4)

- 1- . غررالحكم، ج 1، ح 354.
- 2- . اصول كافي، ج 2، ص 42.
- 3- . بحار الانوار، ج 7، ص 267.
- 4- . نهج البلاغه صبحي صالح، ص 503.

مربی باید از حالت روی آوردن قلب برای ارشاد استفاده کند و در حالت عدم آمادگی قلب چون سخنان مربی بی تأثیر خواهد بود بهره نجویید.

علی علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که قلب آمادگی نداشته باشد، کور می شود».(1)

22 - سخن مناسب سن افراد باشد

مربی باید توجه داشته باشد که با چه کسی گفتگو دارد. فهم هر فرد نسبت به سن او متفاوت است. مربی باید با کودک به شیوه ای حرف بزند که او بتواند درک کند. ارشاد نوجوان و جوان نیز مراتبی دارد. همچنان که ارشاد خانم و آقا، میان سال و کهنسال با هم متفاوت می باشد. گاهی مربی مطالب را در حد آگاهی خود بیان می کند، با اصطلاحات و عبارات و فرمولهای علمی که برای اکثر افراد قابل پذیرش و فهم نیست.

مربی باید مطالب را در حد سن افراد ساده کند و آن را روشن بیان کند تا متربی گفتار مربی را دریابد.

23 - سخن ساده باشد

مربی باید سعی کند مطالب خود را ساده بیان کند. معمولاً افرادی که از ساده گویی در ارشاد استفاده می کنند بسیار موفق تر از افرادی هستند که در بیانات خود از لغات سخت و مشکل استفاده می نمایند.

از جمله ویژگیهای قرآن کریم نیز ساده بودن آن است.

خداوند در قرآن می فرماید:

«ما قرآن را به زبان تو ای رسول آسان کردیم. امید است که مردم حقایق آن را به یاد آورند».(2)

باید توجه داشت که ساده گویی با سخنان بی محتوا و سست متفاوت است. ساده گویی بقدری مهم است که حضرت موسی علیه السلام از خداوند چنین خواست:

«خدایا سینه ام را وسعت ده (تحملم را زیاد کن) و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشای تا مردم سخنم را بفهمند».(3)

ص: 61

1- . همان.

2- . «فانما یسرناه بلسانک...»؛ سوره دخان / 58.

3- . «ربّ اشرح لی صدری...»؛ سوره طه / 25.

اشاره

مربی باید در سخن گفتن از پرخاشگری بپرهیزد و در جایی که امید هدایت و تذکر وجود دارد باید با سخن نرم، هدایت را بیان کند.

پرخاشگری، افراد را به لجاجت وادار می کند و از نظر روانشناسی در هنگام پرخاشگری و عصبانیت به هیچ وجه امید ارشاد و هدایت افراد وجود ندارد و هیچ فردی قول خشن را نمی پذیرد.

نمونه ای از ارشاد را خداوند به حضرت موسی علیه السلام چنین تعلیم داد:

«(ای موسی و هارون) به سوی فرعون بروید که او طغیان کرده است و با او به نرمی سخن بگویید، امید است که به خود بیاید و یا از خدا بترسد» (1).

نمونه ای از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ارشاد

جوانی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا آیا به من اجازه می دهی زنا کنم؟ با گفتن این حرف فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله با خونسردی و ملامت فرمود:

نزدیک بیا، جوان نزدیک آمد و در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. حضرت با محبت از او پرسید: آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟

گفت: نه فدایت شوم. فرمود: همین طور مردم راضی نیستند با مادرانشان چنین شود.

آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت: نه فدایت شوم. فرمود: همین طور مردم در باره دخترانشان راضی نیستند.

آیا برای خواهرت می پسندی؟ جوان مجدداً انکار کرد (و از سؤال خود پشیمان شد). پیامبر صلی الله علیه و آله سپس دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود:

خدایا قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامان او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار. از آن به بعد منفورترین کار نزد این جوان زنا بود. (2).

25 - سخن مختصر و مفید باشد

مربی باید توجه داشته باشد که بهترین روش ارشاد این است که سخن مختصر و مفید بیان شود تا افراد از شنیدن آن خسته نشوند و حق مطلب هم ادا شود. زیاده گوئی، افراد را خسته و آنان را

1- . «اذهبا الى فرعون...»؛ سورة طه / 43.

2- . تفسير المنار، ذيل آية 104 سورة آل عمران.

نسبت به سخن بی میل و رغبت می کند.

علی علیه السلام می فرماید:

«بهترین سخن آن است که کم باشد و ملال آور نباشد» (1).

و در روایتی دیگر می فرمایند: «کم اما مداوم، بهتر از عمل زیاد و ملال آور است» (2).

مربی باید حق سخن را در ارشاد ادا کند و از سخن طولانی بپرهیزد. در صورتی که فرد توضیح بیشتری خواست آنگاه می تواند برای او بیشتر توضیح دهد.

26 - در سخن تکرار باشد

یکی از اصول مهم در تربیت افراد، تکرار سخن و ارشاد است. مربی باید بداند که با یکبار ارشاد کردن، ممکن است افراد هدایت نشوند، لذا ارشاد به تذکر و تکرار نیازمند است.

یکی از اصول هدایت افراد در قرآن نیز مسئله تکرار است که خداوند بارها آیات خود را در قرآن کریم پیرامون مسائل مختلف تکرار کرده است. در آیه ای نیز به این مسئله اشاره شده است:

«خداوند بهترین سخن را نازل کرده است. کتابی که آیاتش همانند یکدیگر است. آیاتی تکراری دارد که از شنیدن آیاتش بر اندام کسانی که از پروردگارشان خاشعند لرزه می افتد» (3).

بسیاری از عبادات تکراری است، بسیاری از ادعیه تکرار در خود دارد و این تکرار است که زمینه تثبیت مطالب را در اذهان به وجود می آورد.

27 - به نکات مثبت فرد اشاره شود

مربی باید در ارشاد خود ابتدا به نکات مثبت روحیه افراد اشاره کند و فضایلشان را به آنها گوشزد نماید و سپس در کنار آن روحیات و کارهای بد آنان را تذکر دهد.

اگر مربی فقط تکیه اش روی نکات ضعف افراد و خطاهای آنان باشد، در افراد ایجاد یأس و ناامیدی و پوچی می کند و در این حالت امید به هدایت و ارشاد وجود ندارد. اما اگر فرد خطاکار را با روحیات مثبت و نکات پسندیده اش آشنا کنیم و خوبیهای او را به یادش بیاوریم، امید پذیرش و ارشاد بیشتر است.

به طور مثال: به فرد بگوییم تو که حافظه ات خوب است، نماز می خوانی، روزه می گیری، پدر و مادرت از تو راضی هستند، آیا حیف نیست حجابت را رعایت نکنی؟ و یا چشم چرانی کنی، دروغ

- 1- . غررالحكم، ج 1، ص 29، ح 23.
- 2- . غررالحكم، ج 2، فصل 61، ح 28.
- 3- . «اللّٰه نزل احسن...»؛ سورة زمر / 23.

بگویی، تقلاب کنی و...»

28 - تلقین خوبها

یکی از اصول مهم تربیت افراد تلقین خوبها در آنها می باشد. مری باید خوبی را به مردم تلقین کند.

چنان که قرآن کریم می فرماید:

«اگر مؤمن باشند برترند» (1).

تلقین یکی از اصول مهم تربیتی در فرهنگ اسلام است. تلقین در اسلام به دو صورت مشاهده می شود: تلقین لفظی و تلقین عملی.

تلقین لفظی

گاهی تلقین لفظی است. یعنی گاه با تکرار لفظ چیزی به انسان تلقین می شود.

در اسلام تلقین لفظی وجود دارد و تکرار اذکاری چون صلوات و لا اله الا الله و سبحان الله و... انسان را به تسبیح و تقدیس خداوند وادار می کند. در تربیت افراد نیز استفاده از تلقین لفظی بسیار مؤثر است.

تلقین عملی

گاهی تلقین عملی است و انسان به وسیله عمل باید خود را به خوبها عادت دهد.

امام علی علیه السلام در روایت می فرماید:

«اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار کن» (2).

و یا امام صادق علیه السلام برای تلقین حقانیت مرگ می فرماید:

«هر کس کفنش در خانه اش با او باشد، او را از غافلان ننویسند و هر گاه به آن کفن نگاه کند، ثواب می برد» (3).

در پایان این بحث لازم به تذکر است که ممکن است برخی از سرفصلها تقارن معنوی داشته باشند ولی تکرار عناوین خود به خواننده گرامی گسترش فکر می دهد و در برخی موارد نیاز به توضیح بیشتر بود که برای رعایت اختصار به همین مقدار بسنده شد.

ص: 64

1- «انتم الاعلون...»؛ سورة آل عمران / 139.

2- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمه قصار 207.

3- حاشیه مفاتیح الجنان.

روانشناسان معتقدند که تربیت افراد هنر است. فنی است که هر کس نمی تواند در آن موفق باشد.

برای آموختن هنر تربیت، بر مربی لازم است که با روشهای گوناگون تربیت آشنا شود و بداند که در مقابل گناه، کارهای خلاف و رفتار زشت دیگران در هر جا باید چگونه برخورد کند و به هر حال روش تربیت را بیاموزد.

اگر انسان از نظر جسم مادی خود دچار مشکل شود باید به پزشک مراجعه کند. پزشک کیست؟ چقدر زحمت کشیده است تا به ریشه بیماری ها پی برده و روش درمان آنها را بیاموزد، داروهای مؤثر را بشناسد و بتواند بیماری را درست تشخیص دهد و به میزان لازم، دارو را تجویز کند.

همان گونه نیز بزهکاریها یا گناهان، رفتارهای زشت و ناپسند در هر اجتماع، نشانه بیماری روحی است و مربی کسی است که باید بتواند بیماری را ریشه یابی کند. به راههای درمان پی ببرد و روش درمان مؤثر را بتواند به دیگران منتقل کند. مربی باید بتواند بیماری را تشخیص دهد، باید بداند چگونه موضوعگیری کند؟ چه برخوردی داشته باشد؟ چگونه باید حرف بزند؟ چقدر باید تشویق کند؟ چقدر تنبیه کند؟ چقدر توبیخ کند؟ اینها همه مرز دارد و اندازه لازم دارو در درمان بسیار مؤثر است.

مربی باید با زمینه های لازم شخصیت جوان آشنا باشد و آن را درک کند و آن نیازها را به جوان منتقل کند، قطعاً در این صورت جوان آمادگی و استعداد برای کمال یابی را پیدا می کند و روش درست را در زندگی اتخاذ خواهد کرد. مربی باید صفاتی داشته باشد که به اختصار به آنان اشاره می شود.

1 - هدایت را از خدا بدانند.

مربی باید بداند که گر چه او پیرو راه انبیاء است و هدایت مردم را به عهده دارد اما ارشاد و هدایت مردم و مؤثر واقعی خداست و مربی ابزار و وسیله هدایت است.

اگر مربی خود را وسیله و ابزار هدایت بدانند دچار عجب و غرور نمی شود و از دیگران توقع تشکر ندارد و در مقابل بی مهری مردم خشمگین نمی شود.

خداوند در قرآن با آیات مختلف نیز این مسئله را به پیامبر صلی الله علیه و آله گوشزد می فرمود:

«ای پیامبر تذکر به آنها بده، همانا تو مذکر هستی، اما تو مسلط و توانا بر تبدیل کفر آنان نیستی.» (1)

«ای پیامبر، تو حفیظ و وکیل مردم نیستی.» (2)

«ای پیامبر، تو هر کس را بخواهی هدایت نمی کنی اما خدا هر کس را بخواهد هدایت می کند.» (3)

«وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله تذکر دادن، ترساندن، تشویق کردن، امیدوار نمودن و... است. اما هدایت مردم دست پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. برخی از دعوت پیامبر استفاده کرده و به هدایت می رسند و برخی کفر می ورزند و گمراه می گردند.»

قرآن می فرماید:

«ما راه را به شما نشان دادیم، خواه شما شاکر باشید یا کفر بورزید.» (4)

و در آیه دیگری می فرماید:

«ما راه رشد و تعالی و راه گمراهی را برای شما بیان کردیم.» (5)

وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بیان است اما تسلط و جبر در هدایت یا گمراهی نیست. این اختیار مردم است که یا راه کفر را بر می گزینند و یا به راه هدایت، ارشاد می شوند. و لطف خداوند این است که ابزار هدایت را در اختیار مردم قرار داده است تا با اختیار خود به هدف خلقت دست یابند که هدف خلقت چنین بود:

«و ما جن و انس را نیافریدیم، مگر آن که خدا را عبادت کنند.» (6)

و در روایت می فرماید: «عبادت کنند و معرفت پیدا نمایند.»

و مربی نیز یکی از ابزار هدایت است که آیات الهی را برای مردم می خواند. گروهی هدایت می شوند و گروهی بر کفر خود باقی می مانند.

2 - ایمان به هدف

مربی باید هدف را بشناسد وقتی هدف خود را شناخت و راه درست را تشخیص داد و به رسالت خود پی برد، در راه رسیدن به اهداف خود اراده نیز داشته باشد. اراده محکم و ایمان قوی به هدف است که مربی را دلسرد نمی کند. از گرایش و فرار مردم نمی ترسد و از میدان بیرون نمی رود.

چنان که انبیاء الهی علیه السلام در راه ارشاد و هدایت مردم با مشکلات فراوان از قبیل تهمت، جسارت

ص: 66

1- . «لست علیهم بمصیطر»؛ سورة غاشیه / 21.

2- . «و ما جعلناک علیهم»؛ سورة انعام / 107.

- 3- . «انك لا تهدي من»؛ سورة قصص / 56.
- 4- . «انا هديناه السبيل»؛ سورة انسان / 3.
- 5- . «قد تبين الرشء من الغى»؛ سورة بقره / 256.
- 6- . «و ما خلقت الجن و الانس»؛ سورة ذاريات / 56.

بی ادبی، گرسنگی، محاصره اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روبرو شدند و مقابله کردند اما از هدف خود دست برداشتند.

مربی باید بداند که مهمترین مسئله در امر تربیت پایداری و استقامت است. مربی باید اراده خود را قوی کند، پشتکار داشته باشد. زیرا گاه لازم است ساعتها با فردی صحبت کند در مواقع و موارد مختلف او را ارشاد نماید تا گمگشته ای را به راه حق و حقیقت رهنمون سازد.

موانع در راه تربیت بسیار است. گاه مانع خود فرد است که زیر بار حرف حق نمی رود گاه مانع مشکلات اجتماعی، اداری، سیاسی می باشد. چنانکه انبیاء عظام الهی علیه السلام و ائمه معصومین علیه السلام هم همیشه با موانع روبرو می شدند اما چون هدف را می شناختند و اراده ای قوی داشتند از ارشاد و هدایت دلسرد نمی شدند.

3 - صبر و استقامت داشته باشد.

یکی از صفات مربی صبر و استقامت است. مسلم است که در همه کارهای اجتماعی مخصوصاً برنامه ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر، مشکلات فراوانی وجود دارد و سود پرستان سلطه جو، گنهکاران آلوده و خودخواه، به آسانی تسلیم نمی شوند و حتی در مقام اذیت و آزار و متهم ساختن آمران به معروف و ناهیان از منکر بر می آیند که بدون صبر و استقامت و شکیبایی هرگز نمی توان بر این مشکلات پیروز شد. لقمان به فرزندش سفارش فرمود:

«پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می رسد با استقامت و شکیبایی باش که این از کارهای مهم و اساسی است.» (1)

صبر معانی مختلفی دارد، صبر بر اطاعت، صبر در برابر انگیزه های معصیت، صبر در برابر مصائب و حوادث ناگوار، و صبر در برابر از دست دادن نیروها و سرمایه ها و ثمرات است.

به عکس آنچه بعضی تصور می کنند، صبر هرگز به معنی تحمل بدبختیها و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست. بلکه صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر مشکل و حادثه است.

در قرآن کریم به صبر تأکید فراوان شده و بیش از ده مورد به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد.

مهمترین عامل پیروزی مردان بزرگ تاریخ، استقامت و شکیبایی آنهاست. لذا قرآن می فرماید:

«صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند.» (2)

ص: 67

1- «یا بنی اقم الصلوة»؛ سورة لقمان / 18.

2- «انما یوفی الصابرون»؛ سورة زمر / 10.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

«بر شما باد به صبر و استقامت که صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن، تن بی سر فایده ای ندارد، همچنین ایمان بدون صبر، نا پایدار و بی نتیجه است.» (1)

4 - مددجویی از خداوند

یکی از صفات مربی آن است که مربی باید با خداوند ارتباط معنوی داشته باشد. گاهی اوقات برخی از گناهکاران با وسایل و ابزار عادی قابل هدایت نیستند و مربی از ارشاد آنها دچار یأس و نومیدی می شود.

در این مرحله به جای یأس و نومیدی باید از مبدأ وحی و خالق هستی کمک گرفته شود.

بسیاری از بزرگان به پیروی از ائمه معصومین علیه السلام برای ارشاد مردم از روشهای معنوی مثل: دعا کردن، توسل پیدا نمودن به اهل بیت علیه السلام، نذر کردن، وضو گرفتن نماز خواندن، قرآن خواندن و...

استفاده می نمایند.

توکل به خدا و ارتباط معنوی با حضرت حق بسیار مهم است و در تربیت و ارشاد افراد معجزه می کند. انسان مؤمن باید در برابر همه مشکلات از خداوند یاری بخواهد. در احادیث اسلامی می خوانیم: هنگامی که علی علیه السلام با مشکلی روبرو می شد، به نماز برمی خواست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می رفت و این آیه را تلاوت می فرمود:

«از خداوند به وسیله صبر و نماز یاری بجوئید.» (2)

5 - اخلاص داشته باشد.

مربی باید در ارشاد مردم اخلاص داشته باشد و اخلاص رمز موفقیت است.

ارشاد اگر به خاطر خدا و مخلصانه انجام شود، بر دلها مؤثر خواهد بود.

چنان که انبیاء الهی نیز در ارشاد مردم اخلاص داشته و از آنها انتظار تشکر نداشتند.

قرآن می فرماید: انبیاء الهی می گفتند:

«من برای رسالت خویش از شما پاداش نمی خواهم و پاداش من تنها نزد خداوند عالمیان است.» (3)

اگر مربی برای خوشایند مردم کار کند، بی توجهی آنان برایش سخت است و در عمل دچار سستی می شود اما اگر هدف، رضایت خداوند باشد، رفتار ناسپاس مردم بر وی بی تأثیر خواهد بود.

-
- 1- . نهج البلاغه، كلمات قصار، شماره 82.
 - 2- . «واستعينوا بالصبر و الصلوة»؛ سورة بقره / 45، كتاب كافي، طبق نقل الميزان، ج 1، ص 154.
 - 3- . «و ما اسئلكم عليه»؛ سورة شعرا / 109.

و اخلاص است که برای مربی قاطیعت می آورد، زیرا مربی خالص همه نفی و اثباتهایش بر محور مصالح عمومی مردم دور می زند.

6 - سعه صدر داشته باشد.

از جمله ویژگیهای يك مربی، داشتن سعه صدر است. مربی اگر سعه صدر و قدرت روحی و معنوی نداشته باشد، هرگز نمی تواند در مقابل حوادث و ناگواریها ایستادگی کند و در اولین برخورد مشکل دچار عجز و ناتوانی می شود.

امام علی علیه السلام طی روایتی می فرمایند:

«همانا قلوب ظرف می باشند و بهترین آنها با ظرفیت ترین آنها می باشد.»⁽¹⁾

و خداوند در قرآن می فرماید:

«آن کس که خدا سینه اش را گشاده کند بینه ای از جانب پروردگار در خدمتش قرار داده می شود که همه راههای بسته شده به سویش باز می گردد.»⁽²⁾

اهمیت شرح صدر را می توان از این آیه فهمید که حضرت موسی علیه السلام هنگام رفتن به سوی فرعون، برای هدایت او و آگاه نمودن مردم از خداوند فراخی سینه و قدرت تحمل سختیها را درخواست نمود، قرآن می فرماید:

«موسی علیه السلام گفت: خدایا سینه ام را وسعت ده و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشا تا مردم سخنانم را بفهمند.»⁽³⁾

برای به دست آوردن شرح صدر و تحمل در برابر مشکلات مداومت بر سوره انشراح بسیار مؤثر است.

نمونه ای از سعه صدر در ارشاد

شخصی نامه ای برای علامه بزرگوار خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله فرستاد که در آن نوشته شده بود. یا کلب بن کلب (ای سگ، پسر سگ)

خواجه نصیر رحمه الله پس از خواندن نامه در پشت آن نوشت:

ای برادر اشتباه کرده ای سگ چهار پا دارد و من دو پا. من مستوی القامه هستم (ایستاده راه می روم) و سگ با حالت چهار دست و پا، ناخنهای سگ دراز است و پشم دارد در حالی که من

ص: 69

1- «ان هذه القلوب اوعیه فخیرها اوعاها»؛ نهج البلاغه، قصار 138.

2- «افمن شرح الله صدر»؛ سوره زمر / 22.

3- «رب اشرح لی صدري»؛ سوره مائده / 41.

این گونه نیستیم. (1)

7 - شهامت داشته باشد.

اشاره

مربی باید شهامت داشته باشد و در مقابل تمام گناهان با قاطعیت بایستد و جز از خدا نترسد. بیان حقیقت و امر به معروف و نهی از منکر به شهامت نیاز دارد.

قرآن می فرماید:

«کسانی که فرمان الهی را تبلیغ می کنند و از او می ترسند نباید جز خداوند از کس دیگری بترسند.» (2)

مربی باید با گناهان در جامعه مقابله کند و این وظیفه مهم بر عهده مربی است. روایت می فرماید:

«هنگامی که بدعتها بر امت من ظاهر شوند، بر عالم است که علم خویش را ظاهر سازد و کسی که این عمل را انجام ندهد، لعنت خدا بر او است.» (3)

مربی باید ارشاد را مجاهدت در راه خدا تلقی کند و بداند که برای مجاهدت تلاش و شهامت لازم است.

از جمله صفات مؤمن آن است که: خداوند می فرماید:

«کسانی که در راه خدا مجاهدت می کنند، از سرزنش ملامتگران ناامید نمی شوند.» (4)

شهامت مربی موجب می شود که در مقابل گناه و افراد آلوده بایستد، هر چند گناهکار فردی بزرگ و قدرتمند باشد و از پول و مقام و قدرت سیاسی، اجتماعی بالایی هم برخوردار باشد.

نمونه ای از شهامت در مقابل ستمگر

روزی عبدالملک بن مروان در بیابان به یک مرد اعرابی رسید. عنان اسب را کشید و توقف نمود تا با او صحبت کند. گفت: عبدالملک بن مروان را می شناسی؟

پاسخ داد: آری. او ستمگری غیر قابل هدایت است.

گفت: وای بر تو من عبدالملکم.

اعرابی گفت: خداوند به تو عمر طولانی ندهد و مال و ملک به تو نبخشد که مال خدا را خوردی و حرمت او را تزییع نمودی. (5)

- 1- . منتهی الامال در مناقب حضرت باقر علیه السلام.
- 2- . «الذین یبلغون رسالات»، سوره احزاب / 39.
- 3- . اصول کافی، ج 1 ص 54.
- 4- . «یجاهدون فی سبیل الله»، سوره مائده / 54.
- 5- . مجموعه وژام، ج 1، ص 31.

یکی از بزرگان قم نقل کرد:

من مدت دوازده سال از قم به تهران نرفتم، تا آن که يك کار ضروری برایم پیش آمد که ناچار شدم به تهران بروم. در ایام رضاشاه قلدر که دستور کشف حجاب را داده بود، مأمورین این دستور را به شدت اجرا می کردند. من در تهران در یکی از خیابان ها می رفتم. دیدم زنی با چادر می رود تا چشم یکی از افسران به آن زن افتاد با شدت يك سیلی به او زد و چادر از سرش کشید. به طوری که من وحشت زده شدم. ناگهان دیدم يك کالسکه در همانجا ایستاد و مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی از آن پیاده شد و از پشت سر يك سیلی محکم به آن افسر زده و او را به لرزش در آورد. باز سوار کالسکه شده و رفت.

آن افسر مانند کسی که استخوانی در گلویش گیر کند دیگر نتوانست کلمه ای حرف بزند. (1)

8 - انتقاد پذیر باشد.

مربی باید روحیه انتقاد پذیر داشته باشد. هیچ انسانی از خطا و اشتباه مصون نیست. به همین علت انسان از انتقاد سازنده دیگران نباید ناراحت شود.

از نظر اسلام روحیه انتقاد پذیر ارزشمند است و پذیرش انتقاد انسان را نسبت به کاستیهای وجودش آگاه می کند و انسان خود را می سازد. انتقاد سازنده گامی به سوی تعالی و تکامل بشر است.

لذا امام صادق علیه السلام می فرماید:

«بهترین برادران من کسانی هستند که عیوب مرا به من هدیه نمایند.» (2)

البته انتقاد باید شرائطی داشته باشد که در اینجا جای بحث بیشتر نیست. (3)

9 - تعادل روحی داشته باشد.

مربی باید در هنگام ارشاد، تعادل روحی داشته باشد تا بتواند مطالبی را که می خواهد به افراد منتقل کند با لحن و بیان درست ادا کند.

در هنگام ارشاد، مربی باید از نظر جسمی تعادل داشته باشد، یعنی گرسنه نباشد، تشنه نباشد، و هم تعادل روحی داشته باشد، فکرش با مسائل گوناگون درگیری نداشته باشد، خسته نباشد

ص: 71

1- . پندهایی از رفتار علماء، ص 25.

2- . بحارالانوار، ج 74، ص 282.

3- . توضیح در کتاب «افسردگی»، اثر دیگر مؤلف.

خشمگین نباشد، باعصبانیت ارشاد را بیان نکند و... سایر شرائطی که به آنها اشاره شد.

در صورتی که مربی تعادل واقعی ندارد می تواند به صورت ظاهر و تصنعی خود را آرام و متعادل جلوه دهد. تا مربی بتواند به ارشادات او گوش بسپارد.

10 - عجله نکند

از جمله صفات مربی آن است که در انتقال مطالب به افراد نباید عجله کند. ابتدا باید موارد خطا و اشتباه افراد را بررسی کند، با فکر و اندیشه در فرهنگ اسلام و مبانی روانشناسی، راه حل مقابله با مسائل و مشکلات را پیدا کند، سپس به بیان ارشاد بپردازد، خداوند نیز در قرآن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ای رسول، پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو برسد در آن عجله مکن.» (1)

و در آیه دیگر می فرماید:

«(ای رسول ما) باشتاب و عجله زبان به قرائت قرآن مگشای (بلکه تا خاتمه وحی صبر کن).» (2)

11 - سختگیری نکند

مربی باید نسبت به مردم سختگیری نکند. اسلام دین آسانی است و اگر کسی به همه ابعاد احکام اسلام آشنا باشد، می بیند که اسلام قصد اذیت و آزار مسلمان را ندارد و سختگیر نیست.

خداوند به پیامبرش نیز فرمود:

«ای پیامبر ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به سختی بیفتی.» (3)

و در آیه دیگر می فرماید:

«خداوند به افراد به اندازه وسع و توان آنها تکلیف فرموده است.» (4)

به طور مثال: نماز در کودکی واجب نیست. اگر انسان بیمار شود می تواند نشسته یا خوابیده هم نماز بخواند. اگر آب برایش ضرر دارد، تیمم کند و اگر مسافر باشد نماز را شکسته بخواند و...

در مورد روزه می فرماید:

«پس هر کس از شما مریض یا مسافر باشد، در ایام دیگر روزه بگیرد.» (5)

- 1- . «ولا تعجل بالقرآن»؛ سورة طه / 114.
- 2- . «ولا تحرك به لسانك»؛ سورة قيامت / 16.
- 3- . «ما انزلنا عليك القرآن»؛ سورة طه / 2.
- 4- . «لا يكلف الله نفسا الا وسعها»؛ سورة بقره / 286.
- 5- . «فمن كان منكم»؛ سورة بقره / 184.

مری نیز در احکام نباید افراد را به سختی بیندازد و از آنان تکالیف شاق بخواهد. این کار موجب می شود که مردم اسلام را دین سختی بدانند و از آن دلزده شوند و به آن پشت کنند. در حالی که خداوند می فرماید:

«خداوند بر شما آسان گرفته است و برای شما سختی را نخواست است.» (1)

و در آیه دیگر فرمود:

«خداوند هیچگونه سختی در دین برای شما قرار نداد.» (2)

اسلام نسبت به واجبات این گونه آسان می گیرد. اما گاهی مشاهده می شود که برخی از مریبان نسبت به مستحبات سختگیری می کنند و افراد را تحت فشار قرار می دهند.

12 - استبداد نداشته باشد.

یکی از صفات مری آن است که مری نباید مستبد باشد. استبداد در انتقال معارف خطرناک است. ممکن است مری استبداد مری را بپذیرد. اما از نظر روحی لطمه شدید می خورد. گاهی تا آخر عمر مظلوم و سرافکننده می شود و از حق خود نمی تواند دفاع کند و گاهی نیز هنگامی که از عامل استبداد جدا شد، از همه معارف و خوبیها دست برمی دارد. به این علت است که مری باید در ارشاد استبداد نظر نداشته باشد. بلکه معارف را بیان کند و به مری فرصت فکر کردن، اشکال کردن، انتقاد نمودن و دلیل خواستن بدهد.

مری با اندیشه آزاد ارشاد و هدایت را بپذیرد. چنان که در انتخاب دین نیز اکراه نیست.

قرآن می فرماید:

«در انتخاب دین اکراه و زور نیست.» (3)

هر کس پیرو حق شد، هدایت شده و هر کس گناهکار شد، اهل دوزخ خواهد بود.

13 - آبروی افراد را حفظ کند.

یکی از ویژگیهای مری آن است که باید سعی کند ارشاد، افراد، همراه با آبروریزی نباشد. در ملا عام دیگران را ارشاد نکند. بلکه آنها را در گوشه ای تنها و با شرائط ویژه به راه حق ارشاد نماید.

مری باید توجه داشته باشد که نباید اسرار و بدیهای دیگران را بین مردم فاش کند و آبروی آنها را ببرد و آینده آنان را زیر سؤال بگیرد و با خطر مواجه کند.

ص: 73

2- . «وما جعل عليكم»؛ سورة حج / 78.

3- . «لا اكراه فى الدين»؛ سورة بقره / 256.

14 - شخصیت افراد را خرد نکنند.

یکی از صفات مربی آن است که باید مواظب شخصیت افراد باشد. گرچه ممکن است فردی گناهکار باشد، اما همه افراد خوبیهای دارند، که گاه همان خوبیها باعث نجات آنان در دنیا و آخرت می شود. لذا نباید افراد را کوچک شمرد و شخصیت آنان را خرد نمود یا به آنان اهانت کرد.

15 - مهربان و دلسوز باشد

مربی باید مهربان باشد و متربی احساس کند که مربی دوست و دلسوز او می باشد و از ارشاد او نفع مادی به مربی نمی رسد. در این صورت است که مهربانی و دلسوزی افراد را به مسیر هدایت رهبری می کند.

خداوند نیز رحمت و مهربانی را رمز موفقیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله معرفی می فرماید:

«ای رسول رحمت خدا ترا با خلق مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.» (1)

و در آیه دیگر می فرماید:

«ما تو را تنها به عنوان رحمت بر جهانیان فرستادیم.» (2)

از نظر روانشناسان نیز ثابت شده است که مهربانی و نرمخویی افراد را تربیت پذیر می کند و اسلام نیز می فرماید:

«با کسانی که به آنان می آموزید و تعلیم می دهید، نرمی کنید.» (3)

چهره مربی باید همراه با لبخند باشد و مهربانی از چهره و حالت بیان مشاهده شود و متربی این مهربانی را احساس کند.

چهره خشن و بیان خشونت آمیز، در افراد ایجاد ترس و دلهره می کند و خاطره بدی در روحیه آنها بر جای می گذارد و در این حال پذیرش افراد بسیار کم است.

16 - تیزهوش و زرنگ باشد.

از جمله صفات مربی آن است که تیزهوش و زرنگ باشد. مصداق روایتی که امام علی علیه السلام می فرماید: «ای همای مؤمن باید تیزهوش باشد.» (4)

ص: 74

1- . «فبما رحمة من الله»؛ سورة آل عمران / 159.

2- . «و ما ارسلناك»؛ سورة انبياء / 107.

3- . بحار الانوار، ج 2، ص 62.

زرنگی و تیز هوشی به مربی کمک می کند که با اراده باشد، نسبت به کارهای خود تحلیل درستی داشته باشد و هرگز تحت تأثیر دیگران قرار نگیرد. نسبت به بدگوییها، جوسازیها، قدرت برخورد درست را داشته باشد. صادق را از کاذب شناسائی کند و دامها را بشناسد.

آراء و اخبار دیگران را بشنود اما خود نسبت به درست یا نادرستی آن ابتدا تحقیق کند و سپس عمل نماید. قرآن نیز می فرماید:

«اگر فاسقی برای شما خبری آورد تحقیق کنید.» (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«اگر می خواهید کاری انجام دهید باید در فکر عاقبت آن باشید اگر خیر است آن را انجام دهید وگرنه آن را ترك کنید.» (2)

17 - به افراد احساس مسئولیت دهد.

یکی از ویژگیهای مربی آن است که به افراد احساس مسئولیت دهد. ابتدا آنها را نسبت به جایگاهشان در جهان و خلقت آشنا کند و به آنها گوشزد نماید که خلقت انسان بی هدف و بیهوده نیست. چنان که قرآن چنین می فرماید:

«آیا می پندارند که ما آنان را عبث و بیهوده آفریدیم و به سوی ما بر نمی گردند.» (3)

انسان در جهان بیهوده آفریده نشده است. هدف والای خلقت انسان شناخت خداوند و عبادت بوده است.

«و ما جن و انس را نیافریدیم، مگر آن که خداوند را عبادت کنند.» (4)

انسان باید جایگاه خود را در بین موجودات عالم بشناسد. هدف از خلقت انسان رسیدن به زندگی مادی نیست. زیرا حیوانات در این امور از انسان برترند. بیشتر می خورند، توالد و تکاثر دارند. اما انسان چنین نیست. هر لحظه عمر انسان مورد ارزیابی خداوند است و اعمال او نزد خداوند محفوظ می باشد.

«خداوند بر همه چیز مراقب است.» (5)

«هر کس ذره ای عمل خیر یا شر انجام دهد آن را نزد خداوند می بیند.» (6)

ص: 75

1- «ان جائکم فاسق»؛ سوره حجرات / 6.

2- بحار، ج 77، ص 130.

3- «افحسبتم انما خلقناکم»؛ سوره مؤمنون / 115.

4- «و ما خلقت الجن»؛ سوره ذاریات / 56.

5- «و کان الله علی کل شی رقیباً»؛ سوره احزاب / 52.

6- «و من يعمل مثقال ذرة»؛ سوره زلزال / 6.

پس انسان مسئول است، احساس مسئولیت است که به انسان انگیزه درس خواندن، خوب شدن، انسان شدن، از بدیها دوری کردن و به خدا رسیدن و... می دهد.

انسان فطرتاً خود را دوست دارد به سرنوشت خود علاقمند است و دوست دارد رشد و تکامل پیدا کند. لذا اگر بیند گناه و خطائی او را از آینده ای روشن محروم می کند و از رشد باز می دارد حتماً آن کار را ترك خواهد کرد.

لذا مربی باید احساس مسئولیت افراد را نسبت به آینده و رشد آنها، به آنها گوشزد کند تا آنها نیز اعمالی را که زمینه نابودی و هلاکتشان می باشد، انجام ندهند.

18 - عزت نفس

مربی باید عزت نفس داشته باشد و برای ارشاد و هدایت مردم از آنان توقع مادی نداشته باشد.

اگر مربی از مردم توقع تشکر و ستایش داشته باشد و انتظار بکشد مردم جبران زحمات او را به وسیله مسائل مادی بنمایند، توکل او به خداوند کم شده است، زیرا خداوند در قرآن می فرماید:

«ما شما را روزی می رسانیم.»(1)

اگر مربی به یقین برسد که روزی او دست خداوند است. تشکر و پاداش و هدیه از مردم توقع نمی کند زیرا روزی خداوند بی منت و مستدام است و هرگز قطع نمی شود.

در حالی که هدیه و پاداش مردم مسائل جانبی در پی دارد. چون منت گذاشتن، رشوه، توقع بی جا، تشکر محدود و...

در حالی که اجر الهی مستدام و همیشگی و ثواب آخرت بهترین و برترین پاداشها است.

19 - مأیوس نشود.

مربی هیچگاه نباید از هدایت دیگران مأیوس شود. وقتی مربی برای خدا قیام می کند و مردم را به هدایت فرا می خواند، نباید از کارهای بد اندیشان و کسانی که از حق رو می گردانند، نسبت به کار خود مأیوس شود. کار اگر برای خدا باشد، نظر مردم بر هدف انسان نمی تواند مؤثر باشد.

خداوند نیز در قرآن می فرماید:

«از رحمت خدا ناامید نشوید که تنها قوم کافر از رحمت خدا ناامید می شوند.»(2)

در آیه دیگر به انسانهای با تقوا بشارت می دهد:

- 1- . «نحن نرزقهم»؛ سورة اسراء / 31.
- 2- . «ولا تيأسوا من روح الله»؛ سورة يوسف / 87.

«زمین از آن خداست و آن را برای هر کس از بندگانش بخواهد به ارث می گذارد و عاقبت کار با انسانهای با تقواست.» (1)

مربی باید ارشاد را برای خدا در جامعه ادامه دهد و از روی گرداندن مردم دلسرد نشود. خداوند در آیه ای چنین می فرماید:

«و اگر از حق روی گرداندند بر تو چیزی جز تبلیغ دین خدا و اتمام حجت بر آنها نیست.» (2)

آری مربی مأمور به ارشاد است نه نتیجه. به قول امام رحمه الله ما مأمور به وظیفه هستیم نه نتیجه.

20 - افراد گناهکار نزد او یکسان باشند.

مربی باید در ارشاد با افراد گناهکار یکسان برخورد کند. اگر برای مربی مشخص شود که کسی دشمن خداست و قابل هدایت نیست باید از او دوری کند، گرچه نزدیکترین عضو خانواده او باشد.

چنان که حضرت نوح علیه السلام از فرزندش به فرمان خداوند چشم پوشی کرد.

«خداوند گفت: ای نوح همانا او از اهل تو نیست، عمل او غیر صالح است.» (3)

معیار برای دوستی و دشمنی خدا باشد. در ارشاد نیز نباید عمل افراد گناهکار به خاطر روابط و ضوابط مربی نادیده گرفته شود. برخورد با خطاکار باید یکسان باشد و حدود الهی درباره افراد در هر قشر و گروهی یکسان اجرا شود.

قرآن نیز در این باره می فرماید:

«اگر فقیر باشند یا ثروتمند با هوای نفس حکم ندهید که خدا به رعایت حق آنها اولی است.» (4)

21 - اگر سؤالی را نمی دانست بگوید نمی دانم.

یکی از صفات مربی آن است که اگر چیزی را نمی داند، صریحاً بگوید نمی دانم.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«نمی دانم نیمی از علم است.» (5)

گاهی لازم است، مربی همه آنچه را که می داند، هم نگوید. علوم خود را به اقتضاء زمان و مکان و احتیاج افراد بیان کند. شاید برخی از سؤالهای متربی را مربی صلاح نداند که پاسخ دهد زیرا

ص: 77

1- «ان الارض لله»؛ سورة اعراف / 128.

2- «وان تولوا فانما»؛ سورة آل عمران / 20.

3- . «انه ليس من اهلك»؛ سورة هود / 46.

4- . «ان يكن غنيّاً»؛ سورة نساء / 135.

5- . لا ادرى نصف العلم، نهج البلاغه كلمات قصار.

پاسخگویی به بعضی از سؤالات که در سطح فهم افراد نیست، لازم نمی باشد. زیرا متربی از جواب به جائی نمی رسد و چیزی از آن نمی فهمد.

22 - عمل به گفتار

مربی باید به آنچه می گوید ابتدا خود عمل کند. کسی که می خواهد مردم را تعلیم دهد ابتدا باید به تعلیم خود پردازد.

روایت می فرماید:

«کسی که خود را برای رهبری مردم قرار داده است، باید قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد.»⁽¹⁾

مربی باید قبل از آن که مردم را به کار خوب فرا بخواند، خود آن معروف را انجام دهد و قبل از نهی دیگران از اعمال زشت، خود آن اعمال را ترک کند.

چنان که در اسلام نیز اولین مرحله هدایت، مربوط به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و خداوند به پیامبرش چنین فرمود:

«الا ای رسولی که خود را به لباس پیچیده ای، برخیز و مردم را با بند، خداترس کن و لباس خود را از هر عیب و آرایش پاک کن و از ناپاکی به کلی دوری کن.»⁽²⁾

امام علی علیه السلام طی روایتی می فرماید:

«خداوند لعنت کرده آنان را که امر به معروف می کنند ولی خود به آن معروف عمل نمی کنند و نهی از منکر می نمایند اما خود انجام دهنده آن هستند.»⁽³⁾

در آیه دیگری قرآن می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خودتان باشید، وقتی که شما هدایت یافتید گمراهی گمراه شدگان به شما زیانی نمی رساند.»⁽⁴⁾

23 - علم و آگاهی کافی

از جمله صفات مربی، داشتن علم و آگاهی می باشد. مربی باید نسبت به مسائل مختلف و فرهنگ اسلام آگاهی و علم کافی داشته باشد.

ابتدا باید معروفها را بشناسد و پیرامون آن آگاهی کافی به دست آورد.

ص: 78

1- بحار الانوار، ج 2، ص 56.

2- «یا ایها المدثر»؛ سوره مدثر / 1.

3- . وسائل الشيعة، ج 11، ص 420.

4- . «يا ايها الذين امنوا عليكم»؛ سورة مائده / 105.

منکرها را بشناسد، مرزهای گناه را تشخیص دهد و نظر فرهنگ غنی اسلام را راجع به گناهان و ابعاد آن شناسائی کند. تا بتواند این علم و آگاهی را به دیگران انتقال دهد.

اگر حیثاً برخوردار مری از روی علم و آگاهی نباشد، گاه ضررهای جبران ناپذیری بر روحیه افراد و افکار و بنش آنان وارد می سازد و گاه متری را از اسلام دلزده و دلسرد می کند. مری باید خود آگاه و هدایت شده باشد. لذا امام علی علیه السلام می فرماید:

«با علم و آگاهی سخن بگوئید که هیچ نفعی در سخن جاهلانه و بدون آگاهی نیست.»⁽¹⁾

و در روایت دیگر می فرماید: «آنچه را نمی دانی نگو، زیرا در این صورت گفتارهای علمی تو نیز مورد تهمت قرار می گیرد.»⁽²⁾

مری باید پیوسته در اندیشه تحصیل علم و افزودن به اطلاعات خود باشد، زیرا در هر زمان به معلومات جدید نیاز دارد و باید برای رسیدن به معلومات جدید مطالعه کافی داشته باشد.

24 - شناخت مرز احکام شرعی

اشاره

یکی از صفات مری و یکی از عوامل مهم موفقیت او شناخت مرز احکام در شرع مقدس اسلام است.

از آنجا که عکس العمل برخی اعمال در صورت ظاهر یکی است. لذا شناخت مرزها اهمیت زیادی دارد. به طور مثال خرابکاری و کنجکاو، دو انگیزه عمل با دو دیدگاه متفاوت است که هر کدام شیوه مقابله خاصی دارد اما ظاهر عمل یکی است.

کودکی آبی را می ریزد چون خرابکار است، اما کودکی آب را می ریزد چون می خواهد ببیند که اگر آب را ریخت چه می شود و چه عکس العملی در پی دارد؟

به طور مثال غیبت در شرع مقدس اسلام حرام است و از گناهان کبیره است و غیبت کننده عذاب می شود و...

اما غیبت در همه جا ناپسند و گناه نیست. بلکه در مواردی غیبت جایز و گاه واجب می شود. مثل مشورت، شراکت، ازدواج، شهادت در محضر دادگاه، دفاع از مظلوم و... غیبت لازم و واجب می شود.

و یا دروغ گناه کبیره و حرام است، کلید گناهان به شمار می رود و...

اما برای حفظ جان مسلمان و مؤمن یا حفظ مال و آبروی افراد گاه دروغ واجب می شود و اگر

ص: 79

مربی بخواهد در ارشاد موفق شود، باید پیرامون احکام و مرزهای مسائل شناخت کامل و جامع داشته باشد تا بتواند اعمال و رفتار افراد را شناسائی کند و روش مقابلهٔ درست با هر کدام از انگیزه‌ها را تشخیص دهد.

شناخت اعمال

مربی باید بداند که گناهان از نظر شرع مقدس اسلام به چند گروه تقسیم می‌شوند:

گناه کبیره

گناهی است که در قرآن کریم به آن وعدهٔ عذاب داده شده است. و علماء علم اخلاق از 7 تا 70 نوع گناه را کبیره دانسته‌اند، از قبیل، غیبت، دروغ، تهمت، زنا و...

گناه کبیره احکامی دارد که فراگیری آن لازم است.

گناه صغیره

برخی گناهان صغیره‌اند و حکم گناه کبیره را ندارند. اما مربی باید بداند که تداوم بر گناه صغیره موجب ارتکاب گناهان کبیره می‌شود لذا باید از این نوع گناهان نیز دوری کرد.

مکروه

برخی اعمال مکروه هستند، انجام آنها عقاب ندارد، اما ثواب نیز برای انجام آن داده نمی‌شود.

مستحب

برخی اعمال مستحب هستند و برای انجام مستحبات خداوند ثواب زیادی در نظر گرفته است این اعمال از قبیل نمازهای مستحب، دعا، نماز جماعت، شرکت در مجالس عزاداری، شرکت در مسجد، جلسه قرآن، صدقه دادن، انفاق کردن، قرض دادن، تعاون در کار خیر، رسیدگی به امور دوستان و همسایگان، حل اختلاف بین خانواده‌ها و...

بی‌اعتنایی به مستحبات

برخی افراد نسبت به انجام مستحبات بی‌اعتنا هستند و عمل مستحب را انجام نمی‌دهند.

برخورد مربی با چنین فردی نباید چون برخورد با يك گناهكار باشد. زیرا انجام ندادن اعمال مستحب گناه ندارد. لذا مربی باید توجه داشته باشد که با چنین افرادی برخورد منفی نکند.

برخورد منفی در مورد مستحبات جایز نیست. بلکه باید رفتار مربی به نحوی باشد که در افراد ایجاد علاقه و انگیزه کند و آنها را به انجام این امور وادار نماید.

آشنایی با عمل مستحب، آثار عمل و عواقب آن شوق و انگیزه افراد را زیاد می کند. انجام امور مستحبی با کسالت و بی میلی امکان پذیر نیست. زیرا اگر مستحبات با کسالت همراه باشد انسان

ص: 80

زود آن را کنار می گذارد. اما در مواردی که انسان شوق به کار داشته باشد، عمل مداومتری خواهد داشت، روایت نیز می فرماید:

«عمل کم و با دوام بهتر از زیاد و خسته کننده است.» (1)

حق الله

برخی از گناهان حق الله هستند. مربی باید برای افراد تحت تربیت خود روشن کند که حق الله چیست؟

حق الله عبارت از وظائفی است که انسانها در مقابل خداوند دارند. حق الله وظائف عبادی انسان محسوب می شود و انسان مسلمان و با ایمان باید این عبادتها را با شرایط خاص خودش انجام دهد.

نماز، روزه، حج، خمس، زکات و... از جمله حقوق الهیه هستند که افراد مسلمان باید احکام این مسائل را یاد بگیرند و به آن عمل کنند.

اگر فردی نسبت به این اعمال بی توجهی کند، آنها را انجام ندهد و یا طوری انجام دهد که موجب بطلان عبادات شود، گناهکار است.

گاهی فرد عبادات خود را ترك می کند، ترك عبادات گناه محسوب می شود. اما گاهی فرد نسبت به احکام و مسائل خود بی توجه است. وضویش درست نیست، اموالش حلال نیستند، قرائت نماز را نمی داند، به احکام روزه آشنا نیست، چنین فردی نیز گناهکار محسوب می شود و اعمالش باطل است.

حقوق اجتماعی (حق الناس)

برخی از گناهان حق الناس هستند. فرد گناهکار با ارتکاب چنین گناهی حقوق اعضاء اجتماع را نادیده گرفته و از بین می برد.

مثل آن که مالی را از کسی غصب می کند و یا از بین می برد، آبروی کسی را در معرض خطر قرار می دهد، غیبت می کند و یا تهمت می زند.

و یا افرادی که در اجتماع فساد و تباهی به وجود می آورند، گناهی را شایع می کنند و افراد دیگر اجتماع را به گناه وادار می کنند.

ظلم به نفس

برخی از گناهان جنبه ظلم به نفس دارد. فرد گناهکار اعمالی انجام می دهد که نعمتهای الهی را در

ص: 81

مورد خود نادیده گرفته و آنها را از بین می برد و به خود ضرر می رساند.

مثلاً افرادی که درس نمی خوانند و از رشد و تعالی عقب می مانند، ظلم به خود می کنند. افرادی که دستورات خداوند در مورد زندگی شخصی خود را نادیده می گیرند، بدحجاب هستند یا ریش خود را می تراشند، تخلفاتی دارند که علاوه بر ظلم به خود در اجتماع نیز فساد ایجاد می نمایند.

مربی باید این تخلفات و گناهان و مرزهای آنان و راههای توبه این گناهان را ابتدا بداند و سپس به افراد دیگر منتقل کند.

25 - مشورت کند

مربی باید با افراد دانشمند و با فضیلت پیوسته مشورت داشته باشد. در این مورد خداوند در قرآن کریم پیامبر را سفارش فرمودند:

«و در کارها با مردم مشورت کن.» (1)

از آنجا که تربیت و ارشاد افراد به آگاهی فراوان نیاز دارد و امر تربیت بسیار لطیف و دقیق است از این رو مربی باید آنچه را نمی داند حتماً بپرسد و از اندیشمندان و آراء آنها در هدایت و ارشاد مردم استفاده کند. امام علی علیه السلام می فرماید:

«کسی که از خردمندان کمک فکری بطلبد جای خطا و اشتباه را می شناسد.» (2)

چنان که در بعد بیماری جسمی متخصص فراوان است و هر عضوی تخصص جداگانه ای را می طلبد. در مورد بیماری روحی نیز چنین است. ممکن است مربی به چند گروه از بیماران روحی و روانی آشنا باشد و روش مقابله با آنان را بداند اما مسلم است که در مورد همه بیماران روحی چنین آمادگی را ندارد. اینجاست که باید از افرادی که در آن علوم خاص آگاهی بیشتری دارند استفاده کند.

26 - پالایش و بدیها جایگزینی امور مثبت

یکی از ویژگیهای ارشاد این است که مربی باید به جای بدیها و رذائل، امور مثبت را معرفی و جایگزین کند.

در علم روانشناسی، یکی از اصول مهم تربیت جایگزین کردن است. دانشمندان بر این عقیده اند که اگر می خواهید کار منفی و بدی را از مردم بگیرید، ابتدا باید جایگزین مثبت را به آنها معرفی کنید، سپس از آن کار منفی افراد را نهی نمایید.

ص: 82

1- «و شاورهم فی الامر»؛ سوره آل عمران / 159.

2- نهج البلاغه فیض الاسلام، ص 1196.

در علم پرورش کودک نیز این مسئله مطرح است که اگر می خواهید به کودک بگوئید این کار را نکن، در مقابل، کاری برای انجام دادن به او بدهید. اگر چاقورا که خطرناک است از او می گیرید، به جای آن به او اسباب بازی بدهید، بلکه قبل از گرفتن چاقو او را به شیء دیگری مشغول کنید، آنگاه شیء خطرناک را بگیرید.

مربی نیز باید به جای گناهان، کارهای نیک را جایگزین کند.

27 - روشهای تنبیه صحیح

هنگامی که مربی تشخیص داد که باید از روشهای تنبیهی استفاده کند، لازم است مربی را تنبیه کند یکی از روشهای تنبیه صحیح، تغافل است. گاهی لازم است مربی گناهی را که می بیند، صریح و کوبنده با آن برخورد نکند و موضع تهاجمی به خود نگیرد بلکه با تغافل مربی را متنبه کند. گاهی بی اعتنائی مربی و تغافل او مربی را بیشتر تربیت می کند و اثر تربیتی بیشتری بر جای می گذارد و او را تنبیه می کند.

از آنجا که انسان دارای بعد عاطفی است عقل و فکر و محبت و وجدان دارد. لذا برخورد عاطفی با افراد خطاکار گاهی بهتر از تهدید و تنبیه و کتک عمل می کند. یکی از روشهای برخورد با منکرات نیز انکار قلبی و پشت کردن به مجالس گناه است.

گاهی سکوت معنی دار، بهتر از زبان تیز و تند، افراد را هدایت می کند.

از نظر تربیتی نیز اسلام به اولیاء سفارش می کند که برای تربیت کودک گاهی با او قهر کنند و با او حرف نزنند، اما قهر را زیاد طولانی نکنند.

جوان یا کودک یا مربی باید بفهمد همانگونه که مربی دلسوز اوست، او را تشویق می کند، او را دوست دارد، گاهی به خاطر کارهای خلاف او، اخم می کند و او را این گونه تنبیه می کند. کودک نباید فکر کند که اولیاء یا مربی او نباید هیچ وقت او را تنبیه کنند یا او را مورد توبیخ و سرزنش قرار دهند و یا او را جریمه کنند. بلکه باید بداند اگر خلاف مرتکب شود، ممکن است اولیاء یا مربیان، او را تنبیه کنند.

تغافل و نادیده گرفتن، بی اعتنائی، قهر، سکوت، جریمه، توبیخ و سرزنش محروم کردن و... از جمله روشهای تنبیه صحیح است.

28 - جبران و توبه را توصیه کند.

اشاره

مربی باید افراد خطاکار را به جبران گناهان و توبه و شرائط آن آشنا کند.

یکی از روشهای هدایت افراد تقویت روحیه و بازسازی افرادی است که شکست خورده اند.

در فرهنگ اسلام، این امر روشن است که هر کس با ارتکاب هر نوع گناه و خطا، اگر توبه کند توبه اش مورد قبول خداوند واقع می شود و وظیفهٔ مربی این است که این اصل را به افراد گناهکار یادآوری و آنان را به توبه ارشاد نماید.

خداوند می فرماید:

«آیا ندانسته اند که خداوند توبه های بندگان را می پذیرد.» (1)

رحمت خداوند تنها پذیرش توبه نیست بلکه علاوه بر پذیرش توبه، اعمال انسان را نیز اصلاح می کند. به شرط آن که توبه واقعی باشد و فرد گناهکار دیگر به سوی گناه باز نگردد.

قرآن می فرماید:

«خداوند بدی های آنان را تبدیل به خوبیها می کند.» (2)

و در آیهٔ دیگری می فرماید:

«همانا خوبیها، بدی ها را از بین می برد.» (3)

مراحل توبه و جبران

لازم است مربی افراد گناهکار را نسبت به گناهان و راههای توبه از گناهان آگاه کند. گناهکار باید بداند که توبه این نیست که انسان فقط بگوید: استغفرالله. و از خداوند هم توقع بخشش داشته باشد.

هر گناهی توبه ای دارد.

1 - اگر گناه ظلم به خود بوده و به کسی آزار و اذیتی نرسیده و حق کسی تضییع نشده و گناه از روی نادانی بوده استغفار کافی است. قرآن می فرماید:

«محققاً خداوند توبه آنها را می پذیرد که عمل ناشایسته را از روی نادانی مرتکب شوند پس از آن که زشتی آن عمل را دانستند به زودی توبه کنند، پس خداوند آنها را می بخشد.» (4)

2 - توبه همراه با ایمان و عمل صالح باشد.

گاهی اوقات گناه همراه با بی ایمانی بوده و انسان عبادات خود را انجام نداده است. توبه این است که ابتدا استغفار کند و تصمیم به ترك گناه بگیرد، سپس اعمال صالح خود از قبیل نماز، روزه و... را که انجام نداده، اعاده کرده و همه را به مرور انجام دهد و کفّارهٔ روزه هایی که قضا کرده بدهد و

- 1- . «الم يعلموا ان الله»؛ سورة توبه / 104.
- 2- . «يبدل الله سيئاتهم»؛ سورة فرقان / 70.
- 3- . «ان الحسنات»؛ سورة هود / 114.
- 4- . «انما التوبه على الله»؛ سورة نساء / 17.

روزه ها را بگیرد و تصمیم به اصلاح اعمال داشته باشد.

قرآن می فرماید:

«والبته بر آنکس که توبه کند و به خدا ایمان آورد و نیکوکار گردد و به راه هدایت برود مغفرت و آمرزش من بسیار است.» (1)

3 - توبه همراه با اصلاح ظلمها باشد.

گاهی اوقات انسان به حقوق دیگران تجاوز کرده، به آنان ظلم روا داشته، مال آنها را خورده، غصب کرده، دزدی نموده، غیبت کرده، افراد را آزار رسانده است و کارهایی از این قبیل انجام داده که حقوق دیگران را از بین برده است.

توبه از این گناهان علاوه بر استغفار و تصمیم به ترك گناه آن است که انسان به جبران و اصلاح ظلمها پردازد. اموال مردم را بدهد و از آنها طلب بخشش کند.

قرآن می فرماید:

«پس هر کس بعد از ستمی که کرده توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد از آن پس خدا او را خواهد بخشید.» (2)

4 - توبه همراه با اصلاح و بیان کارهای زشت باشد.

افرادی که به وسیله گناه خود، دیگران را به گناه کشانده اند علاوه بر توبه، باید به بیان کارهای خلاف خود پردازند و دیگران را نیز به راه راست هدایت نمایند. قرآن می فرماید:

«مگر آنهایی که توبه کردند و به اصلاح مفاسد، اعمال خود پرداختند و برای مردم آنچه را که کتمان می کردند، بیان کردند پس توبه این گروه را می پذیرم.» (3)

مراحل توبه در مکتب علی علیه السلام

جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله گوید:

شخصی بیابانی در مدینه به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خدایا من از تو طلب آمرزش و توبه می کنم.

سپس مشغول نماز شد، پس از نماز، علی علیه السلام به او فرمود:

توبه زبان تنها به استغفار (طلب آمرزش از خدا) توبه دروغگویان است. خود توبه این چنینی نیاز به توبه دارد.

- 1- . «وانى لغفار لمن»؛ سورة طه / 82.
- 2- . «فمن تاب من»؛ سورة مائده / 38.
- 3- . «الّالذفن تابوا اصلحوا»؛ سورة بقره / 160.

او عرض کرد: توبه حقیقی چگونه است؟

امام علی علیه السلام فرمود: توبه اسمی است که دارای شش شاخه است.

1 - از گناهان گذشته پشیمان شود.

2 - واجبات از دست رفته را به مرور انجام دهد.

3 - حقوق مردم را به مرور به آنها رد کند.

4 - گوشت بدن را در راه اطاعت خداوند ذوب کند، همان گونه که در راه گناه روئیده شده بود.

5 - چشاندن رنج و سختی اطاعت به جان همانگونه که شیرینی گناه را به جان می چشاندی.

6 - گریه عوض همه خنده هایی که کرده ای. (1)

این شرایط توبه کامل است. اما توبه در مراحل پائین با پشیمانی از گناه، تصمیم بر ترك گناه ادای حق الله و حق الناس، حاصل می شود.

29 - از روشهای غیر مستقیم استفاده کند.

گاهی لازم است، مربی به جای صحبت با افراد از روشهای غیر مستقیم در تربیت آنها استفاده کند.

زیرا برخی موارد مربی با ارشاد حضوری و مستقیم نمی تواند مربی را راهنمایی و هدایت کند.

در اینجا استفاده از کتاب، نامه، تلفن، نوار، دوستان، اولیاء، معرفی مراکز فرهنگی، مساجد، روحانیون برای انتقال مطالب به افراد لازم است.

30 - اگر ارشاد مؤثر نیست، افراد را رها کند.

اگر مربی وظیفه خود را انجام دهد، جای هیچ نگرانی وجود ندارد. حتی اگر ارشاد تأثیر هم نداشته باشد، اگر افراد نپذیرفتند و یا زمینه پذیرش در آنها وجود نداشت، از طرف آنها به مربی زبانی نخواهد رسید.

چنان که بیان شد یکی از شرایط امر به معروف آن است که مربی احتمال تأثیر بدهد. اگر احتمال نمی دهد، چیزی بر او واجب نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند:

«امر به معروف و نهی از منکر کنید. اما هنگامی که ببینید مردم، دنیا را مقدم داشته و بخل و هوی بر آنها حکومت می کند و هر کس تنها رأی خود را می پسندد (و گوشش بدهکار سخن دیگری نیست) به

1- . تفسير روح البيان برسى، ج 8، ص 315.

خویشتن پردازید و عوام را رها کنید.»(1)

31 - همنشینی با افراد گناهکار را ترك کند.

مربی باید مجالست و رفت و آمد با افراد گناهکار و شرکت در مجلس گناه را ترك کند. البته ترك مجالست به معنای قطع رحم نیست. زیرا انسان در هیچ حال نباید قطع رحم کند بلکه باید افرادی را که اهل گناه هستند به وسیله امر به معروف و نهی از منکر ارشاد نماید.

اما شرکت در مجالس گناه و مجالست با اهل گناه، مربی را در مواضع تهمت قرار می دهد. و از نظر فرهنگ اسلام انسان نباید خود را در مواضع تهمت قرار دهد. روایت می فرماید:

«کسی که خودش را در مواضع تهمت قرار دهد نباید کسی را که به او گمان بد برده است سرزنش کند.»(2)

در روایات نیز آمده است:

جعفری گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که به من فرمود: چه شده که تو را نزد (عبدالرحمن بن یعقوب) می نگرم؟

عرض کردم: او دایی من است. فرمود:

او درباره خداوند، اوصافی ذکر می کند که ذات پاک خدا دارای آن اوصاف نیست. یا با او همنشین مشو و ما را ترك کن و یا با ما باش و او را ترك کن.

عرض کردم: او هر چه دلش خواست بگوید، ولی من که معتقد به عقیده او نیستم. چه مانعی دارد؟

امام علیه السلام فرمود: آیا نمی ترسی که عذابی به او برسد و شامل همه شما نیز بشود؟

آیا خبر نداری که شخص از یاران موسی بن عمران علیه السلام بود ولی پدرش از اصحاب فرعون بود.

وقتی که فرعون و فرعونیان در حال غرق در دریا بودند، پسر به سوی پدر رفت تا او را موعظه کند. و به موسی علیه السلام ملحق سازد، ولی پدر قبول نکرد. پسر در فکر او بود و در نتیجه آب دریا پدر و پسر را فرا گرفت و هر دو غرق شدند. این خبر به موسی علیه السلام رسید. فرمود:

پسر در رحمت خدا است ولی وقتی بلا نازل شد شامل آن کسی که نزدیک گناهکار است نیز خواهد شد و دیگر راه دفاع از او نیست.(3)

ص: 87

1- نور الثقلین، ج 1، ص 684.

2- وسائل الشیعه، ج 8، ص 423.

3- وسائل الشیعه، ج 11، ص 503.

32 - از خداوند عاقبت خیر بخواهد.

یکی از وظایف مسلمانان این است که از خداوند بخواهند که آنان را از شرور و آفات حفظ کند.

عجب و غرور، باعث می شود که گاهی مربی از بالای نردبان ترقی به پایین سقوط کند لذا هرگز توکل به خدا را نباید از یاد برد.

بسیاری از افراد بوده اند که دارای علم، عمل، درایت، عقل و آگاهی بوده اند اما در مقطعی گول شیطان را خورده و آبروی آنها از بین رفته است.

برای این که انسان همیشه به یاد خدا باشد باید از عجب و غرور خودداری کند و همان چیزی را از خدا بخواهد که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

«خدایا به اندازه يك چشم به هم زدن ما را به خود واگذار مکن.» (1)

33 - رعایت زمینه های روحی تربی

نقش تعادل در پذیرش

مربی باید نسبت به حالات تربی شناخت کامل داشته باشد و ارشاد و هدایت را در زمانی بیان کند که فرد خطاکار آمادگی پذیرش داشته باشد و در تعادل جسمی و روحی قرار گرفته باشد.

در برخی از حالات روحی، پذیرش انسان کم می شود و مربی اگر در این حالات بخواهد روی افراد کار کند، موفق نخواهد بود. تعادل نقش مهمی در پذیرش افراد دارد.

درحالت غم و اندوه نباشد.

از جمله حالات منفی در افراد، هنگامی است که برای فردی مشکلی پیش آید که وی درحالات غم و اندوه باشد. در چنین حالتی پذیرش انسان کم می شود.

در حال ترس نباشد.

یکی از حالات منفی در افراد، حالت ترس و دلهره است. (2) در این حالت اگر فردی را ارشاد نمایند، چون ترس بر وجود او غلبه پیدا کرده است، آمادگی پذیرش هدایت را ندارد.

مضطرب نباشد.

اضطراب و نگرانی باعث می شود که پذیرش انسان نسبت به مسائل کم شود. (3)

عجله نداشته باشد.

ص: 88

-
- 1- . لا تكلنا الى انفسنا طرفة عين ابدأ.
 - 2- . توضیح بیشتر در کتاب «ترس و دلهره»، اثر دیگر مؤلف.
 - 3- . توضیح بیشتر را در کتاب اضطراب اثر دیگر مؤلف مطالعه فرمایید.

در مواقعی که انسان عجله دارد و می خواهد زود از مربی جدا شود، آمادگی پذیرش حرفهای مربی را ندارد.

مأیوس و ناامید نباشد

در هنگامی که وجود فردی را یأس و ناامیدی فرا گرفته است آمادگی پذیرش در او وجود ندارد.

چنان که در آداب سخن بیان شد که بیان مأیوس کننده نباشد و مربی نیز خود مأیوس از ارشاد نباشد. یأس و ناامیدی روح و روان انسان را فرسوده می کند و قابلیت پذیرش را از بین می برد.

احساس امنیت

مربی باید نسبت به مربی اطمینان داشته باشد و در کنار او احساس امنیت کند. بداند که مربی دلسوز اوست، اسرارش را فاش نمی کند. مشکل او را بدتر نمی کند و راه درمان مشکلات او را می شناسد. و بداند که مربی آبروی او را حفظ می کند و آینده او با خطر روبرو نمی شود. و احساس کند که مربی اگر اسرار او را بداند، در آینده او را سرزنش نمی کند و از نقاط ضعف او سوء استفاده نخواهد کرد و یا از او توقعات بیجا نخواهد داشت.

تعادل جسمی داشته باشد

مربی باید در هنگام ارشاد و نصیحت مربی در تعادل جسمی باشد. گرسنه نباشد، تشنه نباشد، دستشوئی نداشته باشد، بیمار نباشد، سردش نباشد، گرمش نشده باشد.

اگر مربی تعادل جسمی نداشته باشد، تأثیر کلام کافی نخواهد بود و مؤثر واقع نمی شود.

مکان مناسب باشد

مکانی که مربی می خواهد، فردی را ارشاد کند باید مناسب باشد. خیلی سرد نباشد، گرم و طاقت فرسا نباشد، شلوغ نباشد، در مسیر رفت و آمد افراد دیگر نباشد.

اشاره

مهمترین اصل در تربیت شناخت عوامل گناه در متربی است. مربی باید انگیزه جوان از گناه را بشناسد تا بتواند روش درستی در تربیت اتخاذ کند.

ارزیابی رفتار متربی، برای مربی امری لازم و ضروری است.

1 - ناآگاهی

اشاره

معمولاً 95 درصد از خطاکاران ناآگاه هستند و جهالت موجب ارتکاب گناه آنان شده است.

بسیاری از افراد که مرتکب گناه می شوند آن را جاهلانه انجام می دهند. زیرا نسبت به عمل، خصوصیات گناه، مرز اعمال، زشتی اعمال، آثار گناهان آگاهی ندارند و اگر مرتکب گناهی شوند، آن را جاهلانه انجام می دهند.

از نظر شرع مقدس اسلام گناهکاران جاهل و ناآگاه دو گروهند و روش برخورد با آنان متفاوت است.

جاهل قاصر

اگر فردی گناهی انجام دهد و نداند که عمل او گناه است، عقاب در پی ندارد، این فرد جاهل قاصر است. چنین فردی به دنبال به دست آوردن احکام بوده اما به حکم درست دست پیدا نکرده است.

در احکام شرع نیز عبادات چنین فردی باطل نیست. و بعد از آگاه شدن از مرز اعمال و احکام و شرائط آن، می تواند اعمال صالح خود را دنبال کند و از گناهان توبه کند.

معمولاً جاهلان قاصر افرادی هستند که از محیطهای آموزشی دور می باشند. یا وسائل ارتباط جمعی در اختیار ندارند و یا احکام را درست به دست نیاورده اند.

و یا افرادی که مسئله را به دست آورده اند ولی فراموش کرده اند و فکر می کرده اند عملی که انجام می دهند مطابق شرع و اخلاق و عرف است.

اما جاهل مقصر کسی است که گناهی را انجام می دهد. به خیال اینکه عمل خوبی انجام داده است. و این نگرش به خاطر آن است که این فرد به دنبال به دست آوردن آگاهی نبوده است و فکر می کرده که عملی درست انجام می دهد. در حالی که عمل او گناه است.

انسان وظیفه دارد نسبت به احکام شرع علم و آگاهی به دست آورد و سپس با علم و آگاهی عملی را انجام دهد و اگر چنین نکرد با توجه به اینکه امکان بدست آوردن احکام را دارد جاهل است و جاهل مقصر می باشد.

در این موارد اعمالی که جاهل مقصر انجام داده باطل است و علاوه بر توبه باید آن اعمال را دوباره انجام دهد. (البته به مرور)

2 - کینه و عناد

یکی از عوامل گناه، کینه و دشمنی و عقده های روانی است و چنین افرادی با علم و آگاهی مرتکب گناه می شوند. می دانند که چه اعمالی گناه است، اولیاء و مربیان آنها از چه چیزهایی رنج می برند، اما به عمد و با آگاهی مرتکب گناهایی می شوند که افراد دیگر را آزار برسانند.

لجاجت و پافشاری بر گناه در افرادی به چشم می خورد که با آگاهی مرتکب گناه می شوند.

پرخاشگری به اولیاء و مربیان، آزار رساندن به دیگران، عدم قبول نصیحت، بی احترامی و... به قصد انتقام جویی و از روی دشمنی انجام می گیرد.

چنین افرادی، معمولاً در زندگی خود مشکلات فراوانی را تحمل کرده اند و چون فشار این مشکلات بسیار شدید بوده است، آنان را دچار عقده های روانی کرده و این افراد با علم و آگاهی و به نیت انتقام جویی از اولیاء، مربیان، جامعه، دوستان و... با بصیرت کامل مرتکب گناه می شوند.

3 - فراموشی احکام

برخی افراد وقتی که مرتکب گناه می شوند، به آن علت است که حکم مسئله را فراموش کرده اند.

از روی خطا و نسیان گناه انجام داده اند. می دانسته اند غیبت حرام است اما در مقطعی به خاطر فراموشی مرتکب گناه غیبت شده اند.

و یا مربی به دانش آموز گفته بوده که تقلب نکن، دروغ نگو، به قوانین مدرسه احترام بگذار، دانش آموز هم می دانسته اما در مقطع زمانی خاصی، از روی فراموشی چنین کاری را انجام داده است.

4 - اجبار و اکراه

گاهی عامل گناه اجبار از طرف دیگران است و فرد گناهکار با اکراه گناه را انجام داده است.

در این موارد افرادی که فرد گناهکار را تحت سلطه دارند او را به گناهی مجبور می کنند که خود قصد انجام آن گناه را ندارد و می داند که از نظر شرع حرام است اما به اجبار مرتکب شده است.

مثل کسی که به زور روزه اش را باز کنند، یا گوشت حرام به او بخوراند و...

گاهی نیز اجتماع، خانواده، دوست و... افراد را به گناه می کشانند.

5 - سختگیری مری

گاهی عامل گناه عدم طاقت و تحمل افراد نسبت به کارهاست. برخی مریبان سختگیر، اعمالی را از مری می خواهند که او طاقت تحمل و انجام این کارها را ندارد لذا مرتکب گناه و خلاف می شود.

دروغ می گوید، فرار می کند، پرخاشگری می نماید و گناهایی از این قبیل انجام می دهد و علت آن این است که توان و قدرت انجام دستورات مری را ندارد.

6 - اضطراب

گاهی عامل گناه اضطراب است. در این مورد می توان چنین مثال زد که فردی در بیابانی بدون آب و غذاست و مجبور می شود به خاطر حفظ جان از حیوان حرام گوشت تغذیه کند. در اینجا چون حفظ جان مطرح است و انسان مضطر است. از نظر شرع هم می تواند بحدّ سدّ جوع (از بین رفتن گرسنگی) از گوشت حرام بخورد تا نمیرد.

اضطراب می تواند منشأ گناهان دیگری هم باشد و فردی به خاطر حفظ بعضی مصالح شرع و از روی اضطراب مرتکب گناه شود.

7 - عدم شناخت نسبت به مرز احکام

گاهی اوقات عامل گناه عدم شناخت نسبت به احکام و مسائل پیرامون آن است به طور مثال:

کودکی پولی از جیب یا کیف پدر بر می دارد. گاهی این کودک مرز مالکیت را نمی شناسد. کار خود را خلاف نمی داند، بین جیب خود و پدرش فرقی قائل نیست. لذا چنین فردی با چنین نگرش را نمی توان دزد نامید.

و یا پدری که فرزند خود را کتک می زند به حدی که موجب دیه می شود. این پدر به خاطر عدم شناخت احکام فکر می کند چون فرزند، بچه اوست، پس هر کار دلش خواست می تواند در مورد او

انجام دهد. در حالی که شرع اسلام چنین حقی را به اولیاء حتی در مورد تربیت نمی دهد.

و یا گاهی مربی، استاد، معلم، افراد تحت پوشش آموزشی خود را استعمار می کنند. فکر می کنند چون فردی زیر دست آنهاست باید هر چه می گویند انجام دهد. در کارهای شخصی از او استفاده کنند. و نیازهای خود را به وسیله آنان تأمین نمایند. در حالی که از نظر شرع و عرف این کار صحیح نیست و گناه دارد.

گاهی افراد غیبت می کنند یا دروغ می گویند و یا تخلفات اخلاقی دیگری را مرتکب می شوند.

اما همیشه غیبت حرام نیست یا دروغ بد نمی باشد. حتی از نظر شرع مقدس گاهی غیبت و دروغ واجب هم هست. در حفظ جان اشخاص دروغ مصلحتی پسندیده است. در حفظ مال و آبروی اشخاص دروغ عیب نیست و یا فرد فاسق غیبت ندارد، کسی که گناه علنی انجام می دهد و یا در مورد مشورت غیبت جایز است و... پس مرز شناسی بسیار لازم است.

8 - خطا و اشتباه

گاهی عامل گناه خطا و اشتباه است. بسیاری از گناهان منشأ خطا و اشتباه دارند. از نظر شرع هم حکم خطا و اشتباه با عمد بسیار متفاوت است. اجرای حدود و دیات در خطا و عمد تفاوت فراوان دارند.

9 - آموزشهای غلط، یادگیری غلط

اشاره

گاهی عامل گناه یادگیری و آموزش از طریق دیگران است. برخی افراد مرتکب گناهی می شوند که این گناه را از اولیاء، دوست، محیط، و مسائل ارتباط جمعی فرا گرفته اند و آموزشهای غلط فرد را گناهکار کرده است.

آموزش، بحث بسیار مفصلی است؛ زیرا اغلب روابط و اعمال انسان منشأ یادگیری و آموزش دارند. اعمال اولیاء، مربیان، دوستان و... موجب می شود که جوان یا نوجوان ناخواسته مرتکب اعمالی شود که از نظر شرع گناه به شمار می روند.

اگر اولیاء یا مربیان جوان را از کاری به زبان نهد، اما خود آن کار را انجام دهند، جوان نیز با یادگیری عملی مرتکب آن عمل خواهد شد.

پدری که دروغ می گوید، به فرزندش می آموزد که او نیز دروغ بگوید.

مربی وقتی خود به ارزشهای الهی پای بند نیست به مربی خود با عمل می آموزد که او نیز چنین باشد.

در اینجا اهمیت علم و آگاهی و تربیت مربی آشکار می شود که افراد با عمل مربی بیشتر تربیت می شوند تا این که مربی با بیان آنها را به تربیت و ارشاد فرا بخواند.

امام علی علیه السلام در روایت می فرماید:

«خداوند لعنت کرده آنان را که امر به معروف می کنند ولی خود به آن معروف عمل نمی کنند و نهی از منکر می نمایند، اما خود انجام دهنده آن نیستند.»(1)

آموزش خانواده

اگر عامل گناه آموزشهای غلط توسط خانواده باشد، مربی باید ابتدا خانواده را تحت آموزش صحیح قرار دهد و با هدایت خانواده، جوان بزهکار نیز خود به خود هدایت می شود.

اسلام نیز در مورد آموزش افراد خانواده تأکید فراوان دارد و در آیات مختلف به اولیاء سفارش کرده است که تنها به فکر خود نباشند، بلکه خانواده خود را نیز تحت تربیت صحیح قرار دهند.

قرآن می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتشی که گیراننده آن انسان و سنگ است، مواظبت کنید.»(2)

و در آیه دیگر می فرماید:

«زبانکاران کسانی هستند که روز قیامت هم به خودشان زیان زده اند و هم به خانواده خود زیان رسانده اند.»(3)

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ملعون است، ملعون است، کسی که خانواده خود را رها کند و به آنها اعتنا نکند.»(4)

10 - خلأ روحی و معنوی

گاهی عامل گناه خلأ روحی و معنوی است، وقتی فردی از نظر روحی ضعیف و دچار بیماری باشد، به طرف گناه کشیده می شود.

بیماریهای روحی چون ترس، کمروئی، اضطراب، افسردگی، عقده های روانی ضعف اراده(5) و...

ص: 94

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 420.

2- «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم»؛ سوره تحریم / 6.

3- . «ان الخاسرين الذين»؛ سورة شوری / 45.

4- . عدة الداعی، ص 72.

5- . توضیح بیشتر را در کتابهای دلهره و ترس، کمروئی، اضطراب، افسردگی و شکوفایی اراده و اثرهای دیگر مؤلف مطالعه فرمائید.

منشأ بسیاری از گناهان است.

11 - مشکلات اجتماعی

گاهی عامل گناه مشکلاتی است که در اجتماع وجود دارد. ضریب گناهان در مواقعی که خطراتی چون سیل، زلزله، جنگ و ناامنی در جامعه پیش می آید، بسیار بالا می رود.

مشکلات خانوادگی، طلاق، رفتارهای غلط والدین، ارتباط با دوستان گناهکار، مشکلات اقتصادی، بیکاری، عدم موفقیت در تحصیل و... می تواند عامل بزهکاری در جوانها باشد.

جدا کردن افراد از عامل گناه

بهترین راه ارشاد افرادی که همنشینی با گناهکاران آنها را بزهکار می کند این است که آنها را از این عوامل گناه باید جدا کرد.

اگر عامل مشکل، دوست است. دوست کنترل شود، روابط تحت ضابطه های صحیح قرار گیرد.

دوست گناهکار را از فرد باید جدا کرد.

اگر عامل مطالعات غلط است، کتابهای فاسد از او گرفته شده و به جای آن کتابهای مفید و سازنده به فرد معرفی شود.

اگر عامل مشکل خانواده است، ابتدا باید اولیاء با خود کنار بیایند و مسائل و مشکلات خود را حل کنند، سپس از فرزندان توقع ارشاد و هدایت داشته باشند.

اگر عامل مشکل مدرسه است، باید مربیان عاملین گناه و تغذیه فکری فرد گناهکار را بشناسند و بعد از تشخیص، فرد را از عامل گناه دور نگه دارند.

12 - کنجاوی

یکی از عوامل گناه و خطا کنجاوی است. معمولاً چنین انگیزه ای در دوران کودکی و جوانی افراد را به گناه وادار می کند.

جوان می خواهد بداند طعم سیگار چیست؟ سیگار می کشد و گاه از همین راه به دام اعتیاد گرفتار می شود.

تفاوت خرابکاری و کنجاوی

عکس العمل خرابکاری و کنجاوی معمولاً در ظاهر یکی است. مثلاً کودکی آب را می ریزد، با

انگیزه کنجکاوی که ببیند وقتی آب ریخت چه می شود؟ گاهی اوقات هم کودک خرابکار عمداً آب را می ریزد.

این مربی است که با دقت و درایت کافی باید بفهمد که انگیزه افراد خرابکاری است یا کنجکاوی او را به کارهای خلاف وادار می کند.

معمولاً اولیاء فرزندان خود را از دست زدن به کبریت نهی می کنند. چون عواقب و ضرر آن را می دانند اما کودک کنجکاو برای اینکه خود امتحان کند و روحیه کنجکاوی خود را به عرصه نمود و بروز برساند، در خفا و پنهان از اولیاء کبریت بازی می کند به این انگیزه که خود امتحان کند و ببیند، بازی با کبریت چه خطراتی در پی دارد.

عوامل مقطعی

گاهی عامل گناه و خطا مقطعی و زودگذر است. ممکن است فردی بسیار منظم، درس خوان، خوش اخلاق و... باشد اما به واسطه يك نگرانی و ناراحتی و مشکل مقطعی دچار خطا و گناه شود.

در اینجا سخن را به پایان می بریم و از عزیزان می خواهیم نظرات و انتقادات خود را برای مؤلف به آدرس: قم - صندوق پستی 844 ارسال فرمایند.

سوم شعبان 1417

1375/9/24

ص: 96

منابع مورد بهره

- 1- قرآن کریم
- 2- نهج البلاغه
- 3- توحید مفصل
- 4- بحار الانوار
- 5- الفوائد الجموعه
- 6- تحریر الوسيله
- 7- وسائل الشيعه
- 8- مشکاه الانوار
- 9- فروع کافي
- 10- قصص العلماء
- 11- سيمای فرزندگان
- 12- منتهی الآمال
- 13- جامع السعادات
- 14- مجمع البيان
- 15- مكارم الاخلاق
- 16- اصول کافي
- 17- خصال (صدوق رحمه الله)
- 18- معراج السعاده
- 19- المجازات النبويه
- 20- امالی طوسی رحمه الله

21 - تفسير مجمع البيان

22 - تفسير الميزان

23 - منابع الشارحين

24 - غرر الحكم

25 - تفسير المنار

26 - مجموعه ورام

27 - تفسير روح البيان

28 - تفسير نور الثقلين

ص: 97

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

